



مجموعه پرسش و پاسخ‌های اعتقادی

۲

عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام

از دیدگاه حضرت آیه الله العظمی
سید محمد صادق روحانی (مدظله العالی)

روحانی، محمد صادق، ۱۳۰۵ -

عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام از دیدگاه حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی. - قم: مهر امیرالمؤمنین، ۱۳۹۰.

ISBN: ۹۷۸-۶۹۴-۱۵۹-۱۲۴-۵

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه

۱. واقعه کربلا، ۶۱ ق. - پرسش ها و پاسخ ها. ۲. حسین بن علی علیهما السلام، امام سوم، ۴-۶ ق. پرسش ها و پاسخ ها. ۳. عاشورا - پرسش ها و پاسخ ها. ۴. سوگواری ها - پرسش ها و پاسخ ها. الف. عنوان. ب. عنوان. عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام از دیدگاه حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی.

۹۵۳۴/۲۹۷

BP ۴۱ / ۷۲ / ۹ع۲

۲۹۷/۳۴۲۲

BP ۱۸۳ / ۹ / ۱۵الف



انتشارات مهر امیرالمؤمنین

عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام

از دیدگاه حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی

ناشر: مهر امیرالمؤمنین علیه السلام

نوبت چاپ: دوم - پاییز ۱۳۹۰

چاپخانه: گنج معرفت

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۹-۱۲۴-۵

مرکز پخش: قم، خیابان صفاییه - کوچه ۲۸ - پلاک ۱۴۹

تلفن: ۷۷۴۶۵۴۶ تلفکس: ۷۸۳۸۰۵۳ - ۰۲۵۱ - همراه: ۰۹۱۲۲۷۵۲۰۲۹

فهرست

مقدمه ۱۵

بخش اول: دلایل قیام

کشته شدن امام حسین علیه السلام برای حفظ اسلام..... ۱۹
علم امام به زمان شهادتش..... ۱۹
پند و اندرز امام حسین علیه السلام به دشمنان ۲۰
امام حسین علیه السلام خواستار ماندگاری دین اسلام ۲۱
صلح امام حسن علیه السلام به دلیل امکان پذیر نبودن جنگ و جهاد..... ۲۲
عدم شمول آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» ۲۳

بخش دوم: قیام و اثرات قیام

اهداف قیام امام حسین علیه السلام ۲۷
امام حسین علیه السلام یکی از رادمردان و آزادی خواهان دنیا..... ۲۹
آثار و ثمرات یک انقلاب در طولانی مدت ۳۰
عدم صلح امام حسین علیه السلام با یزید..... ۳۱
تقسیم جهان اسلام به دو بخش جغرافیایی - عقیدتی..... ۳۳
تحقق تحولات اجتماعی ۳۴

- ۳۵..... تلازم ابلاغ پیام یک نهضت، با تجمع، شعار و ابراز احساسات.
- ۳۷..... نقش امام حسین علیه السلام در جنبش آزادی بخش و اصلاح طلب
- ۳۷..... ریشه های استبداد در فرهنگ و ذهنیت مسلمانان.
- ۳۸..... احیای تعالیم اسلامی در غرب.
- ۴۰..... شهادت امام حسین علیه السلام توسط شیعیان عراق؟
- ۴۱..... قربانی کردن فرزند برای زیارت امام حسین علیه السلام.

بخش سوم: حوادث عاشورا

- ۴۵..... فتوا به قتل امام حسین علیه السلام.
- ۴۶..... سخن امام حسین علیه السلام درباره اصحابشان
- ۴۶..... رعایت اصول آزادی خواهی و کرامت انسانی
- ۴۷..... آگاهی امام حسین علیه السلام از سرنوشت خود و بقای دین
- ۴۸..... بیان فرجام کار از ابتدای حرکت
- ۵۰..... نهی ارشادی امام حسین علیه السلام به زینب کبری علیها السلام
- ۵۱..... اقامه نماز ظهر و عصر
- ۵۱..... تقاضای امام حسین علیه السلام از دشمنان
- ۵۲..... دلیل پرتاب نمودن خون علی اصغر بر آسمان
- ۵۲..... تعداد کشته شدگان و مجروحان توسط امام حسین علیه السلام
- ۵۳..... شاعر «یا سیوف خدینی»
- ۵۳..... منع امام حسین علیه السلام از مشارکت زنان در جهاد
- ۵۴..... سر برهنه شدن زنان خاندان نبوت و امامت
- ۵۴..... تفاوت اصحاب و انصار امام حسین علیه السلام



۵۵	خودداری نمودن حضرت عباس <small>علیه السلام</small> از آشامیدن آب
۵۶	زمان خاکسپاری امام حسین <small>علیه السلام</small> و یارانش
۵۶	دفن سر مبارک امام حسین <small>علیه السلام</small>
۵۸	روایات صحیح در خاکسپاری سرهای شهدای کربلا
۵۹	تلاوت آیه شریفه «أُمِّ حَسْبَتَ أَنْ أَصْحَابَ الْكُفْهِ»
۶۰	سربه کجاوه زدن حضرت زینب <small>علیه السلام</small>
۶۰	مجروح ساختن سرها توسط قبیله بنی اسد
۶۱	زمان بازگشت کاروان اسیران
۶۱	طی الارض امام سجاده <small>علیه السلام</small> به کربلا
۶۲	قیام مختار
۶۲	چاک دادن گریبان حضرت قاسم بن الحسن <small>علیه السلام</small>
۶۳	معرفی بُریر
۶۳	میزان قابل اعتماد بودن حمید بن مسلم (راوی ماجرای کربلا)
۶۴	ورود اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> به کربلا در اربعین اول
۶۴	نقش حضرت زینب <small>علیه السلام</small> در واقعه عاشورا

بخش چهارم: اعتقادی

۶۹	مقایسه امام حسن <small>علیه السلام</small> و امام حسین <small>علیه السلام</small>
۷۰	اعطای کرامت‌های بی نظیر به امام حسین <small>علیه السلام</small>
۷۱	نقش امام حسین <small>علیه السلام</small> نسبت به دین
۷۲	مقام زینب کبری <small>علیه السلام</small> و حضرت عباس <small>علیه السلام</small>
۷۲	روایت بانو حکیمه دختر امام جواد <small>علیه السلام</small>

۷۳	ازدواج علی اکبر <small>علیه السلام</small>
۷۳	ازدواج حضرت قاسم <small>علیه السلام</small>
۷۴	خلوت خانم سکینه <small>علیها السلام</small> با خداوند متعال
۷۴	فرموده امام حسین <small>علیه السلام</small> در مورد بندگان نافرمان
۷۵	مفهوم ذبح و قربانی در آیه «وَقَدْ يَنَاءُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»
۷۶	ارتباط سوره فجر و واقعه کربلا
۷۷	سند روایتی از امام رضا <small>علیه السلام</small> درباره امام حسین <small>علیه السلام</small>
۷۸	قیام امام حسین <small>علیه السلام</small> سبب بقا و پایداری دین اسلام
۷۹	مصیبت زهرا <small>علیها السلام</small> در سقیفه پایه مصیبت امام حسین <small>علیه السلام</small> در کربلا
۷۹	گریستن آسمان بر امام حسین <small>علیه السلام</small>
۸۱	شبهه افکنی های دشمنان اسلام در میان شیعیان
۸۶	نقش عقل در اعمال روز عاشورا
۸۷	سال و محل تولد حضرت رقیه و همراهی ایشان با امام حسین <small>علیه السلام</small>
۸۸	اسناد موجود درباره حضرت رقیه <small>علیها السلام</small> در منابع اهل سنت
۸۹	سرگذشت حضرت رقیه <small>علیها السلام</small> در واقعه عاشورا
۹۱	ثواب زیارت حضرت رقیه <small>علیها السلام</small>
۹۲	دسته های عزاداری در سالروز وفات ام البنین
۹۲	مشروعیت دسته های عزاداری در روز وفات ام البنین

بخش پنجم: زیارت نامه ها

۹۷	آداب زیارت عاشورا
۹۸	لعن های زیارت عاشورا در اصل زیارت



منظور از چهار ملعون در زیارت عاشورا.....	۹۸
ابن مرجانه همان عبیدالله بن زیاد.....	۹۹
قوی بودن سند زیارت عاشورا و عدم شک در آن.....	۹۹
صحیح بودن متن و سند زیارت عاشورا.....	۱۰۰
ایجاد شبهه در زیارت عاشورا توسط برخی طلبه‌ها.....	۱۰۰
آثار و ثواب صد بار لعن و سلام زیارت عاشورا.....	۱۰۲
استحباب زیارت عاشورا در غیر عاشورا.....	۱۰۲
زیارت عاشورا از احادیث قدسیه.....	۱۰۳
تفسیر جمله «یا وارث آدم صفوة الله».....	۱۰۳
تفاوت موجود میان دو واژه «اجسام» و «اجساد».....	۱۰۴
ضَمَنَّ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيهَا دَمَكَ وَ تَارَكَ.....	۱۰۴
ذکر سندی معتبر برای زیارت ناحیه.....	۱۰۵
زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> از جمله عوامل آمرزش گناه.....	۱۰۶
برترین زیارت‌نامه برای امام حسین <small>علیه السلام</small>	۱۰۷
برتری زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> بر زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small>	۱۰۷

بخش ششم: احکام عزاداری

ضابطه شرعی برپایی عزاداری.....	۱۱۱
توفیقی بودن عزاداری حسینی.....	۱۱۱
ریشه عزاداری بر امام حسین <small>علیه السلام</small> در روایات معصومین <small>علیهم السلام</small>	۱۱۲
تطبیق آیه‌ای از قرآن با شعائر مبارک حسینی.....	۱۱۳
شعائر الهی از عناوین توفیقیه.....	۱۱۳

- شرایط گریه بر امام حسین علیه السلام برای بخشش گناهان ۱۱۴
- جزع و بی تابگی در مسائل اهل بیت علیهم السلام ۱۱۴
- جائز نبودن خواندن روضه و هن آمیز ۱۱۵
- بر سر و صورت زدن در مجالس عزا ۱۱۵
- غلتیدن در گل برای عزاداری ۱۱۶
- مالیدن گل بر لباس یا پیشانی افرادی که راضی نباشند ۱۱۶
- سخنرانی و سوگواری از افضل عبادات ۱۱۶
- شنیدن روضه ها از طریق سایت های اینترنتی ۱۱۷
- تمسخر سخنرانان منبر حسینی ۱۱۸
- طرح مباحث سیاسی در عزاداری ها ۱۱۸
- بردن کودکان به عزاداری و مجالس فاتحه ۱۱۹
- پرداخت مبلغ گزاف به مداح ۱۱۹
- ثواب اطعام در مجالس عزاداری ائمه علیهم السلام ۱۲۰
- پخت غذای حسینه در جای دیگر و صرف آن در حسینه ۱۲۰
- معاوضه اموال حسینه ۱۲۰
- دادن مخارجی که به نام حسینه گرفته شده به فقرا ۱۲۱
- اذن خدمه و دست اندرکاران حسینه از متولی حسینه ۱۲۱
- تحویل پول جمع آوری شده توسط خدمه به دفتر حسینه ۱۲۱
- خرج داده شده توسط بانگی به حسینه و چگونگی مصرف آن ۱۲۲
- استفاده از وسایل خریداری شده از پول عزاداران هیأت ۱۲۲
- شیوه مداحی برای اهل بیت علیهم السلام ۱۲۳
- بدعت دانستن شعائر حسینی توسط اشخاص منحرف ۱۲۳



۱۲۴	تعزیه از بهترین عبادات.....
۱۲۴	مسأله تشکّل مرد به زن در تعزیه خوانی
۱۲۴	اهمیت نماز در ظهر عاشورا.....
۱۲۵	ارتباط روز عاشورا و توبه
۱۲۶	مسأله فروش پارچه های علم.....
۱۲۶	جزء شعائر محسوب شدن همه نوع عزاداری
۱۲۶	دلیل تعطیلی بازارها و مغازه ها در ایام شهادت معصومین <small>علیهم السلام</small>
۱۲۷	سدّ معبر دستجات عزاداری حسینی <small>علیهم السلام</small>
۱۲۷	مزد گرفتن بابت مداحی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۲۷	سیاه پوشیدن در عزاداری ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۲۸	جائز بودن پوشیدن لباس سیاه.....
۱۲۸	شمایل معصومین به عنوان تبرک در عزاداری ها
۱۲۹	بر پا داشتن مجلس سوگواری با پول خمس نداده
۱۲۹	وجوب حلال بودن مال در برپایی عزا.....
۱۲۹	گرفتن غذای اضافی
۱۳۰	صدای بلندگوی مساجد.....
۱۳۰	عرفی و عقلایی بودن احترام به اماکن مقدّسه
۱۳۱	مرثیه خواندن خانم ها در مجالس زنانه
۱۳۱	شرکت خانم ها در ایام عادت در عزاداری
۱۳۲	چگونگی شرکت زنان در عزاداری سیدالشهداء
۱۳۲	صدای زنان مداح و سخنران
۱۳۲	چگونگی صرف نذورات در غیر موارد تعیین شده.....

- ۱۳۳ اضافه نذورات و هدایای مجلس صرف و جوه نیک
- ۱۳۳ دادن گوشت نذر و قربانی تا حد امکان به مسجد
- ۱۳۴ مصرف پول‌های نذری با توجه به قصد نذرکننده
- ۱۳۴ حاضر نشدن در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام
- ۱۳۴ تربت سیدالشهداء
- ۱۳۶ روایات مختلف زیارت امام حسین علیه السلام در صورت وجود خطر
- ۱۳۶ زیارت امام حسین علیه السلام در صورت خطر عرضی
- ۱۳۶ عقد ازدواج در شب‌های شهادت ائمه علیهم السلام
- ۱۳۷ برگزاری عروسی شیعه محبّ اهل بیت: در ایام شهادت ائمه علیهم السلام
- ۱۳۷ عطر زدن در ماه محرم
- ۱۳۸ روضه خوانی و مداحی با غنا و موسیقی
- ۱۳۸ طبل زدن در عزای سیدالشهداء
- ۱۳۸ ذکر اخلاقیات و فضائل اهل بیت علیهم السلام توسط مداحان
- ۱۳۹ خلاف بودن استفاده از آلات موسیقی
- ۱۳۹ خواندن مداحی با غنا
- ۱۳۹ روایات وارده بر استفاده از طبل و امثال آن در عزاداری
- ۱۴۰ آیات وارد شده دالّ بر حرمت غنا
- ۱۴۰ جایز نبودن آواز همراه با غنا و موسیقی
- ۱۴۰ شرافت شغل مداحی
- ۱۴۱ ریشخند و تمسخر شعائر حسینی
- ۱۴۱ لطمه به بدن بدون ضرر جانی در تعزیه اهل بیت علیهم السلام
- ۱۴۲ روش‌های نوپدید عزاداری بر معصومین علیهم السلام



۱۴۲	توصیه به سینه زنی در مراسم عزاداری ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۴۳	سینه زنی و زنجیرزنی منجر به کبودی
۱۴۳	ریا در سینه زدن مانند ریا در نماز
۱۴۳	حکم برهنه شدن در عزاداری ها
۱۴۴	توأم با مفسده شدن برهنه شدن
۱۴۴	بقاء دین بر پایه بقاء شعائر مذهبی
۱۴۵	تأثیر شعارهای حسینی بر مردم
۱۴۵	حکم علم های مراسم عزاداری امام حسین <small>علیه السلام</small>

بخش هفتم: نصایح و ارشادات

۱۴۹	تکالیف محوله به جوانان در راستای شعائر حسینی
۱۵۲	مخالفت بابخشنامه ای شدن عزاداری امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۵۴	مخالفت با نمایش چهره حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۱۶۳	آشنایی با آثار حضرت آیت الله العظمی روحانی (دام ظلّه)
۱۶۷	معرفی سایت های دفتر

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

صدای یا حسین در هر عصر و زمان و موجب ترس و نگرانی قدرت‌های استعماری و دشمنان کور دل اسلام می‌گردد، به طوری که با انواع حيله‌ها و توطئه‌ها به مقابله برخاسته، سعی در ایجاد مانع برای برگزاری عزاداری حسینی در بعضی از کشورها دارند و در مواردی احساسات پاک و مقدس مذهبی مردم را - که حاکی از عشق و محبت خالصانه آنان به اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه به حضرت سید الشهداء علیه‌السلام است - به عنوان عمل ضد دینی یا کارهای خرافی و عوامانه مطرح می‌کنند، غافل از اینکه دست خدا با حسینیان است و جز شکست و زبونی و رسوایی چیزی نصیب دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌شود.

در این میان عده‌ای از افراد ناآگاه، نسبت به اصل مراسم و شیوه‌های عزاداری برای آن حضرت، ایجاد شبهه می‌کنند که مؤمنین برای در هم شکستن توطئه‌های دشمنان، به فقهاء عظام و مراجع تقلید در هر عصر مراجعه نموده و رأی و فتوای آنان را در ارتباط با این مسائل جویا

می شوند تا ضمن خنثی کردن نیرنگ و توطئه شیاطین و ظایف خود را مطابق با رضای الهی انجام دهند.

مجموعه حاضر - کتاب دوم از مجموعه پرسش و پاسخ های اعتقادی - مجموعه ای معتنم است که در آن حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی) به پرسش های متداول و تخصصی قشر جوان و فرهیخته، پاسخ های مختصر و محققانه ای داده اند.

این مجموعه گلچینی از صدها استفتاء موجود در سایت های فارسی و عربی می باشد که توسط دفتر معظم له به فارسی ترجمه شده است و برای مطالعه تمامی آنها می توانید به سایت WWW.Istefta.net مراجعه نمایید.

دفتر استفتائات

حضرت آیت الله العظمی روحانی (دام ظلّه العالی)



بخش اول:

دلایل قیام

کشته شدن امام حسین علیه السلام برای حفظ اسلام

س ۱: آیا این حرف صحیح است که: وقتی می‌گوییم امام حسین علیه السلام برای حفظ اسلام کشته شده؛ به دین خدا اهانت کرده‌ایم و یا در حقیقت پذیرفته‌ایم نابودی و بقاء اسلام منوط به بود و نبود یک انسان است؟

ج: باسماط است

دنیا دار تکلیف و اختیار است، یعنی امام برای حفظ اسلام کشته شد. چون بر حسب موازین دنیوی وضع اسلام به جایی رسیده بود که به جز اسم، چیزی از آن باقی نمانده بود و وسیله‌ای جز قیام و کشته شدن امام علیه السلام برای رساندن حقایق به مردم نبود، امام دست به این کار زدند و پس از کشته شدن ایشان، قیام‌ها شروع شد و مردم به اسلام هدایت شدند.

علم امام به زمان شهادتش

س ۲: قیام سیدالشهداء با توجه به علم ایشان به شهادت، چگونه موضوع

برای القاء نفس بر تهلکه منهیه نمی باشد؟ و همچنین عزم رفتن حضرت علی علیه السلام به مسجد با علم به شهادت چگونه باید ^(۱) عنوان شود؟

ج: با مسجبت اسماء

قیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام با علم به شهادت، امری لازم بود چون در حالی که دین در حال فروپاشی بود سبب بقای دین شد. به عبارت دیگر حسین بن علی علیه السلام خود را فدای دین کرد. کاری که نظیر آن را انبیاء و ائمه علیهم السلام - البته با مرتبه نازل - موظف به انجامش بودند. اگر این شرایط برای خود حضرت امیر علیه السلام هم بود، چنین می کرد. و اما به مسجد رفتن حضرت امیر علیه السلام، بدین جهت بود که او موظف بود در عمل، به طریق عادی و نه از راه علم غیب عمل کند. که بیان آن شرح دیگر دارد.

پند و اندرز امام حسین علیه السلام به دشمنان

س ۳: با وجود آنکه فرعون قصد جان موسی علیه السلام را نموده بود خداوند متعال به او دستور داد تا فرعون را بیم دهد و فرمود: «أذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا» ^(۲)، هم چنین با وجودی که بزرگان قریش می خواستند رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به قتل برسانند خداوند متعال پیامبر

۱. افعال معصومین علیهم السلام همانند قرآن محکم و متشابه دارد. بعضی امور که برای ما قابل حل نیست، از قبیل اقدام به رفتن مسجد با علم به شهادت، ممکن است از تشابهات باشد و در صورت پی نبردن از راه محکمت، باید علم آن را به خودشان واگذار کرد.
۲. «به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته است، پس با او به نرمی سخن بگویید»؛ طه / ۴۳ و ۴۴.

گرامی‌اش را امر می‌نماید که «اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^(۱)، پس چه دلیلی دارد که امام حسین علیه السلام به دلیل اینکه یزید و اتباعش قصد جان وی را کرده بودند روش پیامبران الهی علیهم السلام را پیشه خود ننمود؟ یعنی مانند حضرت موسی با قول لَئِن و سخن نرم عمل نکرد؟ و آیا جهاد نوعی خشونت شمرده می‌شود؟

ج: باسمِ حطبتِ اسماة

اگر شخصی تاریخ واقعه کربلا را مطالعه کرده باشد خواهد دید که امام حسین علیه السلام و یاران گرامی‌شان نهایت سعی خود را در پند و اندرز دشمنان و بازداشتن آنها از جنگ، به عمل آوردند ولی متأسفانه این کوشش‌ها بی‌نتیجه ماند. با تمام اینها حضرت علیه السلام به یاران خود اجازه آغاز نمودن پیکار را ندادند بلکه منتظر ماندند تا دشمنان جنگ را شروع نمایند، بنابراین جهاد آن حضرت همانند جهاد جدّ گرامی‌اش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکان، یهودیان و دیگران جهاد دفاعی محسوب می‌شود.

امام حسین علیه السلام خواستار ماندگاری دین اسلام

س ۴: آیا همانگونه که برخی افراد اظهار می‌کنند حضرت امام حسین علیه السلام خواستار حکومت و قدرت بودند؟

ج: باسمِ حطبتِ اسماة

امام حسین علیه السلام جز ماندگاری دین اسلام که در حال فروپاشی بود خواستار چیز دیگری نبودند، بنابر این چگونه می‌توان تصور

۱. «بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن...»؛ مؤمنون/ ۹۶؛ فصلت/ ۳۴.

نمود که حضرت علیه السلام با وجود اینکه به شهادت خود آگاه بودند، خواستار حکومت و قدرت باشند؟ ایشان هنگام خروج از مکه در همین زمینه فرمودند: «زمانی را می بینم که اندام های من در میانه راه کربلا و نوایس توسط گرگ ها پاره پاره خواهد شد»^(۱)؛ امام علیه السلام به برادر گرامی اش محمد بن حنفیه در وصیت خود می فرماید: «هر کس به من بیوندد شهید می شود و آنکه مرا رها کند پیروزی را نخواهد دید»^(۲).

صلح امام حسن علیه السلام به دلیل امکان پذیر نبودن جنگ و جهاد

س ۵: در عصمت امامان اهل بیت علیهم السلام و از آن جمله امام حسن مجتبی علیه السلام هیچ شکی نیست، هم چنین در اینکه صلح و آتش بس و پیمان نامه ایشان با معاویه به مصلحت امت اسلامی بوده و باعث آشکار شدن ماهیت او برای همگان شده است نیز تردیدی نیست؛ ولی این نکته برای ما قابل درک نیست که: از آنجا که اگر یکی از طرف های پیمان نامه شرایط آن را نقض نماید، طرف دیگر حق باطل کردن معاهده را دارد و معاویه نیز از همان ابتدا شرایط پیمان نامه را زیر پا گذاشت پس به چه دلیلی حضرت امام حسن علیه السلام با او نجنگید و یا اقدامی علیه او انجام نداد؟

۱. قال علیه السلام: «کأنتی بأوصالی تقطعها عسلان الفلوات بین النوایس و کربلاء» لهوف: ۳۸.

کشف الغمّه: ۷۳: ۱. بحار الانوار: ۴۴: ۳۶۶ و ۳۶۷. عوالم العالم: ۲۱۶: ۱۷ و ۲۱۷.

الحدائق الوردیه: ۱: ۱۱۷.

۲. «مَنْ لِحَقِّ بِي اسْتَشْهَدَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنِّي لَمْ يَدْرِكِ الْفَتْحَ» کامل الزیارات: ۱۵۷. دلایل

الامامة: ۷۷. مناقب آل ابی طالب: ۴: ۷۶. اللهوف: ۴ و ۴۱. بحار الانوار: ۴۲: ۸۱ و ۴۴:

۳۳۰ و ۴۵: ۸۵.

واکنش حضرت علیه السلام در مقابل این پیمان شکنی چه بوده است؟ موضع گیری حضرت امام حسین علیه السلام در آن زمان چه بوده است؟ چرا که بعضی از اشخاص این مطلب را ترویج می نمایند که حضرت امام حسین علیه السلام در این مورد مخالف برادر گرامی شان امام حسن علیه السلام بودند؟ آیا امام حسین علیه السلام میان امضا کنندگان این پیمان نامه بودند؟ چرا امام حسین علیه السلام نیز تا ده سال پس از شهادت حضرت امام حسن علیه السلام یعنی تا زمان مرگ معاویه در حالی که شرایط عهدنامه از سوی معاویه نقض می شد هم چنان به پیمان نامه پای بند بودند و به جنگ علیه او اقدام نکردند؟

ج: باسماط اسماء

صلح امام حسن علیه السلام به دلیل امکان پذیر نبودن جنگ و جهاد، همراهی نکردن مردم و مایل نبودن آنان به پیکار بوده است که این مطلب را سندهای تاریخی تأیید می نماید. امام حسین علیه السلام نیز با برادر گرامی شان موافق و همراه بودند و به همان دلایل یاد شده - و نه پیمان نامه - در ده سال پس از شهادت برادر گرامی اش امام حسن علیه السلام اقدامی ننمودند، ولی بعد از به خلافت رسیدن یزید و از بین رفتن این دلایل بازدارنده و فراهم آمدن شرایط قیام فوراً اقدام به قیام نمودند.

عدم شمول آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»

س: خداوند متعال می فرماید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^(۱)،

۱. «و خود را بادست خود به هلاکت نیفکنید»؛ بقره/۱۹۵.



هر کس که این آیه شریفه و سیره حضرت امام حسین علیه السلام را قرائت کند به نظرش خواهد رسید که اقدام و روش حضرت امام حسین علیه السلام از نمونه‌های به هلاکت افکندن خود می‌باشد زیرا ایشان به اختیار خود به سوی کشته شدن شتافت، پاسخ شما به این موضوع چیست؟

ج: باسم حلت اسماء

مسأله حرمت هلاک کردن جان خود اگر به طور حتم جزء احکام ضروری شریعت نباشد احتمال آن زیاد است، و منظور از به هلاکت افکندن، از بین بردن جان در غیر مواردی است که خداوند متعال به آنها امر فرموده است، بنابراین آیه مذکور امام حسین علیه السلام را شامل نمی‌شود زیرا عمل ایشان جهاد در راه دین خدا و دفاع در برابر شکسته شدن حرمت خویش بوده است.



بخش دوم:

قیام و اثرات قیام

اهداف قیام امام حسین علیه السلام

س ۷: بهترین اهداف قیام امام حسین علیه السلام چه بود؟ بیان فرمایید.

ج: باسماحت اسما

نویسندگان اسلامی، عمده ترین اهداف قیام امام حسین علیه السلام را در چند هدف مشخص تصویر کرده و بیان داشته اند که اینک به اختصار به هر یک از آنها اشاره می شود:

۱. نهضت امام حسین علیه السلام در راستای ایفای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بوده و اصلاح امت اسلامی از بزرگترین اهداف آن حضرت بوده است.

یکی از نویسندگان این نظریه را اظهار کرده است. او می نویسد: یک «مهاجم» نمی خواهد فقط خودش را حفظ کند، می خواهد طرف مقابل را از بین ببرد و لو به قیمت شهادتش باشد. منطق امر به معروف و نهی از منکر، منطق حسین علیه السلام را، منطق شهید کرد. منطق شهید، منطق کسی است که برای جامعه خود، پیام

دارد و این پیام را جز با خون با چیز دیگری نمی خواهد بنویسد». ۲. عده‌ای آن را حرکتی ضد استبدادی علیه رژیم یزیدی برای استقرار حکومت اسلامی، دانسته‌اند. آیت الله میرزای نائینی در رساله «تنبيه الامة و تنزیه الملة» چنین نظریه‌ای را ارائه می دهد. او می گوید:

«خضوع نفس قدسیه حضرتش (امام حسین علیه السلام) از آن (استبداد) ابا فرموده، از برای حفظ حریت خود و توحید پروردگارش، تمام هستی و دارائی را فدا [کرده] و این سنت کریمانه (آزادی) را برای احرار امت استوار و از شوائب عصیبت مذمومه تنزیهش فرمود».^(۱)

۳. بعضی هم هدف عمده نهضت امام حسین علیه السلام را «عدالت خواهی» دانسته‌اند، چنانچه درباره نهضت عاشورا چنین می نویسد: «نه فقط علی علیه السلام شهید راه عدالت و فریادرسای دادگری است، بلکه حسین علیه السلام نیز شهید راه عدالت است. به گفته خود امام حسین علیه السلام: «نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی آید؟ در چنین شرایطی مؤمن باید مشتاق لقای پروردگار باشد.»

مجموع این اهداف و انگیزه‌ها می تواند نهضت عظیم امام حسین علیه السلام را توجیه کند و برای هدایت امت، چراغ راه و الگوی زندگی گرداند.

۱. تنبيه الامة و تنزیه الملة، ص ۲۴، چاپ شرکت انتشار تهران، ۱۳۷۴ ه.ق.



امام حسین علیه السلام یکی از رادمردان و آزادی خواهان دنیا

س ۸: عده‌ای این گونه می‌اندیشند که حادثه کربلا در مقطعی از زمان اتفاق افتاده و امروزه چه نیازی به احیای آن است. نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

ج: باسماحلت اسماء

این که در روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام آمده که: «شیعیان ما عمل ما را احیاء می‌کنند؛ رحم الله من احیا امرنا»، تنها مربوط به آموزش‌های اهل بیت علیهم السلام نیست، بلکه سیره امامان در زندگی، برای مسلمانان و جامعه همه انسانها اسوه و الگو می‌باشد.

قطعاً امام حسین علیه السلام یکی از رادمردان و آزادی خواهان دنیا است. مهاجمان گاندی در نهضت استقلال طلبی خود در هند، از نهضت کربلای حسین علیه السلام الهام گرفته است، چنانچه مارتین لوترکینگ رهبر سیاه پوستان آمریکا از نهضت گاندی الهام گرفته است.

اخذ و اقتباس از روش‌ها، سیره‌ها، الگوها، ویژه جامعه و اشخاص معین نیست و تنها اختصاص به جهان اسلام ندارد. شواهد تاریخی این مسأله را ثابت می‌کند. چه این مبارزه و نهضت، مبارزه منفی باشد یا مثبت، سیاسی باشد یا اقتصادی؛ پس نهضت و قیام امام حسین علیه السلام به عنوان مرد آزادی خواه، نه تنها در گذشته بلکه در هر عصر و زمان زنده بوده و برای آزادی خواهان پیام دارد. به قول آن نویسنده، قیام مسیح پیام

ندارد اما نهضت و قیام حسین علیه السلام دارای پیام است. قطعاً این پیام نه در انحصار یک قوم و نه مخصوص یک زمان معین، بلکه پیامی فرا زمانی و فرا مکانی است.

آثار و ثمرات یک انقلاب در طولانی مدت

س ۹: آیا امام توانست به اهداف خود جامعه عمل پیوشاند؟!

ج: **بسم حطبت اسماء**

چنانچه یکی از نویسندگان اشاره دارد، بذر افشانی یک نهضت و فراهم سازی زمینه های تحول اجتماعی می تواند در کوتاه مدت و بلند مدت مطرح باشد. طبیعی است که یک انقلاب در طولانی مدت آثار و ثمرات خود را پس می دهد و افراد جامعه و یک ملت را بیدار می کند. این حقیقت در نهضت امام علیه السلام نیز صادق است.

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام نخستین آثار نهضت حسینی آشکار شد. و توابین در سال ۶۴ هجری بر ضد سلطنت اموی قیام کردند و بنیان نظام فرزندان ابوسفیان را به لرزه در آوردند. در حقیقت خون سید الشهداء علیه السلام خون بهایی برای هر نهضت آزادی خواهانه بود.

در سال ۱۲۱ زید قیام کرد و در سال ۱۲۵ یحیی فرزندان او بر علیه بنی امیه شورش نمود.

در نهضت زید، علویان، ایرانیان و عراقیان شرکت داشتند و مبارزه با ستم و برافراشتن پرچم عدل را خواستار بودند، این

نهضت‌ها زمینه را برای قیام کلی ایرانیان و ابومسلم خراسانی فراهم ساخت که سرانجام دولت اموی ساقط گردید.^(۱)

عدم صلح امام حسین علیه السلام با یزید

س ۱۰: چرا امام حسین علیه السلام همانند برادرش، با یزید از در صلح برنیامد؟

ج: با مسخ طاعت اسماء

رابطه این دو امام با دودمان بنی امیه رابطه خصمانه بود و چنانچه امام حسن علیه السلام در مدائن با معاویه پیکار کرد. اما بعد از امضای قرارداد آتش بس و صلح نامه، به جهت رعایت عقد صلح نامه، ایشان با معاویه از در پیکار برنیامدند، پس از آن که امام حسن علیه السلام به شهادت رسید، امام حسین علیه السلام به جهت رعایت احترام امام حسن علیه السلام و امضای صلح، هرگز به معاویه تعرضی نداشت. تنها در چند مورد مانند قتل حُجر بن عدی و یاراناش نامه تند و اعتراض آمیزی به او نوشت.

ولی بعد از آن که معاویه پسرش یزید را به عنوان ولایت عهدی بر مسلمین تحمیل کرد، امام حسین علیه السلام نیز همانند بعضی دیگر زیر بار آن نرفت تا آن که معاویه از دنیا رفت. یزید خام و ناپخته از سر بی شعوری با نامه‌ای تهدیدآمیز به حاکم مدینه (ولید بن عتبة بن ابی سفیان)، امام حسین علیه السلام را به اخذ بیعت و دستگیری دستور داد، امام حسین علیه السلام از بیعت امتناع کرده و از

۱. برای توضیح بیشتر به کتاب «شیعه علوی در دو قرن دوم و سوم» نوشته فضلیه الشامی ترجمه چاپ دانشگاه شیراز، مراجعه شود.



مدینه خارج شد. در این هنگام نامه‌های کوفیان به سوی او روانه گردید که از او برای تشکیل حکومت اسلامی دعوت کرده بودند. امام علیه السلام، پسر عموی خود مسلم بن عقیل را برای بررسی اوضاع کوفه به سوی آن شهر گسیل داشت. مسلم ضمن تأیید دعوت کوفیان، تأکید کرد که حضرت تش به عراق بیاید و در کوفه حکومت تشکیل دهد و از این جهت امام علیه السلام در نهم ذی الحجة سال ۶۰ از مکه خارج شد و رهسپار عراق گردید. ولی متأسفانه اوضاع کوفه به جهت فرماندار جدید عبیدالله بن زیاد و اعزام نیرو، تغییر یافت. حضرت مسلم به شهادت رسید.

امام حسین علیه السلام پس از اطلاع از شهادت مسلم، همانند قبل از آن مصمم بود که به راه خود ادامه دهد و وظیفه امر به معروف و مبارزه با خاندان غاصب استبدادی را ادامه دهد. برخورد با نیروهای حرّ بن یزید ریاحی، تلاشی تازه بود و امام می‌خواست با هماهنگی او، وارد کوفه شود و کار را یکسره نماید.

او دعوت خود را علنی ساخته بود و فضایح بنی امیه را افشا می‌کرد و در ضمن اصحاب خود را برای برخورد با نیروی بنی امیه آماده می‌ساخت. وقتی که حر از طرف ابن زیاد برای نزول به کوفه و تسلیم به حاکم آن، او را فراخواند، امام حسین علیه السلام از موضع شجاعت و کرامت خاندان هاشمی، سخت از این دعوت امتناع کرد. راه شهادت را که در جنگ‌های اسلامی یکی از دو پیروزی حساب می‌شد (احدَى الحُسَیْنِیْن) انتخاب فرمود و به شهادت رسید.

می توان گفت ابن زیاد و دار و دسته بنی امیه مهم ترین عامل در موضوع قضیه «طَفّ» و داستان کربلا بودند و امام حسین علیه السلام و یارانش را به شهادت رساندند.^(۱)

تقسیم جهان اسلام به دو بخش جغرافیایی - عقیدتی

س ۱۱: چرا مسلمانان نتوانسته اند با عبرت گرفتن از قیام امام حسین علیه السلام وضعیت نابهنجار خود را سامان بخشند؟!

ج: با مسخ طاعت اسماء

اکثریت اهل سنت از یک طرف به جهت برخوردار نبودن از اعتقاد به امامت اهل بیت علیهم السلام و نبود سنت عاشورایی در میان آنها، و از طرف دیگر اعتماد به حاکمان و توجیه سیاسی کار ایشان - که اگر حاکم اسلامی عادل شد باید شکرگزار و اگر ظالم شد، باید صبر پیشه کرد و تحمل نمود - که یک فلسفه سیاسی غلطی است و از دوران قدیم در میان اهل سنت حاکم بوده و همواره نظم را، بر تحقق عدالت تقدم داشته اند، در نهضت های اسلام سنی مانند اخوان المسلمین، و جماعت مسلمین، چندان موفقیتی به دست نیاورده و نهضتشان به شکست انجامیده است.

اما اهل تشیع در چند مورد در کشورهای شیعه نشین با الهام گیری از نهضت امام حسین علیه السلام توانسته اند استقلال طلبی و نهضت اجتماعی بپا دارند و هویت سیاسی خود را اعلام

۱. با تلخیص از کتاب «تنزیه الانبیاء»، چاپ نجف اشرف، ص ۱۷۶.

نمایند. نهضت استقلال طلبی مسلمانان عراق به رهبری علمای شیعه و مراجع تقلید در انقلاب ۱۹۲۰ که به استقلال عراق از استعمار انگلیس انجامید، نمونه‌ای از این باب است. اما متأسفانه با این که ابتدا شیعیان استقلال عراق را به دست آوردند، ولی بعداً عقب نشینی کرده و موضوع حکومت به دست اقلیت اهل سنت در عراق افتاد که در مدت زیادی حاکمان بعثی ناسیونالیست با استبداد کامل آن را اداره کردند.

ایرانیان مسلمان نیز گرچه در برهه‌ای از زمان با الهام‌گیری از نهضت حسینی در نهضت مشروطیت، توانستند حکومت تشکیل دهند، ولی متأسفانه انحراف نهضت مشروطیت از اهداف اسلامی خود به وسیله لائیک‌ها و روشنفکران وابسته، آنها و به‌ویژه عالمان دینی را منفعل ساخت و سرانجام به انزوا کشاند. چنانچه آیت الله نائینی تئوریسین جناح اسلامی نهضت مشروطه، کتاب خود (تنبیه الامه و تنزیه الملة) را جمع کرد و از نهضت دور نشست.

تحقق تحولات اجتماعی

س ۱۲: چگونه می‌توان از عاشورا، در راستای توحید امت اسلامی و اقامه حکومتی به دور از خشونت و همراه با عفو و گذشت استفاده کرد؟

ج: **ب‌اسم طلبت اسما**

تحولات اجتماعی به دو گونه و صورت تحقق می‌یابد: ۱. رفرم و اصلاح، ۲. انقلاب و جهش.

در تحول اصلاحی، جامعه آرام آرام به اهداف اصلاحی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... خود دست می‌یابد و هرگز دست به خونریزی نمی‌زند. چنانچه این تحول در آغاز نهضت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه و هجرت او به مدینه رخ داده و پیامبر عرصه‌های فرهنگی و سیاسی را بدون خونریزی فتح کرده است که مسیح نیز همین طور است. اما انقلاب اجتماعی، همواره همراه با خشونت و خونریزی صورت می‌گیرد. زیرا تضاد میان نیروهای ارتجاعی و نیروهای اصلاح‌گر و انقلابی شدید می‌باشد و در نتیجه به خونریزی و مقاومت منتهی می‌شود. امثال آن در انقلاب بازگشت به اهداف اسلامی دوره عثمان، انقلاب فرانسه و الجزایر در دنیا مشاهده می‌شود. به نظر من این موضوع بستگی به شرایط جامعه مسلمین دارد که در چه مرحله‌ای از تمدن و شرایط اجتماعی به سر می‌برند، اگر آگاهانه باشد، قطعاً خون بر شمشیر پیروز است، چنانچه در ایران اتفاق افتاد و یا برخورد و خشونت ظهور می‌یابد، چنانچه در مورد انقلاب فرانسه (۱۷ اکتبر) و الجزایر دیده می‌شود.

تلازم ابلاغ پیام یک نهضت، با تجمع، شعار و ابراز احساسات

س ۱۳: گفته می‌شود که برای احیای اندیشه سید الشهداء و در نتیجه اجرای احکام الهی احتیاجی به اقامه شعائر حسینی (از قبیل سینه زنی، زنجیر زنی) که امروزه به شکل گسترده در میان شیعه و فرقه‌های مذهبی دیگر از قبیل هندوها نیز مطرح می‌باشد وجود ندارد؛ این مسأله، امری مطابق با قوانین

شرعی و عرفی نبوده، بلکه وسیله‌ای برای تمسخر دیگران است و لذا از توانایی‌های خود جهت جلوگیری از اقامه آن، بیشترین استفاده را می‌کنند، این سیاست استعماری را چگونه تفسیر می‌کنید؟

ج: باسماحلت اسمانه

ابلاغ پیام یک نهضت و انتقال آن به نسل‌ها و ملت‌ها، قطعاً باید با نوعی تجمع، شعار و ابراز احساسات خاص همراه باشد، چنانچه این مراسم در ابلاغ پیام مسیح از سوی کاتولیک‌ها و احیای آیین‌های خاص در روز جهانی کار، پیام آزادی ابراهام لینکن (فروزاندن مشعل آزادی) با تجمع در زیر مجسمه آزادی، در همه ملت‌ها با آداب و رسوم مختلف دیده می‌شود.

طبیعی است ابلاغ پیام عاشورا به ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواه، باید از راه یادآوری شعارها، کلمات، و خطبه‌های شهدای عاشورا صورت بگیرد و این مسأله تنها از راه اقامه مراسم عزاداری و یاد آوردن امکانپذیر است.

اگر امروزه وسایل ارتباط جمعی گسترده شده، بهتر است از آنها نیز استفاده شود.

اما این که عده‌ای این مراسم را به نحو خاص اقامه می‌کنند، چنانچه در سؤال یادآوری شده است، طبعاً آنها نوعی آداب و رسوم محلی، قومی می‌باشد.

ولی در عین حال، حتی در آن نوع مراسمی که ضرر جانی مهلک برای انسان نداشته باشد، بی‌اشکال است، بلکه ابراز آن همان گونه که جمعی از علمای بزرگ شیعه، همه آنها را از شعائر مذهبی

می‌دانند، بدون شک بسیار مؤثر می‌باشد... و از کارهای بسیار خوب است، حتی بعضی از بزرگان دین آنها را در بعضی موارد واجب دانسته‌اند.

نقش امام حسین علیه السلام در جنبش آزادی بخش و اصلاح طلب

س ۱۴: نقش امام حسین علیه السلام در جنبش‌های آزادی بخش و اصلاح طلب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: باسماط اسماء

چنانچه قبلا اشاره شد، نهضت امام حسین علیه السلام نقش اول را در نهضت‌های آزادی بخش و عدالت خواهانه قرن‌های اول و دوم هجری ایفا کرده و در عصر ما نقش اول را در نهضت آزادی هندوستان و الهام‌گیری مهاتما گاندی و نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی ایران داشته و شواهد تاریخی نیز بر این مطلب دلالت دارند.

ریشه‌های استبداد در فرهنگ و ذهنیت مسلمانان

س ۱۵: گاندی رهبر آزادی خواه هند می‌گوید: «از حسین بن علی علیه السلام آموختم چگونه مظلوم باشم تا پیروز گردم». این کلام نغز را چگونه تحلیل می‌کنید و چرا مسلمانان، این پیام را دریافت نکرده و نتوانسته‌اند خود را از چنگال حکومت‌های استبدادی و دارای حاکمیت فردی نجات دهند؟

ج: باسماط اسماء

به نظر اینجانب مفهوم جمله گاندی تنها در بعد مقاومت در برابر ستمگر خلاصه شده است. اما روش مقاومت را خود گاندی ابداع

کرده است و در نتیجه کشور هند به استقلال رسیده و یکی از نمونه‌های کشورهای دموکراتیک در جهان امروز است. اگر مسلمانان نتوانسته‌اند از پیام آزادی خواهی امام حسین علیه السلام عبرت بگیرند به نظر می‌رسد که هنوز ریشه‌های استبداد در فرهنگ و ذهنیت مسلمانان (خشک) نشده است و هنوز که هنوز است روابط اجتماعی بر مبنای تحمیل و تقلب مبتنی می‌باشد.

مسئله اصلی جوامع مسلمان استبداد است که در قرن‌های اخیر از سوی اصلاح‌گران مسلمان، در مصر و هند، دنبال شده است. مادامی که ریشه این شجره خبیثه (به تعبیر آیت الله نائینی) خشک نشده است، مسلمانان هرگز چهره یک حکومت مطلوب را مشاهده نخواهند کرد.

ولی این هرگز به معنای آن نیست که ملت‌های ما رشد نداشته و نمی‌توانند آزادی و دموکراسی را تمرین نمایند. اگر ملت‌هایی در حیات اجتماعی خود به مرحله‌ای از دموکراسی رسیده‌اند، قطعاً آنها، این آزمایش‌های اجتماعی را، جلوتر از مسلمانان آغاز کرده‌اند و به آن مرحله از رشد اجتماعی نائل شده‌اند. پیمودن این راه برای ما مسلمانان نیز ممکن است.

احیای تعالیم اسلامی در غرب

س ۱۶: چگونه می‌توان از فلسفه قیام امام حسین علیه السلام در جهت احیای تعالیم اسلامی در غرب بهره جست؟

ج: باسماط اسماة

فضای فرهنگی مغرب زمین با کشورهای اسلامی متفاوت است، امروزه کشورهای غربی از آزادی سیاسی، فرهنگی نسبتاً مطلوبی برخوردارند و از دانشگاه‌های علمی وسیع بهره‌مند می‌باشند. آنچه به نظر می‌رسد این که، از چند راه می‌توان این مهم را انجام داد:

۱. برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها؛ همچنان که دانشمندان و مستشرقان با اقامه سمینارها و کنفرانس‌ها در دانشگاه‌ها به ارائه نظریات خود می‌پردازند، دانشمندان مسلمان و مسلمانان اندیشمند نیز می‌توانند از این ابزارها در ارائه ریشه‌های علمی و فلسفه قیام امام حسین علیه السلام استفاده نمایند.

۲. ترجمه آثار؛ از طریق ترجمه آثار نویسندگان مسلمان در این زمینه نیز می‌توان به این مهم دست یافت، چنانچه حامد الگار نویسنده مسلمان که اخیراً نیز به کرامت تشیع نائل شده است، همین کار را انجام می‌دهد.

۳. ایجاد رادیو و تلویزیون، از این طریق می‌توان پیام اسلام و نهضت امام حسین علیه السلام را به نسل‌های بعدی ابلاغ کرد.

۴. راه‌اندازی نشریات و مجلات تبلیغی؛ همانگونه که مسیحیان و دیگر ادیان استفاده می‌کنند.

۵. تهیه فیلم و نمایشنامه؛ با ساخت فیلم و نمایشنامه از نهضت کربلا می‌توان پیام شهدا و عاشورا را تبلیغ نمود.

شهادت امام حسین علیه السلام توسط شیعیان عراق؟

س ۱۷: برخی عقیده دارند که شیعیان عراق حضرت امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند و از این بابت است که بعد از نفرین حضرت علیه السلام بر ایشان، تاکنون گرفتار این نفرین بوده و همیشه در حال هلاکت و کشته شدن هستند به گونه ای که اتفاقات این روزهای عراق بهترین دلیل بر آن می باشد. نظر حضرت عالی در این مورد چه می باشد؟

ج: باسم حلت اسماء

اگر به فرض محال معتقد باشیم که شیعیان، خود، امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند، گناه شیعیان امروز چیست تا به نفرین حضرت امام حسین علیه السلام گرفتار بیایند؟! اگر این گونه باشد که اینان ادعا می کنند، عدالت الهی زیر سؤال می رود.

علاوه بر این بر اساس یافته های تاریخی - آنگونه که یعقوبی در کتاب تاریخ خود ذکر می کند - کوفه در زمان قیام امام حسین علیه السلام یک منطقه شیعه نشین نبوده است بلکه گروه های مختلفی از مردم؛ همانند مسلمانان، خوارج، امویان، مسیحیان و یهودیان در این شهر زندگی می کرده اند و همین ها بودند که در به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام دست داشتند.

آنچه این مطلب را تأیید می کند خطاب حضرت امام حسین علیه السلام به آنان در روز عاشورا می باشد که فرمود: «ای شیعیان خاندان

ابوسفیان وای بر شما باد».^(۱) و نیز جواب آنان هنگامی که خطاب به آنها فرمود: «با من به کدامین گناه پیکار می‌کنید»^(۲) و پاسخ دادند: «به خاطر کینه‌ای که از پدرت داریم با تو پیکار می‌کنیم».

قربانی کردن فرزند برای زیارت امام حسین علیه السلام

س ۱۸: آیا این درست است که در زمان زندگی یکی از امامان ما، زیارت کربلا توسط خلیفه عباسی زمان ممنوع شده بود؟ و مردم مجبور بودند فرزندان‌شان را به خاطر زیارت کربلا قربانی کنند؟ اگر صحیح است، آیا ممکن است مرجع معتبری که در این مورد گفته باشد، معرفی نماید؟ و هم‌چنین نظر و عکس‌العمل امام در آن زمان در مورد این قربانی‌ها چه بوده است؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

قربانی کردن فرزند برای زیارت امام حسین علیه السلام در هیچ جا نیست و هیچ مرجعی اجازه نداده است. بلی، روایات متعددی دلالت دارد بر این‌که در راه زیارت امام هرگونه ضرر بدنی متوجه بشود، نباید ترک شود؛ دلیل‌اش نیز واضح است و آن این‌که بقای اسلام به قیام امام حسین علیه السلام بود و دوام آن به شعائر حسینی است.

۱. «وَيَحْكُمُ بِأُشْبَعِ آلِ أَبِي سَفْيَانَ»

۲. «بِأَيِّ ذَنْبٍ تَقَاتِلُونِي»



بخش سوم:

حوادث عاشورا

فتوا به قتل امام حسین علیه السلام

س ۱۹: این که مشهور است شریح قاضی ^(۱) فتوا به قتل امام حسین علیه السلام داد آیا سند مشهور دارد؟

۱. شریح بن حارث بن قیس بن جهم بن معاویه، یا حراث بن منتجع کندی، قاضی معروف کوفه بود که او را برای مهارت در امر قضاوت مَثَل زُند. وی در اصل، یمنی بود و عمر بن خطاب او را به قضای کوفه گماشت و مدت شصت سال به شغل قضاوت اشتغال داشت جز در ایام عبدالله زبیر که سه سال این کار را ترک کرد. در ایام حجاج از این شغل استعفا کرد و دیگر خانه نشین بود تا مرد. وی صد، یا صد و هشت و یا صد و بیست سال عمر کرد و در سال ۹۷ یا ۹۸ ق. در کوفه درگذشت.

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز او را در ایام خلافت خود، در قضاوت بر جای گذاشت و یک بار بر او خشم گرفت و او را از کوفه اخراج و به «بانقیا» که ساکنانش همه یهودی بودند، تبعید کرد و دوباره باز گرداند. از امام صادق علیه السلام روایت است که چون حضرت علی علیه السلام شریح را به قضاوت گماشت، با وی شرط کرد که هیچ قضاوتی نکند جز این که به عرض او برسانند. برخی بزرگان شیعه او را مذموم می دانند؛ زیرا شایع است که وی به دستور عبیدالله بن زیاد فتوا داده است چون حسین بن علی علیه السلام بر خلیفه وقت خروج کرده، دفع او بر مسلمانان واجب است. ولی در کتب معتبر این خبر نیامده است.

ج: با مسخبت اسماء

ظاهر این است که چنین نیست و لذا مختار تعرض شدید به او نکرد. فرد دیگری به نام شریح بوده که او فتوا داده است.

سخن امام حسین علیه السلام درباره اصحابشان

س ۲۰: آیا سخن امام حسین علیه السلام درباره اصحابشان که فرمود: «أما بعد فإني لا أعلم أصحاباً أوفى ولا خيراً من أصحابي»^(۱) دلیل بر افضلیت آنان بر سلمان و ابوذر و عمار و مقداد و مالک اشتر می باشد؟

ج: با مسخبت اسماء

هیچ محذوری ندارد کسانی که امام حسین علیه السلام به ایشان این جملات را فرموده افضل از آن چند نفر باشند.

رعایت اصول آزادی خواهی و کرامت انسانی

س ۲۱: مفهوم جمله «ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم» (اگر دین ندارید و از معاد نمی هراسید در دنیا آزاده باشید) چیست و مفهوم این کلام را چگونه تعبیر می کنید؟

۱. آن حضرت در شب عاشورا و پس از قطعی شدن جنگ، در جمع یاران خود فرمود: «أما بعد فإني لا أعلم أصحاباً أوفى ولا خيراً من أصحابي ولا أهل بيت أبر ولا أوصل من أهل بيتي فجزاكم الله عني خيراً»؛ بعد از حمد و ستایش، من یارانی باوفاتر و نیکوتر از یاران خودم و خاندانی نیکوتر و مهربانتر از خاندان خودم نمی شناسم. خداوند از جانب من به شما پاداش نیک عنایت فرماید». تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۵؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۴۳.



ج: باسماط اسماء

به نظر ما مفهوم این جمله بسیار گویا است و آن رعایت اصول آزادی خواهی و کرامت انسانی است. زیرا اصل آزادی خواهی، یکی از اصول انسانی و حقوق طبیعی انسان است و چندان ارتباطی با عقیده و مذهب ندارد اگر چه اسلام به عنوان یک عقیده آن را تأیید کرده و برای عمل به آن تأکید می کند ولی اصل آزادی خواهی چنانچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و انقلاب فرانسه نیز آمده است اصلی انسانی و مربوط به کرامت انسان است.

امام حسین علیه السلام می گوید: اگر عراقیان معتقد به اسلام و معاد نباشند، لااقل اصل انسانیت خود را حفظ نمایند و در جنگ تن به تن، با آن که می جنگد مقابله نمایند و به کودکان و زنان که در حال جنگ نیستند تعرض نکنند.

آگاهی امام حسین علیه السلام از سرنوشت خود و بقای دین

س ۲۲: عده ای بر این عقیده اند که اگر امام حسین علیه السلام می دانست در کربلا به شهادت می رسد اقدام به سفر نمی کرد، زیرا این کار قتل نفس است و آن را حرام می دانند. در قبال این طرز تفکر چه می توان گفت؟

ج: باسماط اسماء

آگاهی امام از سرنوشت خود، واقعیتی است که پیشاپیش از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پدرش امام علی علیه السلام به او رسیده بود، ولی علم به سرنوشت و آینده، هرگز او را وادار نمی کند که مسیر



طبیعی خود را طی نکند. امام حسین علیه السلام در مکه اعلام کرد راهی که او در پیش دارد راهی پر مخاطره است و فداکاری و از خود گذشتگی لازم دارد.

طبیعی است کسی که با حکومتی مبارزه می‌کند و ادعای استقلال طلبی دارد، و قیام می‌کند، حتی در عصر حاضر، آماده شهادت است و می‌داند که ممکن است در این راه به شهادت برسد، چنانچه این مسأله نه در مورد امام، بلکه در حق بسیاری از مبارزان و انقلابیون نیز صادق است و قیام، نسبت به امام حسین علیه السلام، در اندیشه بشری نمی‌گنجد، امام حسین علیه السلام می‌داند که کشته شدنش سبب بقاء دین است، چون فساد مخالفین را ظاهر می‌کند پس باید راه خود را ادامه دهد و سرانجام به پیروزی نائل گردد.

بیان فرجام کار از ابتدای حرکت

س ۲۳: امام حسین علیه السلام به یاران خود فرمودند: «اینک شب فرا رسیده است، پس از تاریکی آن استفاده کنید و سپس در شهرها و روستاهای خود پراکنده گردید و فرج الهی را انتظار بکشید، زیرا اینان تنها مرا می‌خواهند و اگر مرا به چنگ بیاورند به دیگران کاری ندارند»^(۱)، آیا گناهی بر کسانی

۱. الممتظم: ۵/ ۳۳۷ و ۳۳۸. الکامل فی التاریخ: ۳/ ۲۸۵. ارشاد شیخ مفید: ۲/ ۹۱. تاریخ الامم و الملوک: ۴/ ۶۱۸. و این سخن به گونه‌ای دیگر نیز روایت شده است آنچنان که در تفسیر عسکری علیه السلام: صفحات ۱۷۸ و ۱۷۹ آمده است که حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: «شما را از بیعت خود آزاد نمودم پس به نزد کسان و خویشان خود بروید.» و

که ایشان را ترک نمودند و یاری نکردند، هست؟ چون خود امام علیه السلام بیعت را از آنان برداشت و یا آنگونه که از کلام بانو زینب کبری علیها السلام پیداست که فرمود: «آیا یارانت را آزمودی؟» تنها آزمونی جهت سنجش آنها بوده است؟

ج: با مسحطت اسماء

امام حسین علیه السلام از ابتدای حرکت از مدینه فرجام کار خود را بیان می‌کرد و همراهانش را به فداکاری در راه خود، دعوت می‌نمود، از آن جمله فرمود: «هر کس که خواهان فداکردن جان خود برای ما می‌باشد و خود را برای دیدار پروردگارش آماده ساخته است به

→ حضرتش به اهل بیت گرامی‌اش فرمودند: «شما را از همراهی خود آزاد گذاردم چرا که شما توانایی آنان را ندارید زیرا قدرت و تعدادشان چندین برابر شماست و آنان تنها مرا می‌خواهند پس مرا با این گروه تنها بگذارید که خداوند مرا یاری خواهد داد و همان گونه که با پدران گرامی‌مان رفتار می‌نمود مرا نیز از لطف خود محروم نخواهد کرد.» پس گروهی از سپاهیان از او جدا شدند.

پس از آن خاندان گرامی‌اش به او عرضه کردند: تو را تنها نخواهیم گذاشت و آنچه بر تو از مصیبت‌ها بگذرد بر ما هم خواهد گذشت و آنچه تو را آزرد سازد ما را نیز بیازارد و ما اگر همراه تو باشیم به خداوند متعال نزدیکتر خواهیم بود.

پس به آنان فرمود: «اگر جان خود را چنانکه من آماده ساختم، مهیا نموده‌اید بدانید که خداوند برای کسانی که سختی‌ها را تحمل می‌نمایند جایگاه‌های نیکو را در نظر گرفته است. و بدانید که خداوند به خانواده‌ام و من ... کراماتی را عنایت فرموده تا دشواری‌ها را بر من آسان نماید و شما را بخشی از این کرامت‌ها خواهد بود. و بدانید که شیرینی و تلخی دنیا مانند خوابی است، و بیداری راستین در آخرت است و آن کسی سود می‌نماید که آخرت را بدست بیاورد و زیانکار کسی است که آن را از دست بدهد.

همراه ما روانه گردد».^(۱) با این وجود گروهی از همراهان حضرت، اهداف دنیوی خود را دنبال می‌کردند و امام حسین علیه السلام در شب عاشورا نمی‌خواستند که از این گروه کسی به اجبار همراه ایشان باقی بماند. البته این به معنای معذور بودن آنها در یاری نکردن حضرت، نیست چراکه یاری ایشان واجب بود.

نهی ارشادی امام حسین علیه السلام به زینب کبری علیه السلام

س ۲۴: مفهوم و مقصود امام حسین علیه السلام از منع نمودن خواهر گرامی اش زینب کبری علیه السلام در این فرموده ایشان چیست: «خواهرم تو را سوگند می‌دهم و از تو می‌خواهم که سوگند مرا نشکنی، چون به شهادت رسیدم بر [مصیبت] من گریبان چاک نکن و صورت خود را خراش مده و ناله و شیون ننما»^(۲)؟

ج: باسماط اسماء

آنچه به کمک قرائن بیرونی به دست می‌آید این است که امام حسین علیه السلام می‌خواستند بانو زینب کبری علیه السلام و زنان همراهشان نقش ایشان را در زمان بعد از شهادت حضرتش ادامه دهند و از

۱. «أَلَا وَ مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، مُوْطِنًا عَلَي لِفَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا» لهوف: ۳۸.

کشف الغمه: ۵۷۳. ۱. بحار الانوار: ۴۴:۳۶۶ و ۳۶۷. عوالم العلوم: ۲۱۶: ۱۷ و ۲۱۷.

الحدائق الوردیه: ۱۱۷: ۱.

۲. قال علیه السلام: «يَا أُخْتَاهُ، إِنِّي أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ فَأَبْرِي قَسَمِي، لَا تَشْقَى عَلَيَّ جَبِيًّا، وَلَا تَحْمِشِي

عَلَيَّ وَجْهًا، وَلَا تَدْعِي عَلَيَّ بِالْوَيْلِ وَالتُّبُورِ إِذَا أَنَا هَلَكْتُ».

الارشاد، ج ۲، ص ۹۳.

مستدرک، ج ۲، ص ۴۵۱.

بحار، ج ۴۵، ص ۲، بقیه باب ۳۷.

آنجا که ایفای این نقش نیازمند قدرت و سرسختی زیادی می‌باشد، حضرت علیه السلام جهت راهنمایی ایشان این گونه آشکار نمودن ضعف و ناتوانی را منع فرمودند و این نهی یک نوع نهی ارشادی محسوب می‌شود.

اقامه نماز ظهر و عصر

س ۲۵: آیا امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نماز ظهر و عصر را جمعاً و بطور خوف نخواند؟

ج: باسماط است

چون مستفاد از روایتی که مفید نقل فرموده و روایات دیگر این است که شهادت امام علیه السلام در آخر روز عاشورا و به حساب اهل فن تقریباً یک ساعت قبل از غروب شمس بوده، بنابر این امام نماز ظهر و عصر را جمعاً خوانده و صلاة خوف بوده است که اینک در روایات تصریح شده است.

تقاضای امام حسین علیه السلام از دشمنان

س ۲۶: در برخی از روایات آمده است که حضرت امام حسین علیه السلام پس از اینکه در لحظات آخر عمر در برابر عمل انجام شده قرار گرفتند، از دشمنان خود تقاضا کردند که او را در رفتن به سرزمینی دیگر آزاد بگذارند. این مطلب تا چه اندازه واقعیت دارد؟

ج: باسماط است

اگر این مطلب درست باشد - هرچند که از طریق معتبری روایت نشده است - منظور امام حسین علیه السلام از این گفته اتمام حجت بر

آنان و اثبات این موضوع می‌باشد که ایشان برای پیکار نیامده، بلکه به دعوت کسانی آمده است که ایشان را برای حکومت و فرماندهی دعوت نموده بودند.

دلیل پرتاب نمودن خون علی اصغر بر آسمان

س ۲۷: در برخی از روایات آمده است که حضرت امام حسین علیه السلام پس از بیرون آمدن خون از بدن مبارک خود و شیر خواره‌اش آن را به سوی آسمان پرتاب می‌نمود و حتی یک قطره از آن به زمین بازمی‌گشت. راز این کار در چه چیزی نهفته است؟

ج: باسماط اسماء

آنچه به اثبات رسیده این است که حضرت سیدالشهداء علیه السلام خون مبارک فرزند شیرخوار خود و هم‌چنین خون مبارک خود را پس از ضربه خوردن توسط پیکان سه شعبه در قلب گرامی‌شان به سمت آسمان پرتاب کردند که از این خون حتی یک قطره هم به سمت زمین بازننگشت و دلیل این کار حضرت جلوگیری از نزول عذاب الهی بر مردم بوده است.

تعداد کشته شدگان و مجروحان توسط امام حسین علیه السلام

س ۲۸: آیا این مطلب اثبات شده است که حضرت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا دو هزار نفر را کشته‌اند؟

ج: باسماط اسماء

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب خود درباره حضرت سیدالشهداء علیه السلام بیان می‌کند که: «حضرت علیه السلام آنقدر پیکار نمود

تا اینکه هزار و نهصد و پنجاه نفر را به قتل رسانید که البته باید
آمار مجروحان را نیز بدان افزود».

شاعر «یا سیوف خدینی»

س ۲۹: آیا شعر: «اگر دین محمد سامان نمی شود مگر به کشتن من، پس ای
شمشیرها مرا بر بایید»^(۱) از حضرت امام حسین علیه السلام می باشد؟

ج: باسئله طبت اسماء

بیت مذکور سروده شاعر معروف شیخ محسن ابوالحب می باشد
و در دیوان ایشان نیز آمده است ولی به عنوان زبان حال به
حضرت امام حسین علیه السلام نسبت داده می شود.

منع امام حسین علیه السلام از مشارکت زنان در جهاد

س ۳۰: با توجه به اینکه جهاد بر زنان واجب نمی باشد و مسئولیتی در قبال
جنگ ندارند به چه دلیلی امام حسین علیه السلام زنان را با خود به کربلا بردند؟

ج: باسئله طبت اسماء

حضرت امام حسین علیه السلام به قصد جهاد به سوی کربلا حرکت
نمودند تا گفته شود: چرا زنانی که جهاد بر آنان واجب نیست را
به همراه خود به کربلا بردند؟ بلکه ایشان در صحرای کربلا
محاصره شدند و مجبور به دفاع از خود گردیدند؛ پس این جهاد
یک نوع جهاد دفاعی بوده است و با تمام اینها، حضرت علیه السلام زنان
را از مشارکت در جهاد منع فرمودند.

۱. إن كان دين محمد لم يستقم إلا بقتلى يا سيوف خديني

سر برهنه شدن زنان خاندان نبوت و امامت

س ۳۱: عده‌ای عقیده دارند این مطلب که زنان خاندان امام حسین علیه السلام سربرهنه شده باشند از طریق درستی برای ما ثابت نشده است، این سخن تا چه اندازه‌ای صحیح می‌باشد؟

ج: باسماط اسماء

این سخن صحیح و درست می‌باشد زیرا زنان گرانقدر خاندان نبوت و امامت والاتر از این هستند که سربرهنه در برابر دیدگان افراد بیگانه ظاهر شوند. البته این به معنی باطل بودن آنچه درباره خارج شدن زنان آشفته موی اهل بیت (بر اساس نقل زیارت ناحیه مقدسه) نمی‌باشد زیرا امکان دارد که زنان اهل بیت علیهم السلام موهای خود را برای نشان دادن میزان غم و اندوه و آن هم از زیر حجاب آشفته نموده باشند.

تفاوت اصحاب و انصار امام حسین علیه السلام

س ۳۲: آیا تفاوتی میان انصار امام حسین علیه السلام با اصحابش وجود دارد؟

ج: باسماط اسماء

منظور از انصار کسانی هستند که شخصی را در مواجهه با دشمنان یاری می‌نمایند در حالی که مقصود از اصحاب همراهان و ملازمان شخص می‌باشد، چه او را در مواجهه با دشمنان یاری نمایند و چه یاری نکنند، به زبانی دیگر: رابطه میان این دو عنوان؛ رابطه عموم و خصوص من وجه است زیرا ممکن است شخصی توفیق نصرت را بیابد و در مقابل دشمنان به شخص

یاری رساند در حالی که توفیق مصاحبت و ملازمت شخص را نیابد، همانند آن شخص مسیحی که به دست امام حسین علیه السلام ایمان آورد و همراه امام پیکار نمود. در مقابل، صاحب ممکن است به توفیق ملازمت و همراهی فرد دست پیدا کند اما موفق به یاری رساندن به هنگام پیکار با دشمنان نشود مانند محمد بن حنفیه، نیز ممکن است شخصی توفیق صحبت و نصرت را به صورت همزمان پیدا کند مانند حبیب ابن مظاهر (رضوان الله علیه).

خودداری نمودن حضرت عباس علیه السلام از آشامیدن آب

س ۳۳: به چه دلیل است که حضرت عباس علیه السلام از آشامیدن آب خودداری نمودند در حالی که این کار مقدمه یک عمل واجب یعنی نجات جان خود و دیگران می‌باشد؟

ج: باسماحت اسماء

دلیلی که ثابت نماید آشامیدن آب باعث نجات جان مولایمان قمر بنی‌هاشم علیه السلام و دیگران می‌شده است در دست نیست به ویژه این که حضرت امام حسین علیه السلام ایشان را از فرجام کار آگاه نموده بودند و حتی اگر یافته‌های تاریخی ثابت نمایند که نوشیدن آب باعث نجات می‌شده است باز هم نمی‌توان مطمئن بود که این عمل واقعاً وظیفه ایشان بوده است؛ چنانکه از ظاهر فرمایش ایشان در این رجزخوانی مشهور که: «به خدا که این از جمله اخلاق دینی من نمی‌باشد» نیز همین مطلب برداشت

می شود، به زبان دیگر نوشیدن آب بر ایشان حرام بوده است و ایشان نسبت به وظایف و تکالیفش از همه آگاه تر می باشد و چرا نباشد وقتی که معصوم علیه السلام در حق او می فرماید: «او به طور کامل از علم انباشته شده است.»^(۱)

زمان خاکسپاری امام حسین علیه السلام و یارانش

س ۳۴: بین شهادت امام حسین علیه السلام و تدفین ایشان چند روز طول کشیده است؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

روایات در این زمینه گوناگون و متفاوت می باشد، ولی گمان نزدیک به علم، در این رابطه این است که خاکسپاری امام حسین علیه السلام و یارانش در شامگاه دوازدهم محرم انجام گرفته است.

دفن سر مبارک امام حسین علیه السلام

س ۳۵: آیا سر مبارک امام حسین علیه السلام به همراه کاروانیان به کربلا بازگشت و به همراه بدن مبارک دفن گردید؟ و یا آنگونه که اهالی مصر ادعا دارند در کشور مصر مدفون می باشد؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

در زمینه دفن سر مبارک اختلافاتی وجود دارد که از این قرار است:

۱. «زُقِّ الْعِلْمَ زَقًّا».



نخست: نظری که میان شیعیان امامیه و اهل تسنن مشترک می‌باشد و آن این که سر مبارک بعد از شام به کربلا بازگشت و به همراه بدن شریف به خاک سپرده شد. این نظر مشهور میان شیعیان و عقیده جمعی از علمای شیعه بوده و برخی از معاصرین این نظر را مورد اجماع علمای شیعه دانسته‌اند.

دوم: نظری که میان اهل تسنن و مذهب اسماعیلیه مشترک می‌باشد و آن این که سر مبارک ابتدا در دمشق به خاک سپرده شد و سپس از آنجا به عسقلان و آنگاه به قاهره منتقل و در آنجا به خاک سپرده شد.

سوم: نظر دیگر که برخی از علمای شیعه قائل به آن می‌باشند این است که سر مبارک در نزد پدر گرامی‌شان ع در نجف اشرف مدفون می‌باشد. صاحبان این نظریه به جز آنچه از صاحب وسائل بر می‌آید مشخص نمی‌باشند و برخی از اخبار به آن اشاره نموده است ولی علما در پذیرفتن آن جانب احتیاط را برگرفته‌اند.

چهارم: نظری است که برخی از اهل تسنن دارند و آن این است که سر مبارک در مدینه و در جوار قبر مادر گرامی‌اش حضرت زهرا ع به خاک سپرده شد.

پنجم: گروهی نیز عقیده دارند که سر مبارک به همراه بدن شریف به آسمان عروج نموده است.

ولی آنچه من از میان روایات بسیار و روشن انتخاب کرده‌ام این است که به آسمان عروج نکرده و در زمین موجود می‌باشد که

این امر به تواتر آمده است. اما در مورد محل دقیق دفن رأس مبارک هر چه جستجو کردم نتوانستم به صورت قاطع محل آن را معین نمایم، زیرا همانگونه که بسیاری اذعان دارند دلایل هیچ کدام از نظریه‌ها قاطع نمی‌باشد.

صاحب کتاب تذکرة الخواص در این باره چه زیبا گفته است که: «به طور کلی سر و یا بدن مبارک در هر کجا که باشد در جان‌ها و دل‌ها قرار دارد و در فکر و اندیشه‌ها جای گرفته است». هم‌چنین یکی از بزرگان ما سروده است:

مولی حسین را نجوید در شرق و یا غرب زمین
و همه را رها کنید و راهتان را کج کنید به سوی من، زیرا محل
شهادت او در دل من جای دارد^(۱).

روایات صحیح در خاک‌سپاری سرهای شهدای کربلا

س ۳۶: روایت‌های صحیح و درست در مسأله خاک‌سپاری سرهای شهدای کربلا به همراه بدن‌های شریف چه می‌باشد؟ و در چه منابعی موجود است؟

ج: باسبب است

آنچه «سبب» در کتاب «تذکره» خود آورده است و نزد محدثان و مورخان مشهور می‌باشد و «طبری»، «اسفرائینی»، «دینوری» و دیگران نیز بیان کرده‌اند این است که: سرهای شهدا به همراه

۱. لَا تَطْلُبُوا الْمَوْلَى الْحُسَيْنَ بِشَرْقِ أَرْضٍ أَوْ بِغَرْبِ
وَدَعُوا الْجَمِيعَ وَ عَرَّجُوا نَحْوِي فَمَشْهَدُهُ بِقَلْبِي

رأس شریف امام حسین علیه السلام از کربلا به کوفه و از آنجا به شام منتقل گردید و سپس به کربلا عودت داده شد و در کنار اجساد به خاک سپرده شد.

در کتاب ترجمه «تاریخ اعثم کوفی» آمده است: «یزید، علی بن حسین را با همراهانش به سمت مدینه روانه نمود و سرهای شهیدان را به آن باز گردانید، پس به سمت مدینه حرکت نمودند و در روز بیستم ماه صفر به کربلا رسیدند، پس سر را نزد بدن شریف به خاک سپردند و سرهای شهدا را نیز در همان جا دفن کردند».

در کتاب «تاریخ حبیب السیر» نیز آمده است:
 «یزید بن معاویه سرهای شهیدان را به علی بن حسین علیه السلام سپرد و او آنها را در بیستم ماه صفر در کنار بدنهای گرامی به خاک سپرد و سپس به سمت مدینه منوره رهسپار گردید.»
 در ادامه این مطلب می خوانیم:
 «این درست ترین روایت هاست که به دست رسیده است».

تلاوت آیه شریفه «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ...
 س ۳۷: راز و هدف از تلاوت آیه شریفه «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ
 وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»^(۱) توسط رأس شریف حضرت
 سیدالشهدا علیه السلام چه بوده است؟

۱. «آیا گمان می‌بری که اصحاب کهف و رقیم، در میان عجایب و غرایب ما چیز شگفتی هستند؟» کهف/۹.

ج: باسم طلبت اسماء

تلاوت آیه شریفه مذکور از جمله اموری است که به خودی خود آشکار می باشد، چه مقصود حضرت علیه السلام این بوده که مشخص نماید سخن گفتن سر بریده شده بر بالای نیزه، یک نشانه الهی است و دلیلی برای شگفتی از آن وجود ندارد؛ زیرا از طریق قرآن ثابت شده است که اصحاب کهف هم ده ها سال پس از مرگشان سخن گفتند، بنابراین همان گونه که این نشانه الهی، مظلومیت و کرامت اصحاب کهف را نشان می دهد، درباره سیدالشهدا علیه السلام نیز همین مطلب صدق می کند.

سر به کجاوه زدن حضرت زینب علیه السلام

س ۳۸: آیا این روایت که بیان می دارد حضرت زینب علیه السلام سر مبارک خود را به چوب کجاوه زدند و خون از زیر نقاب حضرت جاری شد، روایت درستی می باشد؟

ج: باسم طلبت اسماء

بله. این روایت بدون شک معتبر می باشد.

مجروح ساختن سرها توسط قبیله بنی اسد

س ۳۹: گفته می شود که گروهی از قبیله بنی اسد سرهای خود را جهت همدردی با امام حسین علیه السلام مجروح ساختند، شعار: «ای کاش همراه تو بودیم آقای من و سود بزرگ نصیبمان می شد» را سر دادند و یکی از معصومین علیه السلام نیز این عمل آنان را تأیید فرمودند، آیا روایتی در دست می باشد که این مطلب در آن آمده باشد؟

ج: باسم طبت اسماه

روایت بنی اسد در کتابهای معتبر موجود نیست.

زمان بازگشت کاروان اسیران

س ۴۰: آیا بازگشت کاروان اسیران اهل بیت علیهم السلام در اربعین حسینی در همان سال نخست شهادت امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد؟ و یا این بازگشت در سال بعد بوده است؟

ج: باسم طبت اسماه

پس از تحقیق و جستجوی کامل، مطمئن شدیم که بازگشت کاروان اسیران در اربعین حسینی همان سال شهادت حضرت امام حسین علیه السلام صورت گرفته است.

طی الارض امام سجاد علیه السلام به کربلا

س ۴۱: حضرت امام سجاد علیه السلام چگونه توانست خود را به کربلا برساند و اجساد مبارک را به خاک بسپارد؟

ج: باسم طبت اسماه

آنگونه که از برخی روایات بر می آید ایشان از طریق طی الارض به کربلا رسیدند که البته این گونه مسائل خارق العاده برای معصومین علیهم السلام سخت نمی باشد و طبق بسیاری از آیات و روایات، کثیری از انبیاء الهی و اوصیاء از اینگونه امور بهره برده اند.



قیام مختار

س ۴۲: مختار که انتقام حضرت امام حسین علیه السلام را گرفت در دوره کدام امام زندگی می‌کرد؟ و چگونه انتقام حضرت علیه السلام را از قاتلان ایشان گرفت؟

ج: باسم حلت اسماء

مختار در دوره امام علی بن الحسین علیه السلام می‌زیست و قیام او در کوفه و چهارده روز مانده به ربیع الثانی سال شصت و شش هجری صورت گرفت. وی ابراهیم اشتر را در هفتم محرم سال شصت و هفت هجری به جنگ ابن زیاد روانه ساخت و گفت: «تا کشندگان حسین بن علی علیه السلام و خاندانش را نکشم هیچ خوردنی و آشامیدنی برایم گوارا نیست»، او عمر بن سعد، شمر بن ذی الجوشن، خولی بن یزید و دیگر عاملان شهادت سیدالشهداء علیه السلام را به قتل رساند. مدت حکومت او در کوفه یک سال و نیم بود و پس از آن در سن شصت و هفت سالگی به شهادت رسید.

چاک دادن گریبان حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام

س ۴۳: به نظر حضرت عالی احتمالاً دلیل این که حضرت امام حسین علیه السلام گریبان حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام را چاک دادند چه بوده است؟

ج: باسم حلت اسماء

روایتی در کتاب «مدینه المعجز» وجود دارد که بیان می‌نماید: «امام حسین علیه السلام گریبان‌های قاسم علیه السلام را درید، عمامه‌اش را دو نیم نمود، سپس آن را بر صورتش آویزان کرد، آنگاه لباس‌هایش

را به صورت کفن بر او پوشاند، شمشیرش را در میان بست و به سمت میدان جنگ روانه ساخت»، جدا از موضوع میزان اعتبار این روایت، آنچه از ظاهر آن بر می آید این است که دلیل پاره نمودن گریبان این بوده است که لباس‌ها به شکل کفن درآیند.

معرفی بُریر

س ۴۴: بُریر که به همراه امام حسین علیه السلام به شهادت رسید کیست؟

ج: باسملت اسماء

بریر، مردی پارسا، پرهیزکار و قاری قرآن بود، از بزرگان قاریان قرآن کریم به شمار می آمد و گفته شده که بهترین قاری زمان خود بوده است. ایشان از بندگان صالح خداوند بود و از شجاعان گرانقدر و از بزرگان کوفه شمرده می شد. از او در واقعه کربلا، ماجراها، سخنان و پنجهایی نقل شده که میزان قدرت ایمانش را نشان می دهد.

میزان قابل اعتماد بودن حمید بن مسلم (راوی ماجرای کربلا)

س ۴۵: حمید بن مسلم که ماجرای کربلا را روایت نموده است تا چه میزان قابل اعتماد می باشد؟

ج: باسملت اسماء

حمید بن مسلم در میان رجال ذکر نشده و تنها شیخ طوسی او را از اصحاب حضرت امام سجاد علیه السلام به شمار آورده است. وی ظاهراً شیعه می باشد ولی وضعیت مورد اعتماد بودن سخنانش بر ما پوشیده است. اما به هر حال استفاده از روایاتش اشکالی ندارد

زیرا چنانکه از سخنانش بر می آید شخصیت بی طرفی بوده که جز اصل ماجرا و رساندن خبر آن به دیگران چیز دیگری برایش اهمیت نداشته و در این امر، همانند روزنامه نگاران دوران ما عمل نموده است.

ورود اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به کربلا در اربعین اول

س ۴۶: با این که محدث نوری در «لؤلؤ و مرجان» از «شیخ مفید و شیخ طوسی و شیخ کفعمی و علامه حلی» رضوان الله علیهم اجمعین روایت فرموده که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله روز اربعین از شام به طرف مدینه حرکت کردند و ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا را در روز اربعین علمائی مانند علامه مجلسی رحمته الله در زاد المعاد، فاضل بیرجندی رحمته الله در وقایع الشهور، محدث قمی رحمته الله در منتهی الامال، دکتر آیتی رحمته الله در بررسی تاریخ عاشورا رد فرموده اند نظر حضرت عالی چیست؟

ج: باسم طلبت اسما

این امر مورد اختلاف است. ولی به نظر من، ورود به کربلا همان اربعین اول بوده است.

نقش حضرت زینب علیها السلام در واقعه عاشورا

س ۴۷: نقش حضرت زینب علیها السلام در واقعه عاشورا چه بود؟

ج: باسم طلبت اسما

قطعاً فداکاری و شهادت طلبی امام حسین علیه السلام و یارانش، در شرایط بسیار سخت صحرای کربلا، با وضع فجیعی به پایان رسید و امام حسین علیه السلام شهید شد. ولی تکمیل رسالت او و ابلاغ

پیام شهدا، اگر چه به طور ظاهری به وسیله راویانی مانند «حمید بن مسلم» صورت گرفته اما رسانیدن اصل پیام و ابلاغ آن به قوم خواب رفته کوفه و شام و در طول تاریخ به نسل های مسلمان، به وسیله حضرت زینب علیها السلام بوده است.

حضرت زینب علیها السلام قافله سالار خیل اسیران است. شیر زنی است سخنور و شجاع که در مراحل حساس اسارت در کوفه و شام، سخنرانی های آتشین در دفاع از نهضت حسینی ایراد کرده است. بهتر است که سخنرانی او و خواهرش ام کلثوم در کوفه، در کتاب های تاریخی ملاحظه شود تا حقیقت نقش حضرت زینب علیها السلام در تکمیل رسالت حسینی روشن گردد.



بخش چهارم:

اعتقادی

مقایسه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام

س ۴۸: از میان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام کدامشان برتر می باشد؟ آیا آنها از نظر فضیلت برابر هستند؟ زیرا از یکی از علما خواندم که به چند دلیل امام حسن علیه السلام از برادرشان امام حسین علیه السلام برتر می باشند، از آن جمله روایت صدوق است از هشام بن سالم، در کمال الدین که روایت کرده است از امام صادق علیه السلام پرسیدم: از میان حسن علیه السلام و حسین علیه السلام کدام یک برتر می باشد؟ فرمود: حسن علیه السلام از حسین علیه السلام برتر است.

و از آن جمله اینکه امام حسن علیه السلام بر امام حسین علیه السلام مقام امامت داشت از آنجا که امام هر زمانی از تمام مردم زمان خود افضل است و امکان ندارد که برابر باشد زیرا ترجیح دادن چیزی بدون دلیل شایسته نمی باشد، خواهشمندیم نظر خود را در این باره بیان فرمایید؟

ج: باسم حلت اسمانه

مقایسه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بر پایه دوره امامت

امام حسن علیه السلام از اساس، نادرست بوده و درست این است که اگر

قرار بر مقایسه باشد هر یک از این دو امام را در دوره امامت خود او مورد مقایسه قرار دهیم که نتیجه مقایسه این می شود که این دو بزرگوار امام هستند چه قیام کنند و چه قیام ننمایند و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد. درست است که نهضت امام حسین علیه السلام باعث بقا و استمرار دین اسلام گردید اما این نهضت بدون صلح امام حسن علیه السلام امکان پذیر نمی گردید.

اعطای کرامت های بی نظیر به امام حسین علیه السلام

س ۴۹: با توجه به این مطلب که تمامی ائمه اطهار علیهم السلام با وجود نقش های مختلفی که بر عهده داشته اند یک هدف واحد را دنبال می نمودند، کدام نقش از این میان دشوارتر محسوب می شود؟ و اگر تمامی آنها یکسان هستند به چه دلیلی به امام حسین علیه السلام کرامت هایی ^(۱) عطا شده که به هیچ یک از فرزندان ایشان عطا نشده است؟

ج: باسماط اسماء

در این موضوع که نقش امام حسین علیه السلام دشوارتر بوده است هیچ جای شکی نیست، و مصائبی که بر ایشان و خاندان بزرگوارشان گذشت به مراتب از مصائب فرزندان گرامی اش دشوارتر بوده است؛ به همین دلیل است که مزایایی برای حضرتش قرار داده شده است که برای غیر از او قرار داده نشده است. و این همان مطلبی است که در روایت مشهوری از امام باقر علیه السلام به آن اشاره شده است: «خداوند، حسین علیه السلام را در مقابل کشته شدنش این

گونه پاداش دادگه؛ امامت را در نسل او، و شفا را در تربتش قرار داد، دعا را در نزدیکی قبرش مستجاب می‌گرداند و روزهای زیارتش و رفت و آمد آن را از عمر زائرش محسوب نمی‌کند»^(۱).

نقش امام حسین علیه السلام نسبت به دین

س ۵۰: اگر بر طبق فرموده خداوند متعال:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دین را کامل نموده است پس نقش امام حسین علیه السلام نسبت به دین چیست؟

ج: باسْمِ طِبَّتِ اسْمَانَهُ

منظور از کامل شدن دین خدا در این آیه شریفه، تعیین امیرمؤمنان علی علیه السلام به عنوان ولی، امام، خلیفه و نگاهبان دین و اسلام می‌باشد. این نقش و مسئولیت پس از او به فرزندان گرامی‌اش و از آن جمله به حضرت امام حسین علیه السلام باید منتقل شود و این بدان معنی است که کامل شدن دین خدا بدون امامت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و تلاش‌های دوران امامتش ممکن نمی‌باشد.

۱. عن الامام الباقر علیه السلام: إن الله عَوَّضَ الْحَسِينَ علیه السلام عَنْ قَتْلِهِ، أَنَّ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَالشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ، وَاجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ، وَلَا تُعَدُّ أَيَّامَ زَائِرِهِ جَائِئاً وَرَاجِعاً مِنْ عَمْرِهِ.
۲. «امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم»؛ مانده/۳.

مقام زینب کبری علیها السلام و حضرت عباس علیه السلام

س ۵۱: آیا بانو زینب کبری علیها السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام معصوم می باشند؟ دلایل شما بر عصمت ایشان چه می باشد؟

ج: باسماحلت اسمانه

هر دوی این بزرگواران از لحاظ فضل و صفات والا و کمال چنان هستند که بلافاصله در مقام بعد از معصومین علیهم السلام قرار می گیرند و چنان است که بعد از چهارده تن معصومین علیهم السلام، کسی برتر از آنان نمی باشد ولی عصمت به همان چهارده نفر معصومین اختصاص دارد. (یعنی این بزرگواران عصمت از گناه داشتند اما عصمت کبری امامت و حفظ از هر خطای کوچک که مخصوص امامان است را نداشتند)^(۱).

روایت بانو حکیمه دختر امام جواد علیه السلام

س ۵۲: روایتی توسط بانو حکیمه دختر امام جواد علیه السلام نقل شده و شیخ طوسی در کتاب الغیبه آن را آورده است، در این روایت می خوانیم: «حضرت امام حسین علیه السلام در حقیقت تنها در ظاهر به خواهر خود وصیت فرمودند و هر چه به حضرت زینب علیها السلام نسبت داده می شد در حقیقت به صورت مخفیانه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام صادر می گردید» میزان درستی این روایت را بیان فرمایید؟

۱. حضرت معصومه علیها السلام و برخی امامزادگان علیهم السلام و شیعیان خاص که باب ائمه علیهم السلام بودند نیز وضعی مشابه داشتند و نمی توان به صراحت در مورد برتری آنان بر دیگری قضاوت کرد.



ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

این روایت بدون اشکال و معتبر می‌باشد.

ازدواج علی اکبر علیه السلام

س ۵۳: آیا حضرت علی اکبر علیه السلام ازدواج نموده بودند؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

در زیارت حضرتش علیه السلام توسط امام صادق علیه السلام آمده است که:

«درود بر تو و خاندانت و خانواده‌ات و پدرانت و فرزندانت و مادران گرامی‌ات که خداوند ناپاکی را از آنان دور نمود و آنها را پاکیزه قرار داد»^(۱).

روایتی از امام رضا علیه السلام نیز وجود دارد که بیان می‌نماید ایشان همسری به نام أم ولد داشته‌اند و شاید به همین علت است که کنیه ایشان ابوالحسن بوده است.

ازدواج حضرت قاسم علیه السلام

س ۵۴: نظر حضرت عالی درباره داستان ازدواج حضرت قاسم علیه السلام که توسط طریحی در کتاب الْمُنتَخَبِ، سید بحرانی در کتاب مَدِیْنَةُ الْمَعَاجِزِ، حائری در کتاب مَعَالِی السَّبْطِیْنِ، شعرانی در کتاب ترجمه نَفْسُ الْمَهْمُومِ و دیگران آورده‌اند چه می‌باشد؟

۱. «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَ عَلَى عَتْرَتِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِكَ، وَ أَبْنَائِكَ، وَ أَبْنَائِكَ، وَ أُمَّهَاتِكَ الْاِخْيَارِ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً». مدرک: بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۸۶، باب ۱۸، ح ۳۰؛ کامل‌الزیارات، ص ۲۳۹.

ج: باسم طبت اسماء

نظر ما همان نظر علامه مامقانی می باشد که می فرماید: «آنچه او در کتاب المنتخب درباره داستان ازدواج ایشان آورده است را نه من و نه سایر محققان در کتاب های سیره و مقتل معتبر پیدا نمودیم».

خلوت خانم سکینه علیها السلام با خداوند متعال

س ۵۵: بعضی از کتاب ها مانند «کتاب آغانی، تألیف ابوالفرج اصفهانی و کتاب أعلام النساء تألیف عمر کحّاله» عنوان می کنند که خانم سکینه علیها السلام دختر امام حسین علیه السلام خواننده، شاعر و ادیب بوده و با بسیاری از شاعران، خوانندگان و ادیبان مشهور تاریخ دیدار می کرده است. نظر حضرت عالی درباره این گونه سخن ها چیست؟

ج: باسم طبت اسماء

درباره این بانوی گرامی (جانها به فدایش) از پدر ایشان حضرت امام حسین علیه السلام روایت شده است که: «سکینه اغلب اوقات با خداوند متعال خلوت می کرد و به هیچ چیز دیگر توجه نداشت»^(۱) و این سخن تمامی ادعاهای مشابه با موارد مذکور را رد می کند، هر آنچه در این باره گفته شده تنها در کتاب آغانی از ابوالفرج اصفهانی آمده است که او نویسنده ای خبیث از بنی امیه می باشد و خود کتاب هم درباره لہو و طرب و آواز است.

۱. قال سیدالشهدا علیه السلام: «و أمّا سکینه فغالب علیها الاستغراق مع الله»

فرمودهٔ امام حسین علیه السلام در مورد بندگان نافرمان

س ۵۶: امام حسین علیه السلام می فرماید: «خدایا تو می بینی که از دست این بندگان نافرمانت، چه می کشم»^(۱)، «عبد» کسی است که از بندگی شیطان، نجات یافته و نافرمان، آن است که شیطان را عبادت و بندگی می کند؛ حال چگونه است که امام حسین علیه السلام، آنان را هم، بنده خدا می خواند و هم نافرمان؟

ج: باسم حلت اسماء

در روایت مذکور، منظور از عباد (بندگان) کسانی است که در مالکیت حقیقی خداوند، قرار دارند؛ مالکیت حقیقی به معنای تسلط کامل مالک بر مملوک است به گونه ای که مالک، زمام ایجاد و بقای مملوک را در اختیار دارد و انسان نافرمان هر چند از این نقطه نظر، بنده خداوند به شمار می آید اما در واقع با اطاعت از امر و نهی شیطان، او را بندگی می کند.

مفهوم ذبح و قربانی در آیه «وَقَدْ يَنْهَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ»

س ۵۷: منظور از ذبح و یا قربانی عظیم در این آیه شریفه «وَقَدْ يَنْهَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ»^(۲) چه می باشد؟

ج: باسم حلت اسماء

آیه دو مفهوم ظاهری و باطنی در خود دارد. مفهوم ظاهری قربانی عظیم، گوسفندی می باشد که جبرئیل از سوی خداوند

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى مَا أَنَا فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ هَؤُلَاءِ الْعَصَاةُ»

۲. «و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهنانیدیم» صافات ۱۰۷: ۳۷.



سبحان به زمین آورد تا به جای اسماعیل علیه السلام قربانی شود و از آنجایی که از سوی خداوند متعال بوده از آن با تعبیر عظیم یاد شده است.

اما مفهوم باطنی آن این است که: منظور از قربانی و ذبح عظیم، حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام می باشد به این ترتیب که چون در عالم ذر آنچه را که در مورد اسماعیل علیه السلام و نیاز به قربانی به جای او، بر پیامبران و امامان علیهم السلام عرضه شد، حضرت امام حسین علیه السلام داوطلب گردید تا ذبح عظیم باشد و به جای اسماعیل علیه السلام در کربلا قربانی گردد، البته نه به خاطر شخص حضرت اسماعیل علیه السلام بلکه از این جهت که ایشان جد پدر بزرگ گرامی اش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پدر و مادر بزرگوارش حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد و از این جهت است که حضرت امام حسین علیه السلام جان گرامی اش را فدای وجود این گرامیان نمود.

(چون این بزرگواران باید از صلب حضرت اسماعیل بیرون می آمدند؛ در عالم معنا بلای او را به جان خرید تا اجداد و پدرانشان را حفظ کند و در عالم دنیا با تأخیر زمانی به عهد آسمانی خود عمل کرد این یکی از حکمت های بلای حضرت حسین علیه السلام است).

ارتباط سوره فجر و واقعه کربلا

س ۵۸: چه رابطه ای میان سوره فجر و واقعه کربلا وجود دارد؟



ج: با مستحبت اسامه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید زیرا سوره حسین بن علی علیه السلام می باشد».^(۱)

روایت دیگری علت رابطه میان این سوره و امام حسین علیه السلام را مشخص می سازد. در این روایت آمده است که ابو اسامه از امام صادق علیه السلام پرسید:

به چه دلیلی این سوره ویژه امام حسین علیه السلام گردید؟

امام علیه السلام فرمودند: آیا این کلام خداوند متعال [در این سوره] را نشنیده‌ای که:

«يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ * ازِجِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً *
فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي^(۲)»؟ همانا که منظور حسین بن علی علیه السلام است. زیرا اوست که به راستی دارای نفس مطمئنه، خشنود و خداپسند می باشد.

ولی این مطلب که به چه دلیل از سیدالشهداء علیه السلام به نفس مطمئنه تعبیر شده است دارای نکته‌ها و رازهایی است که اینک مجال پرداختن به آنها نیست.

۱. عن الامام الصادق علیه السلام: «اقرأ سورة الفجر في فرائضكم و نوافلكم، فأتها سورة الحسين بن علي علیه السلام»

۲. «ای نفس مطمئنه، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان من درآی و در بهشت من داخل شو»؛ فجر / آیات ۲۷ الی ۳۰.

سند روایتی از امام رضا علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام

س ۵۹: آیا سند خبر «همانا روز حسین علیه السلام پلک‌های ما را زخم کرده و اشک‌های ما را ریزان نموده است»^(۱) که از امام رضا علیه السلام روایت شده درست نیست؟ و همان‌طور که عده‌ای گفته‌اند، می‌توان به دلالت آن اعتراض کرد؟

ج: باسْمِ طِبَّتِ اسْمَاءُ

این خبر را شیخ صدوق در امالی از جعفر بن محمد بن مسرور از حسین بن محمد بن عامر از عمویش عبدالله بن عامر از ابراهیم بن ابی محمود از امام رضا علیه السلام نقل کرده است و در میان راویان آن، کسی که در او توقف شود وجود ندارد به جز ابن مسرور؛ که او هم ثقة است، چون شیخ صدوق مکرر درباره او از «رحم الله» یا «رضی الله» استفاده کرده است، علاوه بر آن توثیق وی از سوی عده‌ای از متأخرین، برای اثبات وثاقتش نزد ما کافی است، همان‌طور که ملاً وحید بهبهانی احتمال داده است او همان جعفر بن قولویه باشد، و بر فرض صحت این ادعا - که بعید نیز نیست - او از ثقة بودن بالاتر است.

قیام امام حسین علیه السلام سبب بقا و پایداری دین اسلام

س ۶۰: نظر حضرت عالی درباره این مطلب چیست: «کاری که امام حسین علیه السلام در کربلا به انجام رسانید از تلاش‌ها و کارهای بیست و سه ساله رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، برتر می‌باشد»؟

۱. إن يوم الحسين أفرح جفوفنا وأسبل دموعنا؛ امالی صدوق، ص ۱۹۰.



ج: باسم حطبت اسماء

در این مطلب که قیام امام حسین علیه السلام سبب بقا و پایداری دین اسلام بوده است جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست و او را فضائل و برتری‌هایی است که گفتار و نوشتار از بیان آنها عاجز است. اما این مطلب که عمل امام حسین علیه السلام از عمل جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برتر است بی‌گمان مورد رضایت خود ایشان نیز نمی‌باشد و می‌بایست از بیان آن خودداری کرد.

مصیبت زهرا علیها السلام در سقیفه پایه مصیبت امام حسین علیه السلام در کربلا
 س ۶۱: از نظر اهل دل، از میان دو مصیبت حضرت زهرا علیها السلام و حضرت امام حسین علیه السلام کدامیک سخت‌تر می‌باشد؟

ج: باسم حطبت اسماء

پایه آنچه در روز کربلا اتفاق افتاد از روز سقیفه ریخته شد و این مطلب را قاضی ابوبکر ابن ابی فریعه از علمای اهل سنت در اشعار خود آورده است: «و دیدید که حسین در روز سقیفه کشته شد»^(۱) و از علمای تشیع، محقق اصفهانی نیز سروده است:
 «آنچه از بلاها بر مادرش وارد آمد به حضرت زینب علیها السلام در صحرای کربلا به ارث رسید»^(۲).

با تمام اینها آنچه از روایات بر می‌آید این است که مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام به حتم سخت‌ترین مصائب بوده است

۱. و أریکم أن الحسین أصیب فی یوم السقیفة
 ۲. ما اصاب أمها من البلا فهو تراثها بطف کربلا

چنانکه امام حسن علیه السلام به برادر گرامی‌شان امام حسین علیه السلام فرمودند: «روزی به سختی و طاقت‌فرسایی روز شهادت تو نیست یا ابا عبدالله».

گریستن آسمان بر امام حسین علیه السلام

س ۶۲: چگونه می‌توان این حقیقت را برای اهل سنت، تبیین نمود که پس از شهادت حسین علیه السلام، آسمان برای ایشان گریست و پدیده‌هایی از این دست رخ داد؟

ج: باسماحلت‌اسما

شما می‌توانید با استناد به کتاب‌های اهل سنت، این حقیقت را برای آنان تبیین نمایید؛ به عنوان مثال در کتاب‌های آنان آمده است که در جریان جنگ صفین، از آسمان خون بارید و... چنانکه ذَهَبی در «سیر أعلام النبلاء» (ج ۴، ص ۵۱۰) می‌نویسد: «... خونی تازه و خالص از آسمان باریدن گرفت و بر روی دجله فرود آمد...».

در تاریخ طبری (ج ۷، ص ۳۸۹) نیز آمده است: خونی تازه و خالص از آسمان بارید.

هم‌چنین ابن کثیر در البدایة و النهایة (ج ۷، ص ۲۹۳) می‌نویسد: ما در جنگ صفین که میان علی علیه السلام و معاویه در گرفت، حاضر بودیم، و بارش خون تازه و خالص از آسمان را به چشم خود مشاهده نمودیم.

در مورد امام حسین علیه السلام و عاشورا نیز این دست حوادث در کتب



- اهل سنت، یافت می‌شود چنانکه ابن عساکر، در «شرح حال امام حسین» ص ۳۵۴ می‌نویسد: «پس از یحیی بن زکریا، آسمان تنها برای یک نفر و آن هم حسین بن علی علیه السلام گریه کرد».
- همین مطلب در کتاب‌های ذیل نیز آمده است:
۱. بُغِيَّةُ الطَّلَبِ فِي تَارِيخِ حَلَبَ، صفحه ۷۸/أ، و در چاپی دیگر: ۱ ص ۹۳.
 ۲. يَنَابِيغُ الْمَوَدَّةِ لِذَوِي الْقُرْبَى، تأليف قندوزي حنفي، ج ۳ ص ۸۳، نیز در صفحات ۱۵، ۲۰، ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۲.
 ۳. تاريخ مدينة دمشق، تأليف ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۲۷.
 ۴. سِيَرُ الْأَعْلَامِ تَأْلِيْفُ ذَهَبِي، ج ۳، ص ۳۱۲، به نقل از فسوی.
 ۵. تهذيب الكمال تأليف المزي، ج ۶، ص ۴۳۳.
 ۶. نَظْمُ دُرُرِ السَّمْطَيْنِ، تأليف زرندي حنفي، ص ۲۲۲.
 ۷. ذَخَائِرُ الْعُقَبِي فِي مَنَاقِبِ ذَوِي الْقُرْبَى، تأليف طبري، ص ۱۴۵.

شبهه افکنی‌های دشمنان اسلام در میان شیعیان

س ۶۳: دشمنان اسلام در کشورهای کم و بیش شیعه نشین، شبهه افکنی‌های گسترده‌ای را به ویژه علیه مسأله عاشورا و امام حسین علیه السلام به راه انداخته‌اند تا از این طریق فضایل امام حسین علیه السلام و خاندان ایشان را در محافل شیعیان، زیر سؤال ببرند. در ذیل به برخی از شبهه افکنی‌های مذکور اشاره می‌رود:

- ۱- سخن گفتن سر امام حسین علیه السلام، امکان‌پذیر نیست، چرا که سخن گفتن سر بریده، معجزه بوده و معجزه تنها و تنها مخصوص پیامبران علیهم السلام است.

- ۲- حدیث «ظرف شیشه‌ای ام سلمه»،^(۱) پذیرفتنی نیست.
- ۳- توانایی برخی اصحاب امام حسین علیه السلام در قتل تعداد زیادی از دشمنان، محلّ تردید و انکار است.
- ۴- چرا ابوالفضل العباس هنگامی که خود را به آب رساند از نوشیدن آن خودداری نمود و حال آنکه در صورت نوشیدن آب، بهتر می‌توانست به نبرد با دشمن پردازد؟!
- ۵- گریه کردن برای امام حسین علیه السلام، عملی غیر اسلامی و دور از تمدّن است.
- ۶- اصحاب امام حسین علیه السلام در مقایسه با برخی مؤمنان در دوره‌های بعد، از ارزش و جایگاه کمتری برخوردار هستند. «این در حالی است که امام حسین علیه السلام درباره اصحاب خود می‌فرماید: اصحابی وفادارتر و بهتر از اصحاب من، وجود ندارد».
- ۷- کار به جایی رسیده است که شبهه‌افکنان، آگاهی امام حسین علیه السلام نسبت به شهادت در روز عاشورا را زیر سؤال می‌برند و علم ایشان به بسیاری از مسائل و رویدادها را انکار می‌کنند.
- دیدگاه جنابعالی در مورد سخنان مذکور چیست؟
- در برابر این سخنان و مبلّغان آن چه باید کرد؟ و چگونه می‌توان پاسخ این مسائل را برای عامّه مردم بیان نمود؟
- خواهشمندم در صورت امکان، تک تک شبهات فوق را به تفصیل پاسخ گوید.

۱. قارورة أم سلمة.



ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

در مورد انکار سخن گفتن سر مبارک امام حسین علیه السلام و محال بودن این امر در مورد ائمه علیهم السلام باید گفت:

ائمه علیهم السلام از ولایت تکوینی بهره می‌برند و بر اساس این ولایت، اختیار امور جهان در دستان آنان قرار دارد به گونه‌ای که می‌توانند به دلخواه خود در امور جهان، تصرف نموده، برخی امور را ایجاد و برخی دیگر را از میان بردارند؛ برخوردار بودن ائمه علیهم السلام از ولایت تکوینی، مسلم و قطعی است و در اثبات آن همین بس که قرآن کریم، برخوردار بودن از ولایت تکوینی را به افرادی نسبت می‌دهد که در جایگاهی پایین‌تر از ائمه علیهم السلام قرار دارند، به آیات ذیل دقت کنید:

«قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ»،^(۱)

«فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ * وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ * وَأَخْرَبِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ»،^(۲)

«أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ

۱. «کسی که نزد او دانشی از کتاب (الهی) بود گفت: من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر

هم زنی برایت می‌آورم»، سوره نمل بخشی از آیه ۴۰.

۲. «پس باد را در اختیار او قرار دادیم که هر جا می‌خواست به فرمان او آرام حرکت

می‌کرد و به زیر فرمان او در آورديم. همه بناها و غواصان دیوار، و گروه کثیری از

دیوها را در غل و زنجیر به زیر فرمان او کشیدیم. (سوره ص آیات ۳۶ الی ۳۸)



بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ»^(۱) در این میان آیات دیگری نیز وجود دارد که ولایت تصرف در جهان طبیعت را برای برخی افراد، مورد تأیید قرار می دهد.

حال که قرآن کریم، داشتن ولایت تکوینی را برای افراد فوق، به اثبات می رساند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشین ایشان نیز - که به تصریح قرآن (سوره رعد/ ۴۳) از علم کتاب برخوردار است - به طریق اولی از این ولایت، بهره می برند.

روایات متواتری وجود دارد که معجزات و کرامات معصومین علیهم السلام را به اثبات می رساند و از جمله آنها می توان به تصرف ولایی در تصویر شیر و تبدیل شدن آن به یک شیر درنده واقعی اشاره نمود.

ما بی هیچ تأویل و تفسیری، این روایات را می پذیریم چرا که معصومین علیهم السلام حتی پس از رحلت نیز کراماتی همچون درمان بیماری های لاعلاج، رفع دشواری ها و... را به مَنْصَه ظهور گذاشته اند. مگر نه این است که روح صدیقه کبری پس از غسل و کفن به بدن ایشان بازگشت و حسن و حسین علیهم السلام را در آغوش گرفت؟

ممکن است منکران سخن گفتن سر مبارک امام حسین علیه السلام،

۱. «من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می سازم آنگاه در آن می دمم، پس به اذن خدا پرنده ای می شود و به اذن خدا نابینای مادرزاد و پسر را بهبود می بخشم و مردگان را زنده می گردانم و شما را از آنچه می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم»؛ سوره آل عمران، بخشی از آیه ۴۹.



عدم وجود دلیل را علت انکار آن قلمداد کنند که در این صورت باید سری به کتابهای تاریخی بزنند و روایات فراوان مربوط به حادثه مذکور را مطالعه نمایند. (که مسلمات تاریخ را نمی توان انکار کرد).

به این ترتیب مشخص می شود که انکار حدیث «ظرف شیشه ای ام سلمه» توجیهی ندارد زیرا این حدیث، تصرف پیامبر صلی الله علیه و آله در طبیعت را خاطر نشان می سازد و به همان دلایلی که در مورد سخن گفتن سر مبارک امام حسین علیه السلام، عرض شد نمی توان رخداد آن را انکار کرد.

در مورد آب نخوردن حضرت عباس علیه السلام که به عنوان ایراد مطرح شده است باید گفت: تأمل در چگونگی شهادت ایشان، خود به خود پاسخی روشن به این ایراد است که؛ آب خوردن، توانایی ایشان را برای ادامه نبرد، افزون می کرد!^(۱)

شگفت آورترین ایراد مذکور در سؤال شما، این است که گریه کردن برای امام حسین علیه السلام، عملی غیر اسلامی و دور از تمدن محسوب می شود و این در حالی است که روایات متواتر، گریه کردن برای امام حسین علیه السلام را مورد تشویق قرار داده اند.

من پیش از این، ایراد مربوط به عدم آگاهی امام حسین علیه السلام از بسیاری امور و حوادث، از جمله شهادت در سرزمین کربلا را

۱. به این ایراد قبلا در سؤال ۳۳ پاسخ مفصل داده شد، مراجعه شود.



پاسخ گفته‌ام و اکنون برخی جوانب آن را بازگو می‌کنم:

۱- علم معصومین ناشی از شدت ارتباط آنها با مبدأ وجود بوده و از علم و اراده خداوند، سرچشمه می‌گیرد چراکه معصومین علیهم السلام، جایگاه علم خداوند هستند، علم آنها از علم خداوند و تابع اراده اوست و تنها و تنها چیزی را می‌خواهند که خداوند بخواهد، آنها با وجود این علم، اراده‌ای جز اراده خداوند متعال ندارند و اراده خداوند، بر اراده آنان مسلط است.

امام حسین علیه السلام در اشاره به این حقیقت می‌فرماید: «رضایت خداوند، رضایت ما اهل بیت است»،^(۱) به این معنا که من از شهادت و پاره پاره شدن بدنم آگاهی دارم اما عازم کربلا می‌شوم زیرا این کار، رضایت خدا را در پی دارد و رضایت خداوند، رضایت ماست.

برخی به امام حسین علیه السلام اعتراض نموده و او را از ادامه حرکت بر حذر داشتند که امام در پاسخ به آنان، حقیقت مذکور را مورد تأکید قرار داد و فرمود: «خداوند می‌خواهد کشته شدن مرا ببیند»^(۲).

۲- خداوند متعال به علم خود عمل نمی‌کند^(۳) چراکه در غیر این

۱. «رضی الله رضانا أهل البيت»

۲. «شاء الله أن يراني قتيلا»

۳. چون خداوند می‌داند چه خواهد شد بدون امتحان باید عذاب می‌کرد یا ثواب می‌داد اما به علم خود عمل نمی‌کند و فرصت امتحان به مخلوقات می‌دهد تا بر خودشان نیز ثابت شود آنچه خدا می‌داند به چه علت درست بود.



صورت - به تصریح روایات - هیچ پیامبری را مبعوث نمی‌کرد، کتابی نمی‌فرستاد و به ارائه استدلال برای بندگان خود نمی‌پرداخت؛ از همین رو معصومین علیهم‌السلام هم که پرتو علم خود را از علم خداوند، اقتباس نموده‌اند، به علم خود عمل نمی‌کنند. (و مثل مردم عادی یا اخبار ظاهری که می‌شنوند تکلیف خود را مشخص می‌کنند چون علوم باطنی در بسیاری از موارد تکلیف، نمی‌آورد).

نقش عقل در اعمال روز عاشورا

س ۶۴: عاشقان ابا عبدالله علیه‌السلام ایام عاشورا کارهای زیادی انجام می‌دهند؛ نقش عقل بشر در این کارها چیست؟

ج: **بأسم حطبت اسماء**

نقش عقل در این مرحله، با دو هدف مشخص می‌شود:

اول؛ کار برای نگاه داشتن ریشه‌های عاشورا به عنوان یک مناره فکری نورانی در جهان؛ از این رهگذر که این امر جزء شعائری است که به ما دستور احیای آن داده شده و فرموده‌اند: «امر ما را زنده بدارید، خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند»^(۱).

دوم؛ بهره‌گیری از این سالروز با استفاده از آنچه با اهداف امام حسین علیه‌السلام تناسب دارد و تطابق آن‌ها با سلوک عملی حیات فردی و اجتماعی خود.

۱. احیوا امرنا، رحم الله من احیی امرنا؛ الانتصار، ج ۹، ص ۳۳.

سال و محل تولد حضرت رقیه و همراهی ایشان با امام حسین علیه السلام
 س ۶۵: حضرت رقیه در چه سالی و کجا متولد شده است؟ آیا حضور
 ایشان در کاروان امام حسین علیه السلام و سفر امام به سوی کوفه قطعی است؟

ج: باسما حلت اسمانه

آنچه از تاریخ برمی آید این است که حضرت رقیه علیها السلام بین سال
 ۵۷ و ۵۸ هـ. ق در مدینه منوره متولد شد و وفاتش در دهم صفر
 ۶۱ هجری^(۱) در دمشق می باشد، پس سه تا چهار سال داشته
 است.

ارباب مقاتل در مورد حضور او در واقعه کربلا نقل کرده اند که
 امام حسین علیه السلام در بیشتر از یکجا و یک حادثه، نام او را به زبان
 رانده به خصوص در ساعات آخر عمر شریف آن حضرت، زمانی
 که می خواست با اهل و عیالش وداع کند با صدای بلند ندا داد:
 ای خواهرم، ای ام کلثوم و تو ای زینب و تو ای رقیه و تو ای
 فاطمه و تو ای رباب بنگرید اگر کشته شدم گریبان چاک نکنید و
 چنگ به صورت نزنید و بیتابی نکنید. «اللهم فیه قتل
 الطفوف». وهم چنین در مقتل ابی مخنف که قدیمی ترین مقتل
 درباره اباعبدالله الحسین علیه السلام می باشد آمده که در روز عاشورا
 برای وداع با اهل بیت و عیالش ندا کردند:
 (ای ام کلثوم، و ای سکینه، و ای رقیه و ای عاتکه و ای زینب، ای
 اهل بیت من درود من بر شما باد).

۱. ستاره درخشان شام، ص ۲۱۹.



اسناد موجود درباره حضرت رقیه علیها السلام در منابع اهل سنت

س ۶۶: آیا اعتقاد به وجود مقدس حضرت رقیه، جزء باورها و اعتقادات خاص شیعیان است و یا در منابع اهل سنت نیز می توان مصادری یافت که گویا و معترف به وجود حضرت رقیه باشند؟
جهت استناد به این منابع برای شیعه و سنی، لطفاً به آنها اشاره بفرمایید.

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمُهُ

از منابع تشیع که درباره حضرت رقیه سخن گفته اند می توان به ارباب مقاتل و از منابع اهل سنت نیز می توان به منابع زیر اشاره نمود:

عبدالوهاب فرزند احمد شافعی مصری (متوفی در سال ۹۷۲ هـ) در کتابش «المنن: باب دهم» درباره مرقد رقیه علیها السلام چنین گفته است:

این خانه، بقعه‌ای است در دمشق که به وسیله آل پیامبر صلی الله علیه و آله و رقیه شهیده، دختر حسین علیه السلام شرف پیدا کرده است.
علامه شیخ حافظ سلیمان القندوری الحنفی (متوفی در سال ۱۲۹۴ هـ) نام رقیه علیها السلام را از زبان اباعبدالله علیه السلام ذکر کرده:
(پس ندا کرد ای ام‌کلثوم، و ای سکینه، و ای رقیه، و ای عاتکه، و ای زینب، و ای اهل بیت من درود من بر شما باد).
علامه حائری در کتاب معالی السبطين می نویسد:
دختران امام حسین علیه السلام عبارتند از: سکینه، فاطمه صغری،

فاطمه کبری و رقیه علیهنّ السّلام. (۱) مادرش طبق نقل‌ها؛ امّ اسحاق و امّ جعفر قُضاعیه یا شاه زنان بوده است. (۲)

سرگذشت حضرت رقیه علیها السلام در واقعه عاشورا

س ۶۷: کیفیت وفات حضرت رقیه علیها السلام را بیان فرمایید و آیا روایت خطیبان از ماجرای شام، درباره اینکه ایشان پس از اینکه در خواب امام را دید و پس از آن با مشاهده سر بریده امام حسین علیه السلام از دنیا رفت، صحیح است؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

حضرت رقیه در واقعه کربلا، دختر بچه‌ای است که به خاطر کمی سنش، کشته شدن پدرش را از او پنهان نمودند.

کتب تاریخی درباره کیفیت شهادتش اینگونه گفته‌اند: حسین علیه السلام دختر کوچکی داشت که بسیار او را دوست می‌داشت و او نیز بسیار پدر را دوست می‌داشت و در شام به همراه اسیران بود؛ در فراق پدر شب و روز گریه می‌کرد به او می‌گفتند او در سفر است.

شبی پدر را در عالم رؤیا دید زمانی که از خواب بیدار شد بسیار بی‌تابی کرد و گفت: پدرم و نور چشمم را برایم بیاورید.

هر چه اهل بیت علیهم السلام خواستند او را آرام کنند بیتابی و گریه او بیشتر می‌شد: به خاطر گریه او حزن اهل بیت علیهم السلام برانگیخته شد و آنها نیز به گریه افتادند و بر سر و صورت زدند و بر سر خود

۱. ستاره درخشان شام، ص ۱۹۷.

۲. همان، ص ۱۹۹.



خاک ریختند و موها را پریشان کرده و صدای شیون و فریاد آنها بالا رفت. یزید فریاد و شیون آنها را شنید و گفت: چه خبر است؟ به او گفتند: دختر کوچک حسین علیه السلام پدرش را در خواب دیده، از خواب بیدار شده، پدرش را می خواهد و گریه می کند. زمانی که لعین این را شنید، دستور داد: «سر پدرش را برایش ببرید و در مقابلش قرار دهید تا آرام شود».

سر را در طبقی قرار داده و با پارچه ای پوشاندند؛ و در مقابلش قرار دادند. دختر پارچه را برداشت و سر را در بغل گرفت در حالی که این گونه می گفت: ای پدر چه کسی تو را با خونت خضاب کرد؟ ای پدر چه کسی رگ گردن تو را بریده؟ ای پدر چه کسی مرا در کودکی یتیم کرد؟ ای پدر یتیمه تا بزرگ شود چه کسی را دارد؟ ای پدر زنان بدون رو بند چه کسی را دارند؟ ای پدر بیوه زنان اسیر چه کسی را دارند؟ ای پدر چشمان گریان چه کسی را دارند؟ ای پدر گمشده های غریب چه کسی را دارند؟ ای پدر بعد از تو که را دارم؟ بعد از تو من چه ناامیدم، چه غریبم، ای پدر ای کاش من قربانی تو می شدم. ای پدر ای کاش قبل از این کور بودم. ای پدر کاش جان می دادم و محاسن به خون خضاب شده تو را نمی دیدم، پس لب هایش را بر لب شهید مظلوم قرار داد و گریه کرد تا اینکه بیهوش شد.

امام زین العابدین علیه السلام به عمه اش فرمود: ای عمه ای زینب، یتیمه را از روی سر پدرم بلند کن که زندگی را ترک کرده است زمانی که حضرت زینب او را تکان داد روح مطهرش، دنیا را ترک

کرده بود. صدای شیون و زاری بلند شد. گفته شده: اهل بیت برایش زن غسله ای آوردند که او را غسل دهد. او وقتی لباس های کودک را در آورد گفت من او را غسل نمی دهم، زینب فرمود: چرا او را غسل نمی دهی؟ گفت: می ترسم بیمار باشد زیرا پهلوهای او را کبود دیدم. زینب فرمود: به خدا سوگند او بیمار نیست ولیکن این ضربه تازیانه های اهل کوفه است.

ثواب زیارت حضرت رقیه علیه السلام

س ۶۸: آیا زیارت حضرت رقیه جزء زیارت مشاهد مشرفه به شمار آمده و از اجر و ثواب برخوردار است؟ آیا توسل و تضرع به حضرت رقیه جائز و در مظان استجاب قرار دارد؟

ج: باسم طلبت اسماء

حرم حضرت رقیه علیه السلام در فاصله صد متری مسجد اموی یا بیشتر از آن و در دمشق قرار دارد. مسلمانان شیعه و سنی در زیارت حرم شریفش جدیت کرده اند به طوری که اکنون در زمره مشاهد مشرفه ای قرار گرفته که مردم از هر گوشه و کنار دنیا به سوی او می شتابند. بسیاری از مردم با کوله باری از حوائج به قبر او پناه می برند و این یتیمه را شفیع و وسیله خود در درگاه خداوند قرار می دهند و خداوند حاجت های آنها را به برکت رقیه علیه السلام اجابت کرده و چه بسا بیمارانی که شفا یافتند و چه قرض داران که قرضشان ادا گشته و چه بسا گرفتارانی که هم و غمشان برطرف شده و چه بسا اندوه و سختی که زائل گشته است.



دسته‌های عزاداری در سالروز وفات ام البنین

س ۶۹: نظر تان درباره دسته‌های عزاداری در سالروز وفات ام البنین چیست؟ آیا این کار بدعت است؟

ج: **بسم‌حلت‌اسماء**

کسی که گفته این کار بدعت است معنای بدعت را نمی‌داند؛ و سخن صحیح آن است که این کار یکی از امور راجح و طاعات مستحب است.

مشروعیت دسته‌های عزاداری در روز وفات ام البنین

س ۷۰: عده‌ای با این بهانه که ام البنین جزء معصومین علیهم‌السلام نیست، مانع برپایی دسته‌های عزادار در سالروز وفات ایشان می‌شوند؛ نظر شما چیست؟

ج: **بسم‌حلت‌اسماء**

اگر جواز [برپایی عزاداری] مختص معصومین علیهم‌السلام بود، نباید برای عباس بن علی، علی اکبر، حضرت زینب و شهدا و قهرمانان کربلا و... عزاداری می‌شد. کسی که چنین حرفی را می‌زند از مردم عادی شیعه نیز نیست چه رسد به این که از علمای آنها باشد؛ همه مواردی که بر استحباب عزاداری نسبت به این افراد دلالت دارد بدون هیچ تفاوتی، بر استحباب عزاداری برای این زن بزرگ معظم نیز دلالت می‌کند. من برای کسانی که این دسته‌های عزاداری را برپا می‌کنند دعا می‌کنم و از ایشان می‌خواهم مرا دعا کنند.



بخش پنجم:

زیارت نامه‌ها

آداب زیارت عاشورا

س ۷۱: آداب زیارت عاشورا چیست؟ آیا ابتدا باید دو رکعت نماز زیارت را به جا آورد و آنگاه زیارت را خواند یا آنکه شیوه دیگری را باید در پیش گرفت؟ زیارت نامه کمتر شناخته شده‌ای هم وجود دارد، آیا هر دو زیارت نامه، نتیجه یکسانی دارند یا خیر؟

ج: باسْمِ طَلَبِ اسْمَاءَ

من ابتدا یکی از زیارت نامه‌های امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) را می‌خوانم، آنگاه دو رکعت نماز می‌گزارم، سپس یک صد بار تکبیر می‌گویم، آنگاه زیارت عاشورا را می‌خوانم، بعد از آن یک صد بار ستمکاران را لعنت می‌کنم و یک صد بار سلام و درود می‌فرستم، آنگاه دعای وارده در این زمینه را می‌خوانم، سپس در سجده دعا می‌کنم، بعد از آن دو رکعت نماز می‌گزارم و آنگاه دعای علقمه را می‌خوانم.

گمان من این است که با انجام اعمال مذکور، همه موارد وارده در روایات مختلف، رعایت می‌شود.

زیارت نامه کمتر شناخته شده‌ای که به آن اشاره کردید، ارزش خاص خود را دارد اما در مقایسه با زیارت نامه مشهور، از ارزش

کمتری برخوردار است روایاتی در دست است که فضیلت حیرت آور این زیارت نامه مشهور را آشکار می کند. امیدوارم که خداوند، ما و شما را توفیق دهد که همه روزه و تا آخرین روز عمر خود، زیارت عاشورا را به جا آوریم.

لعن های زیارت عاشورا در اصل زیارت

س ۷۲: آیا لعن های زیارت عاشورا در اصل بوده یا بعد به آن اضافه شده است؟

ج: **بسم حطبت اسماء**

در اصل بوده است و زیارت عاشورا با همه خصوصیاتش، سند معتبر دارد.

منظور از چهار ملعون در زیارت عاشورا

س ۷۳: در زیارت عاشورا آمده است: «خدایا، اولی، دوّمی، سوّمی و چهارمی را لعنت کن»^(۱)، این چهار ملعون چه کسانی هستند؟

ج: **بسم حطبت اسماء**

علما در تعیین مصادیق این چهار تن، دچار اختلاف شده اند و نمی توان به یقین، در مورد دیدگاه های آنان اظهار نظر کرد؛ زیارت عاشورا توسط امام باقر علیه السلام تعلیم داده شد و بهتر است که انسان هنگام خواندن عبارت مذکور، همان افراد مورد نظر امام باقر علیه السلام را مدّ نظر قرار دهد.

۱. اللَّهُمَّ الْعِنِ الْأَوَّلَ وَالثَّانِيَّ وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ



ابن مرجانه همان عبیدالله بن زیاد

س ۷۴: مقصود از ابن مرجانه در زیارت عاشورا کیست؟ و اگر مقصود، ابن زیاد است پس چرا ابن مرجانه به ابن زیاد عطف شده است؟

ج: باسم حطبت اسماء

ابن مرجانه همان عبیدالله بن زیاد است و عطف به واو به خاطر شناساندن بیشتر او و شاید تشریفی باشد، همچنان که می‌گوییم: «حسین بن علی، و ابن فاطمه»، البته احتمال دارد که عطف به واو، توهینی و برای بیان پستی پدر و مادر عبیدالله باشد چنانکه در زیارت می‌خوانیم: «و عبیدالله بن زیاد یعنی ابن مرجانه را لعنت کن.»^(۱) چون مادرش در زنا شهرت داشته است.

قوی بودن سند زیارت عاشورا و عدم شک در آن

س ۷۵: این روزها فرهنگ شبهه‌افکنی در مورد زیارت عاشورا، سند آن و ذکر لعن در آن، شایع شده است به گونه‌ای که برخی، زیارت عاشورا و سند آن را انکار می‌کنند و برخی دیگر بر این باورند که زیارت عاشورا اگر صحیح هم باشد، ذکر لعن در آن ساختگی است، نظر جنابعالی چیست؟

ج: باسم حطبت اسماء

سند زیارت عاشورا، آن قدر قوی است که نمی‌توان به هیچ روی، آن را مورد تشکیک قرار داد و ذکر لعنت در آن هم، در متن معتبر حدیث، وجود دارد.^(۲)

۱. اللَّهُمَّ الْعِنِ الْأَوَّلَ وَالثَّانِي وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ

۲. گاه بزرگان شیعه در تفسیر اول و ثانی... در این زیارت مورد سؤال واقع می‌شدند. آنها

صحیح بودن متن و سند زیارت عاشورا

س ۷۶: آیا متن و سند زیارت عاشورا صحیح است؟ و آیا در میان علمای شیعه، کسی هست که آن را ضعیف بداند؟

ج: **بإسْمِ حَلِیَّتِ اسْمَاءَ**

بله، متن و سند آن صحیح است و بعید می‌دانم که هیچ عالم محقق این زیارت نامه معتبر را ضعیف قلمداد کرده باشد، اینجانب بحمدالله پنجاه سال است که هر روز این زیارت نامه را می‌خوانم و از خداوند متعال می‌خواهم تا پایان عمر مرا از این توفیق، محروم نکند.

ایجاد شبهه در زیارت عاشورا توسط برخی طلبه‌ها

س ۷۷: سؤال الف) برخی طلبه‌ها در مورد جواز لعن، تشکیک می‌کنند و از همین رو ذکر لعنت و نفرین در زیارت عاشورا را نمی‌پسندند، دیدگاه شما چیست؟

سؤال ب) آیا می‌توان حقوق شرعی، کفاره و ندورات را به این تشکیک کنندگان اختصاص داد؟

ج: **بإسْمِ حَلِیَّتِ اسْمَاءَ**

الف: در قرآن و روایات معتبر و متواتر، برخی گروه‌ها مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. لعن کسانی که با اهل بیت علیهم السلام از در جنگ و دشمنی درآیند.
۲. لعن کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ستم کنند.

→ هیچ‌گاه سند را زیر سؤال نمی‌بردند بلکه تفسیرهایی برای این واژه‌ها می‌کردند.

۳. لعن کسانی که با اهل بیت علیهم‌السلام دشمنی کرده و کینه آنها را در دل داشته باشند.

۴. لعن کسانی که در اعتقادات و شیوه زندگی با اهل بیت علیهم‌السلام مخالف باشند و ولایت آنها را ترک کنند.

۵. لعن دروغگویان و یا کسانی که به خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دروغ بندند.

۶. لعن شراب فروش و حامل آن و نیز لعن کسی که درخت انگور را به منظور تهیه شراب در زمین، غرس کند و یا بر سر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب باشد حتی در صورتی که از آن ننوشد.

۷. در مورد زنا و سایر محرّمات مانند لعن کسی که استمنا کند.

۸. لعن کسی که برخی واجبات را ترک کند مانند زنی که بدون اجازه شوهر، از خانه خارج شود.

۹. لعن کسی که برخی مکروهات را انجام دهد و نیز موارد دیگری که روایات مربوط به آن، قابل شمارش نیست.

ب: خیر، اختصاص هیچ یک از حقوق شرعی به اینان جائز نیست. زیرا کسی که دین خود را از شبهات، حفظ نکند، چگونه می‌تواند از حقوق خدا که در اختیارش قرار می‌گیرد، پاسداری کند؟!

آثار و ثواب صد بار لعن و سلام زیارت عاشورا

س ۷۸: آیا می‌توان به هنگام خواندن زیارت عاشورا، لعن و سلام را یک بار ذکر کرد اما در پایان گفت: (صدبار) و عبارت آن را بدین صورت

قرائت نمود که: «خداوندا! نخستین ستمکار در حق محمد و آل محمد و نیز آخرین پیرو آن ستمکار را لعنت کن. خدایا! لعنت کن آن گروهی را که با حسین علیه السلام جنگیدند، با دشمنان او همراهی و بیعت کردند و بر قتل او اصرار ورزیدند، خداوندا! همه را لعنت کن یک صد بار»^(۱)؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

تکرار صد باره لعن و سلام در زیارت عاشورا، آثار و ثوابی دارد که در قرائت مورد نظر شما یافت نمی شود.

استحباب زیارت عاشورا در غیر عاشورا

س ۷۹: آیا خواندن زیارت عاشورا در روزهایی غیر از روز عاشورا، مثلاً در ماه مبارک رمضان یا روز جمعه به قصد ورود یا رجاء مستحب است؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

بلی، مستحب است.

زیارت عاشورا از احادیث قدسیه

س ۸۰: آیا زیارت عاشورا حدیث قدسی است یا نه؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

روایات متعددی در فضیلت و کیفیت آن از امامین صادقین علیهم السلام رسیده است، ولی همانگونه که حاجی نوری رحمته الله علیه می فرماید این زیارت از احادیث قدسیه و از مُنْشِئَاتِ حضرت حق تعالی است.

۱. اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ. اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً مِائَةً مَرَّةً.

تفسیر جمله «یا وارث آدم صفة الله»

س ۸۱: در زیارت وارث آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ»^(۱)، پرسش من این است که: حال که همه فضائل انبیاء علیهم‌السلام از سوی رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت وی علیهم‌السلام به آنها افاضه شده است، پس چگونه می‌توان سیدالشهدا علیه‌السلام را وارث آدم، نوح و ابراهیم علیهم‌السلام دانست؟ از این گذشته، نور امام حسین علیه‌السلام پیش از انبیای گذشته علیهم‌السلام آفریده شده است، پس چگونه می‌تواند وارث آنان باشد و حال آنکه خلقت وی پیش از آنان، صورت پذیرفته است؟

ج: باسم حلت اسماء

وراثت، گاه به معنای انتقال و گاه به معنای همانندی است، به عنوان مثال اگر عالمی فوت کند و شخصیتی همانند او در علم و پرهیزگاری وجود داشته باشد می‌گویند: وی وارث آن عالم است، سیدالشهدا علیه‌السلام نه به معنای نخست که به معنای دوم، وارث انبیاء علیهم‌السلام است و هیچ ایرادی متوجه این امر نیست.

تفاوت موجود میان دو واژه «اجسام» و «اجساد»

س ۸۲: در برخی زیارت‌نامه‌های امام حسین علیه‌السلام آمده است: «صلوات خدا بر شما، روحها، اجساد، شاهد، غایب، ظاهر و باطن شما

۱. سلام بر تو ای وارث برگزیده خدا آدم، سلام بر تو ای وارث پیامبر خدا نوح، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل الله؛ کامل الزیارات، ص ۲۰۵-۲۲۸-۲۸۸-۳۱۱.

باد»^(۱)، می‌خواهم تفاوت موجود میان دو واژه «اجسام» و «اجساد» را بدانم؛ آیا این دو یک معنا دارند یا اینکه معنای آنها متفاوت است؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

جسد هم برای دلالت بر مفهوم بدن بکار می‌رود و هم برای دلالت بر مفهوم «خون».

جسم نیز هم وجود مادی را در بر می‌گیرد و هم وجود نوری و مثالی، بنابراین این احتمال می‌رود که مراد از اجساد، خون و مراد از اجسام، بدن باشد.

این احتمال هم وجود دارد که اجساد به معنای بدنهای مادی و اجسام به معنای اجسام نوری یا مثالی باشد، به هر حال چه احتمال نخست، صحیح باشد و چه احتمال دوم، قدر مسلم آن است که هر دو معنا، شایستگی سلام و تحیت را دارند.

ضَمَّنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ وَ تَأْرَكَ

س ۸۳: ابن قولویه قمی در کتاب «کامل الزیارات» زیارت‌نامه ای را از قول امام صادق علیه السلام برای زیارت امام حسین علیه السلام نقل کرده است، امام صادق علیه السلام در این زیارت‌نامه، جدش امام حسین علیه السلام را چنین مخاطب خود قرار می‌دهد که:

«خداوند، زمین و مردمان آن را مسؤول خون و انتقام تو قرار داد»^(۲)

۱. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَامِكُمْ وَعَلَىٰ شَاهِدِكُمْ وَعَلَىٰ غَائِبِكُمْ وَعَلَىٰ ظَاهِرِكُمْ وَعَلَىٰ بَاطِنِكُمْ. مدرک: مصباح الْمُتَهَجِّد، ج ۱، ص ۷۲۱.
 ۲. ضَمَّنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ وَ تَأْرَكَ. کامل الزیارات، ص ۲۱۶.

معنای این بخش از زیارت نامه مذکور و به خصوص عبارت «ضَمَّنَ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا» چیست؟ «دَم» و «تَأْر»^(۱) به چه معنا هستند و آیا معنای واحدی ندارند؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

به نظر می‌رسد که مراد از «ضَمَّنَ» این است که خداوند همه انسانها را مسؤول و عامل جنایت قتل حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌داند، می‌گویند: ضَمَّنَ فُلَانٌ فُلَانًا قِيَمَةَ مَالِهِ الَّذِي أَتْلَفَهُ^(۲)، یعنی جبران ارزش مال خود را بر عهده او گذاشت، حرف واو در عبارت «وَأَتْرَكَ» عطف تفسیری بوده و تنها برای توضیح مطلب، آورده شده است.

ذکر سندی معتبر برای زیارت ناحیه

س ۸۴: آیا زیارت ناحیه از سند خاصی بهره می‌برد؟

آیا سند آن معتبر است؟

و در صورت عدم برخوردارگی از یک سند خاص، آیا مضمون آن صحیح و ثابت شده است؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

واژه زیارت ناحیه برای دو نوع زیارت به کار می‌رود:

۱. زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ که در کتاب «المزار الکبیر» از

۱. دم و تأر هر دو به معنی خون می‌باشند.

۲. شخصی مال شخصی دیگر را تلف کرد و به همین خاطر آن شخص، جبران ارزش مال خود را بر عهده او گذاشت.



بزرگ‌ترین کتاب‌های معتبر زیارت آمده و بی تردید از زیاراتی است که از معصومین علیهم السلام، نقل شده و توسط علمای بزرگ شیعه، ثبت شده است. هر چند برخی عبارات این زیارت، مورد انتقاد قرار گرفته است اما در اعتبار و انتساب آن به معصومین علیهم السلام، تردیدی وجود ندارد زیرا به تصریح صاحب کتاب «المزار الکبیر»، این زیارت از جمله زیاراتی است که امام عصر علیه السلام آن را به یکی از نواب اربعه تعلیم داده است.

۲. زیارت شهدای کربلا که آن هم از زیارت نامه‌های معتبر است تا جایی که برخی علمای رجال از این زیارت نامه برای تأیید نام اصحاب حسین علیه السلام در روز عاشورا استفاده می‌کنند و ذکر نام، ستایش و درود بر آنان از سوی امام عصر علیه السلام را بهترین نشانه تأیید آن می‌دانند.

زیارت امام حسین علیه السلام از جمله عوامل آمرزش گناه

س ۸۵: آیا زیارت امام حسین علیه السلام موجب آمرزش همه گناهان می‌شود؟

ج: **بأسم حطت السماء**

در روایات متعدد می‌خوانیم که زیارت امام حسین علیه السلام از جمله عوامل آمرزش گناه محسوب می‌شود اما این امر نه به صورت علیت تامه، که به صورت اقتضایی است و این بدان معناست که تأثیرگذاری زیارت امام حسین علیه السلام در گرو تحقق شرایط و عدم وجود موانع می‌باشد؛ درست همانند آتش که ذاتاً سوزاننده است اما تنها در صورتی تأثیرگذاری خود را اعمال می‌کند که



شرایطی همچون نزدیک شدن یک جسم خاص به آن، حاصل شود و موانعی چون رطوبت و ماندن آن در کار نباشد.

برترین زیارت نامه برای امام حسین علیه السلام

س ۸۶: برترین زیارت نامه برای زیارت امام حسین علیه السلام چیست؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

ترجیح زیارت نامه‌ای بر زیارت نامه دیگر، بسیار دشوار می‌نماید اما بر اساس دلایل موجود، زیارت عاشورا را بهترین زیارت نامه دانسته‌اند. تأثیر آن از حج مستحب، بیشتر است.

برتری زیارت امام رضا علیه السلام بر زیارت امام حسین علیه السلام

س ۸۷: زیارت امام حسین علیه السلام بهتر است یا زیارت امام رضا علیه السلام؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

روایاتی که زیارت امام رضا علیه السلام را برتر از زیارت امام حسین علیه السلام می‌دانند، علت آن را هم مورد اشاره قرار داده‌اند و از آن‌ها چنین برمی‌آید که این برتری، مطلق نیست، بلکه مربوط به زمان‌های گذشته می‌شود که مردم به خاطر مسائل امنیتی، کمتر به زیارت امام رضا علیه السلام می‌رفتند و تمایلی به زیارت ایشان نداشتند.

برای اثبات این موضوع، به روایت معتبری از علی بن مهزیار اشاره می‌کنیم و آن اینکه: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، زیارت امام رضا علیه السلام بهتر است یا زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام؟ فرمود: زیارت پدرم، برتر است زیرا همه مردم به

زیارت اباعبدالله می‌روند اما جز خواص شیعه، کسی به زیارت پدرم نمی‌رود»^(۱).

عبدالعظیم حسنی نیز در روایتی معتبر می‌گوید: «به امام جواد علیه السلام عرض کردم: نمی‌دانم به زیارت قبر اباعبدالله علیه السلام بروم یا به زیارت پدر شما علیه السلام، چه می‌فرمایید؟ فرمود: همانجا بایست، آنگاه در حالی که اشک بر گونه‌هایش جاری بود وارد شد و فرمود: زائران قبر اباعبدالله علیه السلام فراوان هستند اما زائران قبر پدرم در طوس اندک هستند»^(۲).

۱. الکافی: ۵۸۴: ۴، الحدیث ۱. کامل الزیارات: ۵۱۰، باب ۱۰۱، ۱۱. عیون أخبار رضا علیه السلام: ۲۶۵ / ۲، الحدیث ۲۶. من لا یحضره الفقیه: ۵۸۲: ۲، الحدیث ۳۱۸۳. تهذیب الأحکام: ۸۴: ۶، الحدیث ۱. مصباح الزائر: ۳۸۸. روضة المتقين: ۳۹۱: ۵. وسائل الشیعة: ۵۶۲: ۱۴، الحدیث ۱. بحار الأنوار: ۳۸: ۹۹، الحدیث ۳۴ و: ۳۹، الحدیث ۳۵. مرآة العقول: ۳۱۱: ۱۸. ملاذ الأخیار: ۲۱۶: ۹. موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱۱۱: ۴، الحدیث ۳۴.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲۵۹: ۲، الحدیث ۲. وسائل الشیعة ۵۶۳: ۱۴، الحدیث ۳. بحار الأنوار: ۳۷: ۹۹، الحدیث ۲۶. موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱۱۰: ۴، الحدیث ۳۳.



بخش هشتم:

احکام عزاداری

ضابطه شرعی برپایی عزاداری

س ۸۸: ضابطه شرعی برپایی عزاداری حسینی چیست؟

ج: **بِاسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ**

عزاداری؛ الف: نمایانگر مظلومیت و در عین حال عظمت حرکت
امام حسین علیه السلام باشد؛ ب: یکی از راه‌های ابراز حزن و جزع
باشد؛ ج: شامل هیچ فعل حرامی نشود، و مستلزم آن نیز نباشد.

توفیقی بودن عزاداری حسینی

س ۸۹: نظر تان درباره این سخن چیست: «عزاداری جزء امور توقیفیه
است.»؟

ج: **بِاسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ**

این حرف که عزاداری جزء امور توقیفیه است، حرفی اشتباه
است و دلیلی بر آن وجود ندارد؛ بلکه ادله، نشان دهنده
محبوبیت تعظیم عزاداری است، اما تطبیق عنوان عزاداری بر
مصادیق آن به مکلفین واگذار شده است.

ریشه عزاداری بر امام حسین علیه السلام در روایات معصومین علیهم السلام

س ۹۰: آیا برپایی عزاداری حسینی، سنت معصوم است که ما ملزم باشیم آن را انجام دهیم یا صرفاً تراوشات عاطفی و انفعالی و تحت تأثیر مظلومیت عظیم امام حسین علیه السلام است؟

ج: باسماحلت اسماء

یکی از فقها و محققین چه نیکو فرموده است که: «جزع و گریه در مصیبت‌ها، هر قدر مصیبت بزرگ باشد، مکروه و ناپسند شمرده شده است اما امام صادق علیه السلام در حدیثی معتبر می‌فرماید: «هرگونه جزع و گریه‌ای مکروه است مگر جزع و گریه بر حسین علیه السلام»^(۱).

و گریبان چاک زدن و صورت خراش دادن بنا بر قول مشهور حرام است اما امام صادق علیه السلام در حدیثی معتبر می‌فرماید: «بر مثل حسین باید که گریبان چاک زد و به صورت زد و گونه خراشید».

و اذیت نفس و خونین کردن بدن به‌ویژه از سوی بزرگان و ارباب عزاداری مذمت شده است، اما امام مهدی (عج) در زیارت ناحیه می‌فرماید: «من صبح و عصر بر تو ندبه می‌کنم و به جای اشک‌ها بر تو خون می‌گریم»^(۲).

۱. کل الجزع و البكاء مکروه سوی الجزع و البكاء علی الحسین علیه السلام؛ امالی طوسی، ص ۱۶۱.

۲. فلا ندینک صباحا و مساء ولأبکین لک بدل الدموع دما؛ المزار الکبیر، ص ۴۹۶-۵۱۴.

پیش از آن جدش امام زین العابدین علیه السلام این سخن را فرموده بود. با این سخنان روشن می‌شود که همه شعائر حسینی ریشه در روایات معصومین علیهم السلام و احادیث مبارکشان دارد و صرفاً تراوشات عاطفی نیستند.

تطبیق آیه‌ای از قرآن با شعائر مبارک حسینی

س ۹۱: آیا ممکن است آیه مبارکه «ذَٰلِكَ مَن يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ» را بر شعائر مبارک حسینی مثل بر سر زدن و گریه تطبیق داد؟

ج: با سبب طاعت اسماء

شعائر الهی نشانه‌هایی است که خداوند برای اطاعتش قرار داده است پس بر صورت زدن و گریه بر حسین علیه السلام از بزرگ‌ترین نشانه‌های الهی است.

شعائر الهی از عناوین توقیفیه

س ۹۲: بر فرض صحت تطبیق آیه «تعظیم شعائر» بر شعائر حسینی، آیا این آیه فقط بر شعائر حسینی که مستقیماً در روایات به آن دستور داده شده است مثل گریه تطبیق می‌یابد یا این که بر هر کاری که از شعائر حسینی در عرف شمرده می‌شود اگرچه در مورد آن شعائر نصّ مستقیم نباشد؟ و در یک کلام مختصر؛ آیا عنوان (شعائر الله) از عناوین توقیفیه است یا نه؟

→ مصباح الزائر، ص ۲۲۴-۲۳۴؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷، ح ۸، و ص ۳۲۸، ح ۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۵، ح ۱۶؛ موسوعة زیارات المعصومین، ج ۳، ص ۶۶؛ ح ۱۰۶، و ص ۴۰۹، ح ۳۰.

ج: باسملط اسماء

شعائر الهی از عناوین توقیفیه نیست.

شرایط گریه بر امام حسین علیه السلام برای بخشش گناهان

س ۹۳: در روایات متعدد آمده که گریه بر سیدالشهداء علیه السلام باعث بخشش همه گناهان می باشد اگرچه گناهان خیلی زیاد باشد. بعضی تعجب می کنند که چه طور ممکن است که چند قطره اشک باعث بخشوده شدن گناهان بزرگ باشد. امیدواریم که توضیح بفرمایید.

ج: باسملط اسماء

این جملات در مقام بیان مقتضی مانند آن که؛ «آتش می سوزاند» است. همان طوری که این جمله شرائطی دارد مانند تماس داشتن و نبود موانعی مانند رطوبت، که با عدم شرط و وجود مانع، سوزنده نیست.

همین طور این جمله که گریه بر امام حسین علیه السلام موجب بخشش گناهان است شرایطی دارد از قبیل عقاید حقه و ندامت از گناهان گذشته و بنا داشتن بر مرتکب نشدن آن گناهان در زمان های آینده و ادای حق الناس و...

جزع و بی تابی در مسائل اهل بیت علیهم السلام

س ۹۴: معنی و مفهوم جزع و بیتابی چیست؟ و آیا بی تابی بر مصائب اهل بیت علیهم السلام از عمومیت حکم کراهت بی تابی در موقع مصیبت مستثنی شده است؟

ج: باسملط اسماء

جزع، آشکار کردن غم و ناراحتی است و مقابل جزع، صبر است. معنی شایع جزع و بی تابی، در اصطلاح جزع بر مصیبت است و در روایات نهی از بی تابی موقع مصیبت زدگی وارد شده است و فقها به زشتی و کراهت آن فتوا داده‌اند، لکن امام صادق علیه السلام در حدیثی معتبر می‌فرمایند: گریه و بی تابی همه جا مکروه است مگر بر حسین صلوات الله علیه.

در نص‌های صریح به گریه و تباکی (حالت گریه پیدا کردن) برای امام حسین علیه السلام دستور داده‌اند و تحریر و تشویق بر این امر بدانجا رسیده است که اشکی به اندازه بال مگسی را سبب بخشش تمام گناهان شمرده‌اند.

جائز نبودن خواندن روضه وهن آمیز

س ۹۵: آیا خواندن روضه ضعیف و وهن آمیز، که در کتب تاریخی و معتبر وجود ندارد، با عنوان تسامح در ادله سنن جائز است؟

ج: باسملط اسماء

خواندن روضه وهن آمیز جائز نیست بلاشک؛ اما ضعیف یعنی راوی آن قضیه موثق نباشد، بلی؛ به مقتضای قاعده تسامح در ادله سنن می‌توان خواند.

بر سر و صورت زدن در مجالس عزا

س ۹۶: آیا بر (سر و صورت) زدن در مجالس عزای معصومین شرعاً رُجحان و برتری دارد؟ دلیل چیست؟

ج: باسملیت اسماء

حرفی در این نیست که پایدار ماندن اسلام برخاسته از قیام و نهضت رسول خدا، فقط با تحمل مصائب توسط ائمه معصومین علیهم السلام استمرار یافت و زنده کردن آن نهضت فقط با شعائری که شیعه به اقامه آنها مقید می باشد، چنانچه در هر نقطه جهان این مجالس برگزار می شود و شیعه در آن عزاداری کرده و بر سر و سینه می زند، عمل جائزی است و آنگاه که عنوان شعائر اسلامی بر آنها منطبق باشد رُحمان نیز پیدا می کند.

غلتیدن در گِل برای عزاداری

س ۹۷: آیا غلتیدن در گِل و گِل مالی کردن تمام بدن تحت عنوان عزاداری امام حسین علیه السلام جائز است؟

ج: باسملیت اسماء

غلتیدن در گِل کار صحیحی نیست، اما مختصری به عنوان عزاداری به پیشانی زدن مطلوب است.

مالیدن گل بر لباس یا پیشانی افرادی که راضی نباشند

س ۹۸: آیا گل مالی کردن عزاداران در حال عزاداری، توسط بعضی، چنانچه بعضی از عزاداران به دلیل گلی شدن لباس یا به دلیل دیگر ناراضی باشند، جائز است یا نه؟

ج: باسملیت اسماء

اگر راضی نباشند جائز نیست.

سخنرانی و سوگواری از افضل عبادات

س ۹۹: آیا حذف سخنرانی و وعظ و اندرز از مجالس عزاداری، به خاطر سوگواری بیشتر جائز است؟

ج: **بأسم حلت اسماء**

جمع بین هر دو از افضل عبادات است.

شنیدن روضه‌ها از طریق سایت‌های اینترنتی

س ۱۰۰: وقتی سایت‌های اینترنتی بسیاری وجود دارد که می‌توان از طریق آنها روضه‌ها و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام را گوش کرد، آن هم بدون اینکه زحمت رفتن به آن مجالس را داشت؛ فایده حضور در مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام چیست؟

ج: **بأسم حلت اسماء**

مطلوب شارع مقدس، فقط شنیدن مجالس حسینی نیست، بلکه مطلوب دیگر آن، اجتماع مردم است؛ و سخن امام رضا علیه السلام که فرمود:

«هر کس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (و خط و مرام ما) احیا می‌شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد»^(۱)؛
و سخن امام صادق علیه السلام:

«این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر ما را زنده بدارید.

۱. من جلس مجلسا یحیی فیہ امرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب؛ امالی صدوق، ص

خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند»^(۱)؛ بر این مطلب دلالت می‌کند.

نیز، بر کسی اهمیت اجتماع در تعظیم شعائر حسینی و استحکام و نشان دادن نیروی آن پوشیده نیست؛ و خواسته شارع در راستای همین منافع است.

تمسخر سخنانان منبر حسینی

س ۱۰۱: آیا ریشخند و تمسخر سخنان منبر حسینی و انتقاد شدید از آنها با این بهانه که عقول مردم را به سخره می‌گیرند و فقط از خواب‌ها حرف می‌زنند؛ جایز است؟ در حالی که این سخنان کذب و تهمت زدن به آنها است؟

ج: با مسخرت اسما

سخنران‌های منبر حسینی (اعزهم الله تعالی) قربانی شدن امام حسین علیه السلام را پیش چشم آشکار می‌کنند و از شعائر مبارک حسینی - که بقای اسلام به آنها است - حمایت می‌کنند؛ به همین دلیل تمسخر و ریشخند آنها قطعاً حرام است.

طرح مباحث سیاسی در عزاداری‌ها

س ۱۰۲: آیا جایز است در سخنرانی‌های حسینی و دسته‌های عزاداری درباره مسائل سیاسی سخن گفته شود؟

۱. ان تلک المجالس احبها، فاحیوا امرنا رحم الله من احیی امرنا؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۰.



ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

هدف اساسی از منابر شریف حسینی و هیأت‌های معظم عزاداری احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام از طریق برانگیختن مظلومیت و مصیبت‌های ایشان و تبیین ارزش‌ها و اصول آنها می‌باشد؛ در نتیجه اگر موضوع سیاسی، ابعاد شرعی و دینی - و نه صرفاً موضوع سیاسی - داشته باشد در سایه موازین شرعی، پرداختن به آن صحیح می‌باشد در غیر این صورت خیر.

بردن کودکان به عزاداری و مجالس فاتحه

س ۱۰۳: آیا بردن اطفال به مجالس تعزیه و عزاداری یا مجالس فاتحه رجحان دارد؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

بردن کودکان به آن مجالس نه تنها مانعی ندارد، بلکه خوب است تا کودک به حضور در چنین مجالسی عادت کند، و از یک سو حس دینی و از سوی دیگر حس اجتماعی او رشد یابد.

پرداخت مبلغ گزاف به مداح

س ۱۰۴: گاهی دیده می‌شود در بعضی مجالس جهت عزاداری ده شب اول ماه محرم مداحی دعوت شده و مبلغی حدوداً یک الی چهار میلیون تومان به او پرداخت می‌شود.

ضمناً بعضی از مداحین قبلاً مبلغ مذکور را قطعی می‌کنند و چک می‌گیرند. آیا پرداخت این پول‌ها با وجود فقرای نیازمند و لزوم احتیاجات اولیه اشکال شرعی دارد؟

ج: باسم طهت اسماء

چنانچه این وجه از پول های معین شده برای عزاداری نباشد و از اموال شخصی خودشان باشد، اشکال شرعی ندارد و اگر این مبلغ را به مداح ندهند و به فقرا بدهند (که معمولا چنین نیست) کار خوبی است.

ثواب اطعام در مجالس عزاداری ائمه علیهم السلام

س ۱۰۵: آیا اطعام عزاداران در مجالس عزای معصومین علیهم السلام از کارهای راجح و ثواب است؟ و دلیل رُجحان آن چیست؟

ج: باسم طهت اسماء

هیچ اشکالی در زنده کردن مصائب اهل بیت علیهم السلام نیست که آن مصائب موجب تقویت دین و احیای شعائر دینی است. از جمله اسباب زنده کردن، تشکیل مجالس برای ادای حق بزرگ آنهاست و چگونگی این امر راه هایی دارد که یکی از نمونه های بارز آن اطعام می باشد. این مسأله موجب نشر دین می گردد.

پخت غذای حسینه در جای دیگر و صرف آن در حسینه

س ۱۰۶: آیا جائز است برنج حسینه را برای مراسم اربعین حسینی و یا مراسم دیگر، به خارج از حسینه برده و در جای دیگر، آن را پخت کنند؟

ج: باسم طهت اسماء

مصرف در جای دیگر و برای جمعیت دیگر جائز نیست؛ ولی پخت در جای دیگر و صرف در حسینه و یا برای جمعیت حسینه جائز است.

معاوضه اموال حسینه

س ۱۰۷: آیا جائز است که برنج خارجی موجود حسینه با برنج دیگر معاوضه، و در حسینه پخت شود؟

ج: **بأسم حلت اسماء**

معاوضه برنج خارجی با برنج دیگر و صرف در حسینه جائز است.

دادن مخارجی که به نام حسینه گرفته شده به فقرا

س ۱۰۸: آیا جائز است خدمه به نام حسینه، از چند نفر پول جمع کنند و برنجی را برای حسینه با آن پول بخرند و در حسینه برای مراسم اعیاد و وفیات ائمه اطهار علیهم السلام پخت کنند، بعد، درخواست همان مقدار برنج خارجی از حسینه را بنمایند و آن برنج را گرفته، به خیریه و فقرا بدهند؟

ج: **بأسم حلت اسماء**

آن پول جمع شده که با آن برنج خریدند و صرف در حسینه شده است، چیزی به ازای آن حق ندارند و درخواست مذکور بی مورد است و نمی شود از برنج حسینه به آن ها داد.

اذن خدمه و دست اندرکاران حسینه از متولی حسینه

س ۱۰۹: آیا کسی از خدمه و دست اندرکاران حسینه می تواند بدون اذن متولی، امنای حسینه و هیئت مدیره که از نظر شرع و قانون رسمی هستند، در حسینه فعالیتی، دخالتی و یا عملی انجام دهد، از نظر شرع مأذون است؟



ج: باسم طلبت اسماء

خیر، شرعاً مأذون نیستند.

تحویل پول جمع آوری شده توسط خدمه به دفتر حسینیہ

س ۱۱۰: آیا کسی از خدمه و یا دست اندرکاران حسینیہ می تواند تحت عنوانی به نام حسینیہ (تحت عنوان؛ آشپزخانه، خدمه حسینیہ، خیمه حسینیہ، برق حسینیہ، چراغ و لاله حسینیہ و غیره) پول جمع آوری کند و متولیان و امانا و هیئت مدیره مخالف باشند؟
با توجه به این که همه هزینه های مناسبت ها را حسینیہ با فاکتور رسمی می پردازد و اعلام کرده که هر نوع پولی را فقط باید دفتر حسینیہ تحویل بگیرد و برابر پول تحویل گرفته شده، رسید و مهر رسمی حسینیہ داده شود.

ج: باسم طلبت اسماء

چنان چه پول جمع شده را تحویل دفتر حسینیہ بدهند، اشکال ندارد، و اما خودشان بخواهند مصرف کنند، جائز نیست.

خرج داده شده توسط بانی به حسینیہ و چگونگی مصرف آن

س ۱۱۱: آیا جائز است اگر متبرعی برای یک روز خاص در حسینیہ درخواست کرد که برایش پخت کنند، آن را در روز دیگری پخت نمایند و یا اضافه پخت آن را در روز دیگر پخت کنند، بدون این که متبرع اطلاع داشته باشد؟
یا این که برای یک پخت، دو بار پول بگیرند و پول دوم را هزینه پخت دیگری در حسینیہ نمایند!؟

ج: باسم حطبت اسماء

در هر سه مورد سؤال، جواب منفی است و جائز نیست.

استفاده از وسایل خریداری شده از پول عزاداران هیأت

س ۱۱۲: وسایلی از پول عزاداران هیئتی خریداری می شود، اگر یک یا چند نفر از اعضای هیئت به استفاده آن وسایل در جاهای دیگر راضی نباشند، آیا می توان از آن وسایل در جای دیگر استفاده کرد؟

ج: باسم حطبت اسماء

چنان چه صاحبان پول در وقت پول دادن مقید کنند که در جای دیگر از آن چیزهایی که از این پول خریداری می شود استفاده نکنند، جائز نیست.

شیوه مداحی برای اهل بیت علیهم السلام

س ۱۱۳: اینجانب مداح اهل بیت علیهم السلام می باشم، اگر برای مداحی، احادیثی در فضائل اهل بیت و مظلومیت آنها بگویم و از کتاب هایی چون منتهی الامال، نفس المهموم، بکاء الحسین، ریاحین الشریعه و... استفاده کنم آیا اشکال دارد یا خیر؟ در صورت عدم اشکال آیا بنده اجازه دارم یا خیر؟

ج: باسم حطبت اسماء

چنانچه غلو نباشد مطالبی که در کتب مقاتل نوشته شده است اشکال ندارد، چون شنیده ام در ایام عزاداری و ذکر مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام مطالب غلوآمیز بسیار رائج شده است و به همین دلیل بهتر است شما هم در هنگام مداحی منابع

آن را برای مردم ذکر کنید. و توضیح دهید که از کتب و منابع موثق و مجاز استفاده می‌کنید. مداحی منصب بزرگ و بسیار با فضیلتی می‌باشد و شایسته است که با مطالب غیر مشروع و غیر صحیح آن را نابود نکنید.

بدعت دانستن شعائر حسینی توسط اشخاص منحرف

س ۱۱۴: حکم شخصی که گفتن یا علی، و یا حسین را بدعت و غیر جائز می‌داند چیست؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

چنین شخصی منحرف است و باید تعلم نموده و خود را موافق با مستحبات و واجبات کفائیه قرار دهد. (اما کافر نیست).

تعزیه از بهترین عبادات

س ۱۱۵: آیا تعزیه و اجرای آن درست است؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

تعزیه از بهترین عبادات است و می‌توان گفت از عوامل بقاء دین تعزیه است، خصوص برای حضرت سید الشهداء علیه السلام.

مسأله تشکل مرد به زن در تعزیه خوانی

س ۱۱۶: آیا تعزیه خوانی که مشتمل بر تشکل مرد و زن و کوچک کردن حضرت زینب علیه السلام و معرفی امام سجاد علیه السلام به یک فرد بیمار و پاشیدن نقل و نبات و زدن ساز و نقاره و امثال آنهاست جائز است؟ و شرکت در آن چه حکمی دارد؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

تشکل مرد به زن اشکالی ندارد؛ ولی باید مراعات مقام رفیع صدیقه صغری زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام بشود که هیچ گونه اهانت به آن‌ها نشود.

اهمیت نماز در ظهر عاشورا

س ۱۱۷: در ظهر عاشورا عزاداری امام حسین علیه السلام مقدم است یا نماز ظهر؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

وجود حضرت سیدالشهدا علیه السلام با آنکه ارزشش بسیار زیاد است؛ خود را فدای دین کرد و برای اقامه نماز و احیاء دین از جان خود و یاران با وفایش گذشت. بنابر این نباید در نماز کوتاهی کرد و لذا خود حضرت در حال جنگ - که اگر من و تمام نویسندگان بخواهیم ارزش و عظمت آن حال را بنویسیم؛ قادر نیستیم - جنگ را رها نمود و اقامه نماز نمود لذا نماز مقدم است.

ارتباط روز عاشورا و توبه

س ۱۱۸: یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های اخلاقی و نجات دهنده‌های همیشگی توبه است که بسیار مورد توجه قرآن بوده و در بسیاری از آیات تکرار شده است. آیا مهم‌ترین فرصتی که برای ورود به باب توبه به انسان داده شده، ایام عاشورا است یا ماه رمضان؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

ماه توبه چنانچه در نصوص شریف وارد شده، ماه رمضان است و محرم ماه حزن، مصیبت و عزاداری سید جوانان اهل بهشت

می باشد؛ و بر کسی پوشیده نیست که اهل بیت علیهم السلام، اشک ریختن بر حسین علیه السلام را گذرگاه بخشش و غفران تفسیر کرده اند. لذا بسیار خوب است که انسان لحظات ماه عاشورا را ایستگاه بازگشت به سوی خدا قرار دهد.

مسأله فروش پارچه های علم

س ۱۱۹: آیا جائز است پارچه و دستمال هایی را که ایام محرم بر سر علم می بندند به فروش برسانند و در عزاداری و تعمیر حسینیه و یا مسجد مصرف نمایند؟

ج: باسم حلت اسماء

چنانچه وقف آن کار به خصوص نشده باشد؛ اشکالی ندارد.

جزء شعائر محسوب شدن همه نوع عزاداری

س ۱۲۰: با توجه به اهمیت عزاداری و سفارش اکید ائمه هدی علیهم السلام مبنی بر عزاداری و گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام حضرت عالی چه توصیه ای بر عزاداران در نحوه عمل به این عبادت بزرگ می فرمایید؟

ج: باسم حلت اسماء

همه نوع عزاداری از شعائر است مگر آنکه از محرّمات داخل شود که اساس را لکه دار می کند و از آن بدتر جملات کفرآمیز و عدم رعایت مقامات عالیّه ائمه هدی علیهم السلام و اهانت به مقدسات دین است.

دلیل تعطیلی بازارها و مغازه‌ها در ایام شهادت معصومین علیهم‌السلام

س ۱۲۱: در اینجا یک رسمی وجود دارد که برخی از دینداران مغازه‌ها و بازارهای تجاری خود را می‌بندند و وظایف شغلی خود را در ایام شهادت معصومین علیهم‌السلام رها می‌کنند، آیا این رسم از امور راجح است؟ علت رُجحانش چیست؟

ج: **بأسمِ حطبتِ اسماء**

این رسم رائج متشرعین است و هیچ نهی‌ای در شرع در مورد این عمل وارد نشده است. لذا مطلوب بودن آن فهمیده می‌شود مضاف بر آن، این عمل از مصادیق زنده کردن مقام معصومین علیهم‌السلام و انکار و تقبیح ظلم بر آنها می‌باشد.

سدّ معبر دستجات عزاداری حسینی علیهم‌السلام

س ۱۲۲: در دستجات عزاداری حسینی علیهم‌السلام که به خیابان و بازار می‌روند و باعث بسته شدن راه عبور می‌شوند آیا سدّ معبر حساب می‌شود؟ البته کسانی که از آن مسیر عبور می‌کنند اکثراً برای تماشای عزاداری می‌آیند.

ج: **بأسمِ حطبتِ اسماء**

این‌گونه سدّ معبر جائز و بی‌اشکال است.

مزدگرفتن بابت مداحی اهل بیت علیهم‌السلام

س ۱۲۳: مزدگرفتن بابت مداحی اهل بیت علیهم‌السلام و سخنرانی چه حکمی دارد؟

ج: **بأسمِ حطبتِ اسماء**

جائز است.

سیاه پوشیدن در عزاداری ائمه علیهم السلام

س ۱۲۴: با توجه به اینکه پوشیدن لباس سیاه مکروه است بفرمایید: آیا ضرورت دارد در عزای ائمه بپوشیم؟

ج: باسبب حلت اسماء

سیاه پوشیدن در عزای ائمه علیهم السلام بدون شک مکروه نیست بلکه مستحسن است، من خودم به پوشیدن سیاه مقیدم؛ و در غیر عزاداری هم کراهت پوشیدن سیاه معلوم نیست بلکه در زمان خاصی، زمان خلافت بنی عباس چون شعار آنان پوشیدن سیاه بود نهی شده است، فعلا هیچ اشکال ندارد.

جائز بودن پوشیدن لباس سیاه

س ۱۲۵: آیا پوشیدن لباس سیاه در مجالس عزای معصومین علیهم السلام شرعاً رُجحان و برتری دارد؟ دلیل رُجحانش چیست؟

ج: باسبب حلت اسماء

پوشیدن لباس سیاه به خودی خود جائز است و اشکالی ندارد و در این که سیاه پوشی از مصادیق زنده کردن امر ائمه شده و به نوعی بیان حزن به واسطه ظلم بر امام حسین علیه السلام است مطلبی است که اشکالی در آن نیست. چون زنان فاطمی برای عزای امام حسین علیه السلام چند سال سیاه پوشیدند و سیاه پوشی از مصادیق عزاداری که به آن دستور داده شده، می باشد و بین مردم نیز متعارف می باشد و عرف مردم سیاه پوشی را مصداق عزاداری شمارند.

شمایل معصومین به عنوان تبرک در عزاداری‌ها

س ۱۲۶: نظر جنابعالی در مورد شمایل معصومین که در عزاداری‌ها رائج است چیست؟

ج: **بِاسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ**

به عنوان تبرک به احتمال آن که امام به این صورت باشند اشکال ندارد، ولی نسبت دادن جزمی به آنها کذب و حرام است.

بر پا داشتن مجلس سوگواری با پول خمس نداده

س ۱۲۷: آیا با پول خمس نداده می‌توان مجلس سوگواری برپا داشت؟

ج: **بِاسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ**

حرام نیست، ولی با این تصرف، خمس اداء نمی‌شود و در ذمه باقی می‌ماند، باید پرداخت گردد.

وجوب حلال بودن مال در برپایی عزا

س ۱۲۸: آیا آنچه از اموال که در عزای ائمه طاهرین، خاصه امام حسین علیه السلام مصرف می‌شود باید **مُخَمَّس** باشد یعنی خمس آن پرداخت شده باشد؟

ج: **بِاسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ**

در عزای ائمه طاهرین علیهم السلام بهتر است مال حلال صرف شود، مالی که تخمیس نشده است صرف آن خلاف است.

گرفتن غذای اضافی

س ۱۲۹: آیا گرفتن چند غذا و نذری توسط یک نفر در مجالس عزاداری به گونه‌ای که غذا به دیگر عزاداران نرسد، جائز است؟

ج: باسملط اسماء

خیر جائز نیست، مگر با رضایت بانیان آن.

صدای بلندگوی مساجد

س ۱۳۰: بعضی از هیئات حسینی که مراسم شان تا نیمه شب طول می کشد بلندگویی در بیرون هیئت دارند که صدای آن تا صدها متر پخش می شود و بسیاری از مردم که بیمار و پیر و کودک هستند ناراحت می شوند. نظر حضرت عالی در این خصوص چیست؟

ج: باسملط اسماء

البته این کار خوب نیست ولی نباید سبب شود که عزاداری تعطیل شود بلکه باید عزاداری باشد و رعایت حال مردم هم بشود.

عرفی و عقلایی بودن احترام به اماکن مقدسه

س ۱۳۱: شخصی در کتابش نوشته: شیعیان یک محل به نام «حسینیه» به نام حضرت عباس علیه السلام، به نام حضرت زینب علیها السلام، به نام حضرت صاحب الزمان (عج) و... درست می کنند و نامش در زبان اردو «امام بارگاه» می نهند و در این محل مجالس عزاداری برگزار می کنند و پول زیادی بر ساختمان خرج می نمایند و برای آن محل احترام قائلند ولو احکام مسجد جاری نمی داند اما احترام فوق العاده قائلند و خیال می کنند که در مجالس عزاداری و یا مجالس اعیاد ائمه اطهار علیهم السلام ارواح آنها در مجالس حاضر می شوند و نیز در ایام عزای آن محل ها را سیاهپوش می کنند. این شخص صحبت را به درازا کشید تا اینکه گفته: غیر از مسجد هیچ جا

تقدّس و احترام ندارد و همه اینها از بدعت‌هاست و مصرف کردن برای این طور جاها جائز نیست.

لطفاً بیان فرمایید جای مخصوصی را به نام حسینیه بنا کردن، موجب تقدس و احترام آن می‌شود؟ و مصرف کردن پول برای این محل‌ها شرعاً چگونه است آیا ثواب دارد؟ آیا این محل‌ها که در آنها ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام و عزای آنها می‌شود از شعائر الله به حساب می‌آید؟

ج: باسم حلت اسماء

احترام این اماکن یک امر عرفی عقلایی است. شما ببینید در تاریخ تمام ادیان و عقلاء نسبت به محلی که امر مهمی انجام شده است و یا شخصیت مهمی در آنجا زندگی کرده، چقدر اهمیت قائلند.

مرثیه خواندن خانم‌ها در مجالس زنانه

س ۱۳۲: مرثیه خواندن خانم‌ها با بلندگو و سینه زنی در مجلس زنانه چه صورت دارد؟

ج: باسم حلت اسماء

مرثیه خوانی از عبادات بسیار با اهمیت است و باید حتی المقدور از امور غیر شرعی دور باشد البته خواندن خانم‌ها بدون شنیدن اجانب و نامحرمان هیچ اشکالی ندارد. سینه زدن خانم‌ها نیز در مجلس خانم‌ها هیچ اشکالی ندارد.

شرکت خانم‌ها در ایام عادت در عزاداری

س ۱۳۳: شرکت زنان در ایام عادت در عزاداری و نشستن در معابر و کوچه‌ها به علت عدم جواز حضور در مسجد و با عبور و مرور افراد لائالی و بی‌بند و بار چه حکمی دارد؟

ج: با **مسئله** اسماء

چنانچه خود زن‌ها رعایت موازین شرعی را بنمایند، اشکال ندارد.

چگونگی شرکت زنان در عزاداری سیدالشهداء

س ۱۳۴: زنان چگونه می‌توانند در عزاداری سید الشهداء علیه السلام شرکت نمایند؟

ج: با **مسئله** اسماء

زن‌ها به مجامع روضه خوانی بروند و مکان آنها از مردها جدا باشد و به بدن برهنه مردان سینه زن نگاه نکنند.

صدای زنان مداح و سخنران

س ۱۳۵: در مجالس زنانه عزاداری؛ زنان مداحی و سخنرانی می‌کنند و صدای آنها با بلندگو به گوش مردان رهگذر می‌رسد آیا این عمل جائز است؟

ج: با **مسئله** اسماء

چنانچه صدای آنها موجب تهییج شهوت نشود اشکالی ندارد.

چگونگی صرف نذورات در غیر موارد تعیین شده

س ۱۳۶: تعداد زیادی از اهالی بدون خواندن صیغه شرعی نذر، طبق معمول گفته‌اند که اگر مثلاً فلان حاجت من برآورده شود، در راه حضرت ابوالفضل علیه السلام، و یا روز طشت گذاری، جلوی دسته‌جات عزاداران حضرت سیدالشهداء علیه السلام یک قربانی می‌کشم و یا روز عاشورا، فلان مبلغ را خرج می‌کنم؛ آیا خود این شخص با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، می‌تواند مبالغ آن نذرها را برای کمک به ساختن مسجد حضرت ابوالفضل علیه السلام، مصالح ساختمانی بخرد و یا برای خرید مصالح، به متصدیان امر تحویل دهد یا نه؟

ج: **بسم‌حلت اسماء**

مبالغ آن نذورات را در غیر موارد تعیین شده بر آن‌ها، جائز نیست صرف در ساختن مسجد نمود.

اضافه نذورات و هدایای مجلس صرف وجوه نیک

س ۱۳۷: باقیمانده نذورات یا هدایای مجلس امام حسین علیه السلام را چه باید کرد؟

ج: **بسم‌حلت اسماء**

باید در امور خیر استفاده شود و بهتر است در شبیه به مصارف عزای امام حسین علیه السلام مثل عزای سائر ائمه مصرف شود.

دادن گوشت نذر و قربانی تا حد امکان به مسجد

س ۱۳۸: اگر کسی نذر کرده، هر سال ماه محرم قربانی بکشد و به مسجد معینی بدهد لکن حالا احساس می‌کند متولیان مسجد گوشت‌های خوب

را به مردم نمی دهند حالا نذر کننده می تواند گوشت قربانی را میان فقرا تقسیم کند؟

ج: با مسحطت اسماء

تا حد امکان باید به مسجد بدهد؛ اگر ممکن نشد به فقرا بدهند.

مصرف پول های نذری با توجه به قصد نذر کننده

س ۱۳۹: پول های نذری که برای هیئت حسینی جمع می گردد آیا هیئت می تواند از این پول ها به کسانی که احتیاج دارند قرض الحسنه بدهد؟ و الا در چه مصرفی خرج شوند؟

ج: با مسحطت اسماء

مصرف این پول ها بسته به قصد نذر کننده است.

حاضر نشدن در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام

س ۱۴۰: من نتوانستم روز عاشورا برای شرکت در مراسم عزاداری ابا عبد الله الحسین علیه السلام از محل کارم مرخصی بگیرم؛ وظیفه من چیست؟

ج: با مسحطت اسماء

بدون تردید شرکت در مراسم روز عاشورا از افضل مستحبات، و بلکه افضل اعمال آن روز می باشد. بهتر است کسی که - مرخصی ندارد و - نمی تواند در این مراسم شرکت کند، از حقوق خود معادل آن روز راکم کند و به عنوان هدیه ای متواضعانه به حسینی یا هیأت های عزاداری تقدیم کند.

تربت سیدالشهداء

س ۱۴۱: محل اخذ تربت سیدالشهداء (ارواحنا فداه) که برای استشفاء جائز الأكل است، حرمت تنجیس دارد، سجده بر آن فضیلت دارد و برای تبرک مولود و همراه میت و مسافر و دفع خطر استفاده می‌شود؛ کجاست؟

آیا شامل غبار روی ضریح مقدس می‌شود؟ آیا خاکی که از اطراف حرم مطهر سیدالشهداء علیه السلام جمع آوری می‌شود به سبب جاروب کردن حکم تربت قبر مطهر را دارد؟ و اگر در اطراف قبر مطهر خاکی ریخته شود و جمع آوری شود آیا حکم تربت دارد و صدق تربت بر آن می‌کند و احکام مطلق تربت بر آن جاری می‌گردد؟ و روایاتی که یک میل تا ده میل اطراف قبر مطهر را جزء تربت امام حسین علیه السلام شمرده است، آیا شامل تمام احکام تربت می‌شود یا نه؟ مهر و تسبیح کربلا که در بازار رایج است با علم به این که از کنار قبر مطهر نیست یا با شک در آن، واجب الاحترام است؟ و احکام تربت سیدالشهداء را دارد یا نه؟ لطفاً احکام مزبور را به دلیل کثرت ابتلا و احتیاج مفصلاً مرقوم فرمائید.

ج: باسم طلبت اسماء

چند سؤال نموده‌اید که به ترتیب جواب داده می‌شود:

۱- تربتی که خوردن آن برای استشفاء جائز است و مقید است به آنکه زائد بر قدر نخود نباشد، آن است که عرفاً از قبر و نزدیک قبر باشد و تا هفتاد ذراع محتمل است؛ اما آنچه در روایات بیان شده هفتاد ذراع، و دویست و چهل متر در دویست چهل متر و در بعضی کتب فقهاء: «روی اربعة فراسخ و روی ثمانیه» چنین

- روایتی دیده نشده و آن روایاتی که اشاره شد، همه اش ضعیف السند است به آنها جواز اکل ثابت نمی شود.
- ۲- چنانچه آن خاک ها کم شود و خاک دیگری بریزند باید مدت زمانی بگذرد که تربت قبر الحسین علیه السلام یا طین الحائر عرفاً بر آن صدق کند و اما مقدار خاکی که با جاروب جمع می شود، ظاهراً حکم تربت ندارد.
- ۳- اما مهر و تسبیح کربلا که رائج است ظاهراً از هر کجای قبر و اطراف آن تا چهار میل فضیلتی که در روایات ذکر شده را دارد.
- ۴- بقیه احکام غیر لزومی مانند حکم مهر و تسبیح است.

روایات مختلف زیارت امام حسین علیه السلام در صورت وجود خطر

س ۱۴۲: پیرامون زیارت امام حسین علیه السلام روایت مختلف است مثل «زر الحسین علیه السلام و لو علی خوف» و غیره.

لطفاً بفرمایید عمل به این روایات در صورت خطر بر نفس یا مال، یا کتک خوردن، یا به زندان افتادن و یا... به چه وجهی می باشد؟

ج: با مسحطت اسما

در صورت خطر بر نفس جائز نیست اما بقیه امور، مانع از زیارت و مطلوبیت آن نیست.

زیارت امام حسین علیه السلام در صورت خطر عرضی

س ۱۴۳: در صورتی که رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام خطر جانی یا مالی یا عرضی داشته باشد آیا جائز است به زیارت بروند؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

در صورت خطر عرضی جائز نیست و در صورت خطر مالی یا جانی غیر از هلاکت نفس جائز است. و در صورت خطر هلاکت نفس جائز نیست.

عقد ازدواج در شب‌های شهادت ائمه علیهم‌السلام

س ۱۴۴: آیا در شب‌های شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام مخصوصاً در ایام ماه محرم و صفر می‌توان صیغه عقد ازدواج را بدون مجلس و شیرینی خوری خواند؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

شرعاً جائز است.

برگزاری عروسی شیعه محبّ اهل بیت علیهم‌السلام در ایام شهادت ائمه علیهم‌السلام

س ۱۴۵: ایام شهادت ائمه علیهم‌السلام مثل عاشورا و شهادت‌های دیگر عروسی کنند جائز است یا خیر؟
اگر قصد بی‌اعتنایی کنند چطور؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

شخص شیعه محبّ اهل بیت علیهم‌السلام، ممکن نیست چنین کاری بکند. اگر کسی مرتکب شود لابد شیعه خالص نیست.

عطر زدن در ماه محرم

س ۱۴۶: آیا عطر زدن یا زینت در ماه محرم حرام است؟

ج: باسْمِ طَلَبِ اسْمَاءَ

بی تردید عزاداری در دهه اول محرم - بلکه در ماه‌های محرم و صفر با هم - مطلوب است، و قطعاً برخی زینت‌ها با این عمل منافات دارد و انجام آن از طرف کسی که ادعا می‌کند محبت حسین علیه السلام را در دلش دارد، شایسته نیست؛ اما چیزی از آن‌ها به حد حرمت نرسیده است، مگر این که موجب هتک حرمت عزاداری شریف شود، یا با انگیزه تمسخر مصیبت عظیم حسینی باشد، مانند کاری که برخی از ناصبی‌ها انجام می‌دهند.

روضه خوانی و مداحی با غنا و موسیقی

س ۱۴۷: آیا روضه خوانی و مداحی با استفاده از سبک‌ها و اسلوب‌ها و حتی اشعار خوانندگان غربی و طاغوتی جائز است؟

ج: باسْمِ طَلَبِ اسْمَاءَ

خواندن با غنا و موسیقی جائز نیست، بدون آن جائز است.

طبل زدن در عزای سیدالشهداء

س ۱۴۸: آیا طبل زدن در مراسم عزاداری سیدالشهداء علیه السلام در خیابان‌ها و یا نی زدن، جزء موسیقی حساب می‌شود؟ و در صورت ایجاد مزاحمت در اوایل شب چه حکمی دارند؟

ج: باسْمِ طَلَبِ اسْمَاءَ

طبل زدن در عزای سیدالشهداء علیه السلام موسیقی نیست و جائز است، و خیال نمی‌کنم که شیعه محب اهل بیت علیهم السلام عزاداری در اوایل شب را مزاحمت بداند.

ذکر اخلاقیات و فضائل اهل بیت علیهم السلام توسط مداحان

س ۱۴۹: اشعار مداحان باید در چه قالبی باشد؟ استفاده از اشعار سبک و بی مفهوم در مدح ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟ استفاده از عبارت‌هایی چون «انا عبد الحسین»، «انا کلب الحسین»، «لا اله الا الزهرا» و...؛ چه حکمی دارد؟

ج: باسْمِ حَلَّتْ سَمَاءُ

مداحان باید اخلاقیات و فضائل اهل بیت علیهم السلام و مصائب آنان را بخوانند و از الفاظ کفرآمیز مانند لا اله الا الزهراء علیها السلام اجتناب کنند.

خلاف بودن استفاده از آلات موسیقی

س ۱۵۰: آیا استفاده از آلات موسیقی از نی، ارگ و... و نواختن آهنگ‌هایی بعضاً طرب‌انگیز در دسته‌های عزاداری، شرعاً جائز است یا خیر؟

ج: باسْمِ حَلَّتْ سَمَاءُ

این‌گونه امور خلاف است و باید جلوگیری نمود.

خواندن مداحی با غنا

س ۱۵۱: آیا پول دادن به مرثیه سرایانی که در لابه لای اشعار خود بعضی از مطالب بی مدرک یا ضعیف‌السند را مطرح می‌کنند یا با غنا می‌خوانند صحیح است؟ و آیا اصل عزاداری در اثر این کار خلاف، حرام می‌شود؟

ج: باسْمِ حَلَّتْ سَمَاءُ

غنا خواندن حرام است، ولی اصل عزاداری خوب است و حرام نمی‌شود.

روایات وارده بر استفاده از طبل و امثال آن در عزاداری

س ۱۵۲: آیا حدیثی که دلالت بر جواز استفاده از طبل و سنج و شیپور در عزای حضرت سیدالشهداء علیه السلام دارید؟ راهنمایی بفرمایید؟

ج: **باسم حلت اسماء**

روایات زیادی درباره عزاداری آن حضرت وارد شده است و از این امور نهی نشده است و مقتضای اطلاق روایات، موجب جواز آن‌ها می‌شود.

آیات وارد شده دال بر حرمت غنا

س ۱۵۳: آیا به غیر از حدیث امام رضا علیه السلام در اصول کافی حدیث معتبری درباره چرخاندن صدا در گلو که بی اشکال باشد سراغ دارید؟ خبر واحد که مطابق با کلام خدا نباشد دلیل صحت است؟

ج: **باسم حلت اسماء**

اگر مراد غنا است روایات متعددی در حرمت آن است. خبر واحد اگر مخالف صریح یا ظاهر قرآن نباشد، حجت است و لازم نیست موافق باشد. به علاوه آیاتی وارد شده که دلالت بر حرمت غنا می‌کند در کتاب فقه الصادق مفصل نوشته‌ام.

جائز نبودن آواز همراه با غنا و موسیقی

س ۱۵۴: آیا گوش نمودن سرودها و موسیقی‌های شرعی، در روزهای عزای اندوه ائمه علیهم السلام در محرم و رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت معصومه علیها السلام و غیره جائز می‌باشد؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

چنانچه آوازی، غنا و همراه موسیقی باشد، گوش دادن جائز نیست و الا جائز است.

شرافت شغل مداحی

س ۱۵۵: بعضی از مداحان اهل بیت از عبارتهای (من مستم، از همه خوشگل تری) استفاده می کنند آیا این الفاظ اهانت به ساحت مقدس ائمه علیهم السلام حساب می شود؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

به کاربردن الفاظ موهن در عزاداری ائمه معصومین علیهم السلام جائز نیست. مداحی شغل بسیار شریفی است و اجر جزیل دارد و حیف است که این عمل با اهانت به مقام اهل بیت علیهم السلام مبدل به خلاف شرع شود.

ریشخند و تمسخر شعائر حسینی

س ۱۵۶: آیا ریشخند و تمسخر شعائر حسینی، انتقاد شدید و کوچک شمردن کسی که این شعائر را زنده می دارد و نیز کوچک شمردن شعائر حسینی جایز است؟

ج: باسْمِ حَلَبَتِ اسْمَاءَ

شکی نیست که بقای رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به قیام امام حسین علیه السلام و شهادت او است و بقای قیام امام حسین علیه السلام به اقامه این شعائر حسینی؛ بنابراین، تمسخر این شعائر، به سخره گرفتن اسلام و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و یقیناً حرام است.

لطمه به بدن بدون ضرر جانی در تعزیه اهل بیت علیهم السلام

س ۱۵۷: نظر مبارک در مورد سینه زنی های ضربتی و زنجیر زنی های ضربتی در محرم و صفر چیست؟

ج: باسماحت اسمانه

همه آنها از شعائر مذهبی است و کار بسیار خوبی است ولی باید رعایت نمود که ضرر جانی منجر به تلف نفس نشود.

روش های نوپدید عزاداری بر معصومین علیهم السلام

س ۱۵۸: چگونه می توان رجحان برخی روش ها و اسلوب های نوپدید در برپایی مصائب معصومین علیهم السلام را اثبات کرد؟

ج: باسماحت اسمانه

در اخبار ثواب های زیادی بیان شده برای کسی که مصلحت امام را رعایت می کند و مال خود را در شئون معصومین علیهم السلام صرف می نماید.

ائمه شهید شده اند و مصائب را تحمل کرده اند، نیز امام حسین علیه السلام همراه با نزدیکان و اصحابش شهید شدند و اهل بیتش اسیر شدند چون که دیدند طاغیان ظالم می خواهند نور دین را خاموش سازند و واجبات را تعطیل نمایند. پس امام حسین علیه السلام دین و نماز را بر پای داشت و آنچنان با این قربانی شدن امر به معروف و نهی از منکر را به انجام رسانید که عقل ها مبهوت شدند و فهم ها حیران گشتند.

توصیه به سینه زنی در مراسم عزاداری ائمه علیهم السلام

س ۱۵۹: آیا سینه زدن در مراسم عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام در شرع مقدس توصیه شده است؟ و آن را به عنوان یک امر مستحبی می شناسد؟

ج: باسماحلت اسماء

به عنوان عزاداری بسیار توصیه شده است و از افضل مقربات است.

سینه زنی و زنجیر زنی منجر به کبودی

س ۱۶۰: آیا سینه زنی و زنجیر زدن در عزاداری که منجر به کبودی بدن و گاهی جاری شدن خون می شود جائز است؟

ج: باسماحلت اسماء

بلی جائز است.

ریا در سینه زدن مانند ریا در نماز

س ۱۶۱: آیا سینه زدن و زنجیر زدن ریایی جائز است؟

ج: باسماحلت اسماء

همانند نماز ریایی است. (و نماز ریایی باطل است)

حکم برهنه شدن در عزاداری ها

س ۱۶۲: در بعضی از مجالس عزاداری، مردم برهنه شده و سینه می زنند و ظاهراً بعضی از آقایان مراجع عظام (حفظهم الله و ابقاهم) بر جواز این عمل فتوا داده اند، سؤالاتی در این زمینه مطرح است: الف. نفس این عمل آیا مجوز شرعی دارد؟



ب: در صورتی که در بعضی از مجالس به عینه دیده می شود بعضی از افراد از این فرصت سوء استفاده کرده و اعمال منافی عفت و لااقل منافی شخصیت عزاداران (نگاه با لذت) انجام می دهند، آیا جواز برهنه شدن هم چنان باقی است؟

ج: باسم حلت اسماء

الف: خود عمل چون یکی از مصادیق عزاداری است، حسن است؛ و قطع نظر از آن، فی نفسه هم جائز است.
ب: عمل آن افراد حرام است، ولی موجب حرمت این عمل نمی شود. مثلاً کسی اگر در اثناء نماز به زن نامحرم نگاه کند، کاری خلاف شرع است ولی نماز صحیح است.

توأم با مفسده شدن برهنه شدن

س ۱۶۳: آیا مجرد احتمال مفسده در برهنه شدن، دلیل بر عدم جواز آن می باشد یا انسان باید طبق موازین شرعی به این امر یقین پیدا کند؟

ج: باسم حلت اسماء

برهنه شدن خودش مفسده پیدا نمی کند، توأم با مفسده می شود. به هر تقدیر، آن امر توأم حرام است، نه برهنه شدن؛ به علاوه مجرد احتمال، اثر ندارد.

بقاء دین بر پایه بقاء شعائر مذهبی

س ۱۶۴: در مورد عزاداری امام حسین علیه السلام و برهنه کردن سینه، سینه زدن، برسر زدن، چه می فرمایید؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

در مورد عزاداری امام حسین علیه السلام به نحو سینه زدن، زنجیر زدن، بر سر و صورت زدن، همه اینها از شعائر مذهبی است و بسیار کار خوبی است. بقاء دین به بقاء این شعائر بستگی دارد و لذا در همه زمان‌ها مانند زمان رضاخان پهلوی که می‌خواستند با دین مبارزه کنند اول با مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام مبارزه نمودند.

تأثیر شعارهای حسینی بر مردم

س ۱۶۵: تأثیر شعارهایی مانند «یا ثارات الحسین» بر مسلمانان چیست؟ چون عده‌ای ادعا می‌کنند این شعارها بین شیعیان و اهل سنت کینه ایجاد می‌کند و موجب پرورش روح خشونت در میان آنها می‌شود؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

شعارهای حسینی اهداف مختلف دارد. یکی از این اهداف، برافروختن روحیه انقلابی در دل شیعیان نسبت به قاتلان امام حسین علیه السلام و افرادی است که راضی به قتل او شدند، یعنی نواصب. و همه مسلمانان، شیعه و سنی، از این افراد تبری می‌جویند.

به همین دلیل تنها افرادی از این شعارها می‌ترسند که قلب‌هایشان از بغض به امام حسین علیه السلام و عشق به یزید بن معاویه پر شده است.



حکم عَلم‌های مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام

س ۱۶۶: حکم عَلم‌هایی که در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام از آنها

استفاده می‌شود و بعضی دارای نقش و نگارهایی نیز هستند چیست؟

ج: با **سجده** **اسمانه**

اشکالی ندارد.



بخش هفتم:

نصایح و ارشادات

تکالیف محوله به جوانان در راستای شاعر حسینى

س ۱۶۷: در راستای شاعر حسینى که نسل به نسل از سلف صالح به دختران و پسران مؤمنین، رسیده است چه مسئولیت و تکلیفى برگردن آنهاست؟ لطفاً نصایحى بفرمایید.^(۱)

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

جوانان عزیز سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد!

در ایام محرم، یاد غمی بر ما فرو می بارد که قلب رسول خدا محمد ﷺ را دردمند کرد و اشک او را جاری ساخت، فاطمه زهرا علیها السلام را گریاند و فرشتگان آسمان را حتی پنجاه سال پیش از آنکه اتفاق بیفتد محزون نمود!

غم روزی که امام رضا علیها السلام درباره اش فرمود: «این روزی است که

۱. این پیام در پاسخ به عده ای از جوانان بحرین در سال ۱۳۸۷ هجری شمسی نگاشته شده است.



جگرهای ما را زخمی نمود و اشک‌های ما را سرازیر کرد و عزیزان ما را به ذلت نشانده.

و امام علیه السلام فرمود: پس بر هم‌چون حسین علیه السلام باید گریه‌کنندگان، گریه‌کنند. چرا که گریه بر او گناهان را فرو می‌ریزد، سپس فرمود: پدرم؛ آنگاه که ماه محرم می‌رسید خندان دیده نمی‌شد و غم و گرفتگی بر چهره او همواره هویدا بود تا زمانی که ده روز می‌گذشت، و چون روز دهم «عاشورا» می‌رسید آن روز، روز مصیبت و غم و گریه او بود و می‌فرمود: امروز همان روز کشته شدن حسین علیه السلام است.

به راستی که اسلام بزرگ و نهضت تازه آن اگر با نهضت مبارک حسین علیه السلام تغذیه و آبیاری نمی‌شد استمرار نمی‌یافت، کسی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم - آنکه از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و همه کلامش وحی الهی محسوب می‌شود - درباره‌اش فرمود: حسین از من است و من از حسینم. خدا دوست دارد کسی را که حسین علیه السلام را دوست بدارد.

همانا بزرگداشت و زنده نگه داشتن یاد حسین علیه السلام در هر سال، آتش انقلاب او را علیه هر تجاوزگر و مجرمی شعله‌ور می‌سازد و این، همان شعله‌ای است که در تمام پایه‌هایی که ظالمان و کینه‌ورزان ساخته بودند نفوذ کرد و همان است که محرک سقوط امویین و پیروانشان شد.

یادآوری محرم، که مؤمنان در گذر تاریخ پیوسته آن را به شکل‌های مختلف زنده نگه داشته‌اند موجب شده تا آنان در



مکتبی رشد یابند که قتلگاهی برای دشمنان ایجاد کرده و به شمار می‌آید. از این روست که دشمنان همواره تلاش کرده‌اند تا با هر گونه شعار و نمادی که این یاد را در جان‌ها زنده می‌سازد، دشمنی کنند.

عداوتی که هیچ‌گاه به یک روش منحصر نبوده است تا آنجا که حتی از زیارت قبر حسین علیه السلام نیز جلوگیری نموده و حتی دست به قتل زائران او آلودند.

در مقابل این کردارها، روشی پیش روی ماست که از ائمه معصومین علیهم السلام دیده‌ایم. روشی که این بزرگواران همواره آن را رعایت کرده و بر آن ممارست داشته‌اند، توجیه و تهییج و تبیین نسبت به زنده نگاه داشتن یاد عاشورا و غم حسینی است تا آنجا که آن را از برترین اعمال تقرب به خداوند برمی‌شمارند. این روشی است که ائمه علیهم السلام در طول عصرها پیوسته به آن تأکید نموده و سفارش کرده‌اند هرگز به یک نمونه از روش‌های عزاداری سفارش نکرده‌اند بلکه امام صادق علیه السلام در یک توصیه کلی می‌فرماید: «امر ما را زنده کنید. خدا رحمت کند کسی که امر ما اهل بیت علیهم السلام را زنده گرداند. از این دستور امام علیه السلام می‌فهمیم که؛ هر عملی که سهمی در زنده کردن یاد این خاطره مصیبت‌بار داشته باشد. دوست داشتنی و مطلوب خواهد بود به‌ویژه این که با نیت خالص برای خدا و به هدف استجابت دستور ولی خدا - و پیراسته از آمیختگی با کارهای مخالف امر الهی - باشد.

در پایان تأکید می‌کنم؛ بر همه آزادگان، همانانی که عاشق‌اند و



عشق سالار آزادگان امام حسین علیه السلام را در دل دارند؛ لازم است که کارشان را با شیوه‌ای انجام دهند که یک عزاداری منسجم، اثرگذار و نفیس باشد. هر کس بخواهد گریه کند، یا سیاه بپوشد، یا بر سر و سینه بزند، یا اطعام کند، یا خطبه بخواند و عواطف را تحریک نماید و یا هر عملی را انجام دهد که آن عمل در مورد اهل بیت علیهم السلام محسوب شود و سهمی در زنده کردن یاد آن قیام و مصائب واقع در آن داشته باشد، بدانند که اجر و پاداشش در نزد خداوند تبارک و تعالی آماده و محفوظ است.

مخالفت با بخشنامه‌ای شدن عزاداری امام حسین علیه السلام

س ۱۶۸: اخیراً طی بخشنامه‌ای گفته شده است که برهنگی عزاداران حسینی در مساجد ممنوع است. نظر حضرت تعالی در مورد این قبیل دستورات چیست؟

ج: باسئله طاعت اسماء

در جواب این سؤال لازم است که اول به چند مطلب اشاره کرده و بعد نظرم را در این مورد بیان کنم: (۱) اسلام قائم شد به انقلاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و استمرار آن با قیام و انقلاب امام حسین علیه السلام بود و استمرار این قیام با شعائر حسینی است که شیعه مقید به اقامه آن می‌باشد و هر کجا و هر زمان که این شعائر اقامه شد اسلام رونق پیدا کرد و لذا استعمار که از گسترش اسلام و شیعه ناراحت بود از اول امر با اقامه این شعائر مخالفت می‌کرد.

(۲) هر جا ائمه طاهربین علیهم السلام درباره عزاداری برای شهداء و



مردگان دستوراتی داده‌اند همانجا نحوه عزاداری برای امام حسین علیه السلام را استثناء کرده‌اند. مثلاً امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چاک زدن پیراهن و خراشیدن صورت و خون جاری شدن در مصائب همه منهی عنه است ولی بر امام حسین علیه السلام این کارها و حتی سیلی به صورت زدن مطلوب است، تا آنجا که حضرت حجت (ارواح من سواه بفداه) می‌فرمایند: «من بر امام حسین گریه می‌کنم اگر اشکم خشک شد خون گریه می‌کنم» و نظیر این از امام سجاد علیه السلام منقول است.

۳) پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند همه احکام و قوانین را من بیان کردم و برای عمل به آنها بر تمام افراد است به قرآن و روایات رجوع کنند و به غیر آنها رجوع نشود و این احکام تا روز قیامت پابرجا است و نمی‌شود به چیز دیگر و کلام دیگر در عمل و عقیده رجوع نمود. ۴) در اعمال اجتماعی و فردی همه مسلمانان غیر مجتهد موظف به تقلید از اعلم علماء هستند.

بعد از این مقدمات باید گفت که برای عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام روایات بسیار زیادی وارد شده است که برهنه شدن مردان در مساجد و سینه زدن از بهترین مصادیق آن است، البته از آنجا که نگاه به بدن نامحرم جائز نیست لذا هنگام برگزاری اینگونه مجالس نباید بانوان حضور داشته باشند. حال باید گفت که آیا واقعاً سزاوار است دستور بدهند که مردها کلاً نباید این چنین عزاداری کنند، این حرف یعنی مردم برخلاف سیره متشرعه که از علماء گرفته شده است عمل نمایند. من



توصیه می‌کنم که این خطاها را هر چه زودتر اصلاح کنند. عزاداری برای حضرت سیدالشهداء علیه السلام از بهترین اعمال است که در طول تاریخ، توسط شیعیان و دوستداران آن حضرت به بهترین نحو اقامه شده است و نیازی هم به صدور بخشنامه ندارد.

مخالفت با نمایش چهره حضرت ابوالفضل علیه السلام

س ۱۶۹: آیا نمایش تصویر و چهره حضرت ابوالفضل علیه السلام در سریال‌های تلویزیونی از نظر شرعی مشکلی ندارد؟ و آیا حتماً تمام مسائل باید از نظر شرعی مشکل داشته باشند که بد محسوب بشوند؟ باید گفت که دل بسیاری از شیعیان محب اهل بیت علیهم السلام از نشان دادن تصویر حضرت ابوالفضل علیه السلام ناراحت می‌شود چرا که هرکسی تصویری نسبت به ایشان دارد که احتمال می‌رود با ایفای نقش توسط یک هنرپیشه - که در آینده در نقشهای دیگری نیز بازی خواهد کرد - اثرات سوئی در جامعه داشته باشد؟

ج: باسْمِ حَلَّتِ اسْمَاءُ

انسان مرکب از جسم و روح است و تمام فضائل حسنه متعلق به روح است نه جسم بلکه جسم فرمان بردار روح است و هرچه او دستور دهد عمل می‌کند. بنابراین شخصیت و عظمت افراد به روح است و لذا در روایات وارد شده است که «اول ما خلق الله العقل» و خدای متعال فرمود: «و عزتی و جلالی ما خلقت خلقا احب الی منک ایاک آمر و ایاک ائیب» و عقل جوهر ملکوتی

نورانی است که خدای متعال او را از نور عظمت خودش خلق کرده است و تمام موجودات را از ظلمت عدم به واسطه او نور وجود عنایت فرمود، و لذا پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم می فرمودند: «اول ما خلق الله نوری» و در روایات دیگر «روحی» و از نور پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انوار انبیاء و اولیاء الله خلق شده‌اند و یکی از اولیاء بزرگ حضرت ابوالفضل عَلَيْهِ السَّلَام است که دارای مقامات عالیه می باشند و هیچ فیلم و نمایش و تصویری ممکن نیست بتواند اندکی از مقام عالی آن حضرت را نشان دهد.

بنابراین به نظر من صورت حضرت نشان داده نشود زیرا این کار نه تنها در بیان فضائل و برجستگی‌های شخصیت ایشان مؤثر نیست، بلکه ممکن است به دلایل مختلف حتی در درازمدت تأثیر منفی نیز در ذهن افراد بگذارد.

■ پیام حضرت آیت الله العظمی روحانی «مد ظله العالی» به مناسبت ایام

عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

صدق الله العلی العظيم

جهان تشیع در آستانه فرارسیدن روزی بزرگ و یکی از ایام الله یعنی روز عاشورا، روز خون، شهادت و جانفشانی در راه حق می باشد. روزی که امام حسن مجتبی علیه السلام درباره آن فرمود: «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله» همچنانکه امام رضا علیه السلام نیز درباره آن فرمود: «إِنَّ یوم الحسین أقرح جفوننا و أسبل دموعنا، و أدل عزیزنا یا أرض کربلا أورثتنا الكرب و البلاء إلی یوم القیمة فلیبک الباکون».

هرچند شیعیان هر ساله این روز را با برپایی مراسم عزاداری، بزرگ می دارند، اما مطلبی که این روزها داغ و سوز دل شیعیان را دوچندان می کند، برخی دیدگاه های انحرافی است که از سوی افرادی مغرض به خصوص در بعضی از کشورهای عربی مطرح می شود و نسبت به فواید و کارآمدی شعائر حسینی تردید ایجاد می کنند. شاید اگر این صداها ی غرض آلود از



درون مکتب تشیع نبود، درک و تحمل آن برای ما آسان تر بود. اما صد افسوس که اینان با به تن کردن لباس تشیع و پنهان کردن خنجر خویش در زیر این لباس، می‌کوشند به مکتب شیعه ضربه بزنند و با خنجر زهرآلود خویش اندیشه تشیع را مسموم سازند.

سؤال این است که دلیل این کینه‌توزی‌ها نسبت به شعائر حضرت سیدالشهدا علیه السلام چیست؟ آیا ارزش‌های اخلاقی و معارف دینی - همچون جانفشانی در راه عقیده، برخاستن در برابر طاغوت‌ها، ایستادگی و پایداری در راه حق - که در پی احیای این شعائر در دل‌های مؤمنان نهادینه می‌شود، این غرض‌ورزان را به کینه‌توزی وا می‌دارد؟ و یا ترس و وحشتی که در دشمنان خدا می‌افتد، آنان را نگران کرده است؟!

چگونه است که ادعای حسینی بودن و دلبستگی به شعائر حسینی دارند، اما اینگونه در این معارف مکتب تشیع تشکیک می‌کنند؟ چرا به جای مبارزه با این شعائر، همه توان و تلاش خود را در راه افشای جنایات یزید و یزیدیان نمی‌گذارند؟!

در اینجا با تمام وجود فرارسیدن سالروز این مصیبت و فاجعه بزرگ را به حضرت صاحب العصر و الزمان - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - و به شیعیان مخلص و باایمان آن حضرت تسلیت عرض می‌کنم و به همین مناسبت، نکات زیر را خطاب به مؤمنین یادآور می‌شوم:

اول: به یکایک فرزندان مؤمن خویش در سراسر جهان تشیع



می‌گوییم: وظیفه شما در این مرحله حساس تاریخی این است که همه تلاش خود را برای احیای این روز بزرگ به کار بندید. این مهم از رهگذر برگزاری مجالس سوگواری، شرکت در این مراسم، اقامه شعائر الهی مرتبط با مسأله عاشورا و هزینه کردن اموال فراوان در این راه ممکن می‌شود. چرا که این تلاش‌ها، کمترین کاری است که برای خنثی کردن نیرنگ افراد مغرض و پاسخ به شبهه‌افکنی‌ها باید انجام داد. تجمع شیعیان موجب احیای فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود. هم‌چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام نیز بر این مسأله تأکید ورزیده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَمَذَاكِرَتِكُمْ إِحْيَاءَ لِأَمْرِنَا، وَخَيْرُ النَّاسِ بَعْدَنَا مَنْ ذَاكَرَ أَمْرَنَا، وَدَعَا إِلَى ذِكْرِنَا».

حتی در نقل دیگری که معتبرتر نیز می‌باشد این روایت با تعبیری بسیار شگفت‌آور آمده: «فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَمَذَاكِرَتِكُمْ إِحْيَاءَ نَا». به اعتقاد من، قلم از بیان معانی والای آن ناتوان است.

بر اساس این روایت روشن می‌شود که صرف حضور در مجالس و دسته‌های عزاداری، امری بسیار مطلوب است. بنابراین برخلاف آنچه برخی افراد غافل در داخل و خارج ترویج می‌کنند، دنبال کردن مراسم عزاداری و سخنرانی از طریق تماشای شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای و تلویزیونی کافی نیست.

زیرا روشن است که همین حضور مؤمنان در مراسم و مجالس عزاداری فریادی رسا، بر سر ستم و ستمگران به شمار می‌رود و موجب به لرزه در آمدن کاخ‌های مستکبران جهان می‌شود. دوم: به فرزندان مؤمن خویش که در برپایی این مجالس ذکر و هیئت‌های عزاداری فعالیت می‌کنند، یاد آور می‌شوم که این کار جهادی و بزرگ خویش را ادامه بدهید. این تلاش‌های شما عزیزان از برترین اعمال جهادی در روزگار کنونی به شمار می‌رود.

همانا این مجالس دینی از مؤثرترین سلاح‌هایی است که موجب می‌شود ایمان بر قدرت‌های کفر و شیطانی چیره شود. این راه را ادامه بدهید و نکنند خدای ناکرده انسان‌های ضعیف‌النفس و کوردل برای محو این شعائر در میان شما نفوذ کنند. امید است که عزاداری‌های شما مورد تأیید ذات اقدس الهی قرار گیرد.

سوم: اکنون روی سخن من با خطیبان و واعظان منبر حسینی است، از شما سخنوران دینی خواستارم تمام تلاش خود را در راه نشر معارف ائمه معصومین علیهم السلام، بیان احکام شرعی و تحکیم باورهای دینی به کار بگیرید.

هم‌چنین با استفاده از ادله نقلی محکم و استدلال‌های عقلی، به شبهات انحرافی پاسخ دهید تا از طرفی، باورهای مؤمنان را محکم‌تر از گذشته گردانید و از سوی دیگر ضمن اثبات اصالت منبر و کارآمدی آن، بی‌پایه بودن ادعاهای افراد

معرض، مبنی بر ناتوانی و ناکارآمدی منبر حسینی در بیان معارف الهی را بر همگان آشکار نمائید.

همچنین درخواست من از مداحان و مرثیه‌سرایان اهل بیت علیهم‌السلام این است که در نوحه‌سرایی‌ها آن طور که متأسفانه امروزه در بعضی دسته‌های عزاداری دیده می‌شود، از نغمه‌های لهوی و موسیقی‌های طرب‌آمیز استفاده نکنند. از خداوند متعال می‌خواهم منبر حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و مجالس مبارک ایشان را به واسطه مداحان متعهد و مؤمن حفظ نماید. چراکه اینان صدای رسای تشیع و زبان ناطق مکتب اهل بیت می‌باشند.

در پایان بار دیگر لازم می‌دانم همه شیعیان در سراسر جهان را به لزوم توجه روزافزون نسبت به این روز بزرگ و پیام‌های راهگشای آن توصیه کنم و از همگان می‌خواهم در راه احیای این یوم‌الله عظیم بکوشند. انشاء الله همگان در سایه عنایات الهی و لطف حضرت ولی عصر (عج) موفق و مؤید باشند.

والسلام علیکم جميعاً و رحمة الله و برکاته

سید محمد صادق حسینی روحانی

محرم ۱۴۳۲ هجری قمری - آذر ۱۳۸۹ هجری شمسی

آشنایی با آثار

حضرت آیت الله العظمی روحانی (دام ظلّه)

معظم له از ابتدای زندگی علمی خویش در راستای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و گسترش دانش اسلام، هرگز آرام نگرفتند. زمانی بر مسند تدریس می نشینند و به تربیت و پرورش هزاران دانشمند فاضل و فرزانه می پردازند و زمانی دیگر دست به قلم می شوند و به تألیف کتب ماندگار اسلامی می پردازند.

ایشان به محض ورود به حوزه علمیه قم و احساس نیاز جامعه حوزوی و اسلامی، همزمان با تدریس درس خارج فقه و اصول در سنین جوانی، دست به تألیف دایرة المعارف فقه اسلامی می زنند. کتابی ماندگار که بزرگان و اساتید نام آور خیره حوزه، مراجع بزرگ تقلید و مدرسین، سر تعظیم و تمجید در برابرش فرو می آورند.

حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) دوبار کتاب «فقه الصادق» را همراه خود به جلسه تدریس شان می برند و به عنوان سند از آن نقل قول و به آن استناد می کنند.

حضرت آیت الله العظمی خویی (ره) طی نامه ای مرقوم فرمودند که: من کتاب «فقه الصادق» را شخصاً برای آیت الله کاشف الغطاء بردم و گفتم: ببیند من چه خدمت بزرگی به عالم اسلام و فقاهت نموده ام و چنین عالم محققى را تربیت کرده ام.

رئیس دانشگاه الازهر (مهم‌ترین و عالی‌ترین مرکز علمی اهل تسنن) نیز طی نامه‌ای کتاب عظیم «فقه الصادق» را می‌ستاید. این کتاب سالیان سال است که یکی از رساترین، معتبرترین و مهم‌ترین منبع تدریس فقه و اصول تشیع است. یکی از دلایل مرجعیت و اعلیت ایشان، ناشی از این تألیفات بخصوص کتاب گرانسنگ «فقه الصادق» است.

تالیفات

۱- فقه الصادق (به زبان عربی): دایرة المعارف کامل فقه تشیع. این کتاب عظیم و بزرگ که به عنوان یک منبع مرجع شناخته شده است در ۲۶ جلد بارها در داخل و خارج کشور به چاپ رسیده است. چاپ جدید آن هم اکنون در ۴۱ جلد (با ذکر منابع و مصادر) منتشر شده است. از تألیف کتاب عظیم «جواهر الکلام» که شامل تمامی ابواب فقه می‌باشد نزدیک به ۲۰۰ سال می‌گذرد و کتاب «فقه الصادق» که به اعتقاد بعضی از مراجع و بزرگانِ خبره حوزه، از «جواهر الکلام» رساتر و کامل‌تر است؛ اولین و کامل‌ترین دایرة المعارف تمام ابواب فقه در دو سده اخیر است. این کتاب که در سنین جوانی معظم‌له به رشته تحریر درآمده، مورد عنایت خاصه تمامی مراجع تقلید و بزرگان حوزه‌های علمیه است. این کتاب در میان علماء عامه (اهل تسنن) نیز شناخته شده و مورد استناد است. کتاب «فقه الصادق» در دانشگاه‌های معروف غرب (بخش مطالعات اسلام‌شناسی) یکی از منابع مورد قبول و قابل استناد است.

۲- «زبدة الاصول» (به زبان عربی): دوره کامل علم اصول فقه که به

صورت بحث استدلالی ارائه گردیده است. این کتاب در ۶ جلد می‌باشد.
 ۳- «منهاج الفقاهه» (به زبان عربی): در ۶ جلد می‌باشد که حاشیه‌ای است بر «مکاسب» شیخ انصاری (ره) که به شیوه‌ای نو و ابتکاری تمامی موارد ارائه شده را بحث و بررسی کرده‌اند.

۴- «المسائل المستحدثة» (به زبان عربی): حضرت آیت الله مبتکر مسائل مستحدثة و ارائه مسائل جدید با ذکر مسایل فقهی، روایی هستند. این کتاب که بارها و بارها در خارج و داخل کشور به چاپ رسیده است شامل ارائه مسائل جدید، نو و مورد ابتلای جامعه با ذکر دلایل و مستندات فقهی، روایی و قرآنی می‌باشد.

۵- تعلیق بر «منهاج الصالحین» در ۳ جلد (به زبان عربی)

۶- تعلیق بر «عروة الوثقی» در ۲ جلد (به زبان عربی)

۷- تعلیق بر «وسيلة النجاة» (به زبان عربی)

۸- رساله در لباس مشکوک (به زبان عربی)

۹- رساله در قاعده لاضرر (به زبان عربی)

۱۰- الجبر و الاختیار (به زبان عربی)

۱۱- رساله در قرعه (به زبان عربی)

۱۲- مناسک الحج (به زبان عربی)

۱۳- المسائل المنتخبة (به زبان عربی)

۱۴- رساله در «فروع العلم الاجمالي» (به زبان عربی)

۱۵- الاجتهاد و التقليد (به زبان عربی)

۱۶- القواعد الثلاثة (به زبان عربی)

۱۷- اللقاء الخاص (به زبان عربی) استفتائات

- ۱۸- «شرح مناسک الحج والعمرة» (به زبان عربی)
- ۱۹- «اجوبة المسائل الاعتقادية» (به زبان عربی) استفتائات
- ۲۰- «السيدة الزهراء علیها السلام بین الفضائل والظلمات» (به زبان عربی)
- ۲۱- رساله «توضیح المسائل» (به زبان فارسی و اردو)
- ۲۲- جبر و اختیار (به زبان فارسی)
- ۲۳- «نظام حکومت در اسلام» (به زبان فارسی و ترکی و اردو)
- ۲۴- مناسک حج (به زبان فارسی)
- ۲۵- منتخب احکام (به زبان فارسی)
- ۲۶- «استفتائات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقی وکلای بین الملل» (به زبان فارسی)
- ۲۷- احکام فقهی مسائل روز (به زبان فارسی)
- ۲۸- استفتائات (پرسش و پاسخ های مسائل شرعی) (به زبان فارسی):
که تاکنون در ۷ جلد به صورت سؤال و جواب ارائه شده است.
- ۲۹- «سلسله فتاوی و استفتائات» (به زبان عربی): شامل استفتائات و پاسخ های مسائل شرعی می باشد که در ۱۸ جلد تهیه شده و هر جلد شامل ۱۰۰۰ سؤال و جواب است. که تاکنون ۲ جلد (التقلید والعقائد - الطهارة) آن به چاپ رسیده است.
- ۳۰- فضائل و مصائب حضرت زهرا علیها السلام
- ۳۱- اجوبة المسائل (فی الفكر والعقيدة والتاریخ والاخلاق)
- ۳۲- راه سعادت

معرفی سایت‌های دفتر

حضرت آیت الله العظمی روحانی (مد ظله العالی)

۱. سایت فارسی معظم‌له:

نسخه جدید سایت فارسی با ارائه اسناد و دستخط‌های منحصر به فردی که برای اولین بار است منتشر می‌شود - توسط بخش فرهنگی دفتر ایشان راه‌اندازی شده است. برای مشاهده سایت ایشان می‌توانید به آدرس www.rohani.ir مراجعه نمایید.

در این سایت بر زندگی‌نامه علمی و مبارزات سیاسی ایشان به طور جداگانه پرداخته شده و تعدادی از بیانیه‌ها و سخنرانی‌های معظم‌له در دوران مبارزات ضد رژیم ستم‌شاهی نیز برای اطلاع محققان و جلوگیری از تحریف تاریخ! قرار داده شده است.

در بخش دیگری از سایت نیز تعدادی از نامه‌های تاریخی همچون نامه‌های آیت الله العظمی خوئی (ره) به ایشان، همراه با تصاویر آنها که حاوی نکات بسیار مهمی هست، آورده شده؛ از جمله این نامه‌ها می‌توان به تأیید مقام علمی آیت الله العظمی روحانی (دام ظلّه) توسط آیت الله العظمی خوئی (ره) آن هم در حالی که سن ایشان تنها ۱۴ سال بوده است، اشاره کرد.

لازم به ذکر است امکان خرید مجموعه آثار عربی و فارسی معظم‌له - که تاکنون ۷۳ عنوان آن منتشر شده است - نیز در بخش انتشارات سایت، فراهم گشته است.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مجموعه آثار (کتابخانه دیجیتال):

پایگاه اطلاع‌رسانی مجموعه آثار حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی) (در قالب کتابخانه دیجیتال) و به آدرس www.rohanibooks.com راه‌اندازی شد. در اولین اقدام متن کامل مجموعه فقهی کم‌نظیر «فقه الصادق» با امکان جستجوی قوی و پیشرفته در سایت قرار داده شده و به تدریج سایر کتب فقهی و اصولی ایشان نیز در این سایت آورده خواهد شد. در طراحی این پایگاه از قابلیت‌های مفید و منحصر به فرد موجود در نرم‌افزارها، و نیز قابلیت‌های مفید موجود در شبکه که حتی در نرم‌افزارها قابل دستیابی نبوده، استفاده شده است.

۳. سایت‌های دفتر استفتانات به زبان‌های عربی و فارسی:

نسخه جدید سایت‌های دفتر استفتانات حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله) برای پاسخ‌گویی سریع‌تر و ارتباط نزدیک‌تر با مقلدین ایشان و همچنین پاسخ‌گویی به سؤالات اعتقادی هموطنان راه‌اندازی شده است. از جمله نکات مهم لحاظ شده در سایت، بخش سؤالات مرتبط هست که در انتهای هر سؤال شرعی و اعتقادی قرار داده شده است تا مخاطب امکان دسترسی آسان‌تری نسبت به سؤالات مورد نیاز خود داشته باشد. لازم به ذکر است که در حال حاضر در هر کدام از این دو سایت بیش از ۴ هزار استفتاء موجود می‌باشد و به طور هفتگی بر استفتانات موجود در آن اضافه می‌شود. آدرس سایت فارسی دفتر استفتانات www.istefta.net آدرس سایت عربی دفتر: www.istefta.com می‌باشد.